



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سیمای مهدی در قرآن

۱-۲

Vision of Mahdi in Quran

الکافی

دکتر محمد بیستونی

نویسنده

موسسه علمی و فرهنگی امام صادق علیه السلام، قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای مهدی در قرآن

نویسنده:

محمد بیستونی

ناشر چاپی:

بیان جوان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	سیمای مهدی در قرآن
۹	مشخصات کتاب
۹	جلد ۱
۹	فهرست مطالب
۱۰	الْأَهْدَاءِ
۱۱	متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سیدمرتضی خاتمی در خصوص
۱۲	اسماء و القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه السلام
۱۴	شمایل حضرت مهدی علیه السلام
۱۴	برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه السلام
۱۴	برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه السلام
۱۵	۱ - آمادگی فکری و فرهنگی
۱۶	۲ - آمادگی‌های اجتماعی
۱۶	۳ - آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی
۱۷	مفهوم انتظار
۱۸	انتظار در عمق سرشت آدمی
۱۹	آثار سازنده انتظار
۱۹	اکنون بادقت به این چندروایت توجه کنید
۲۰	انتظار یعنی آماده باش کامل
۲۰	انتظار یعنی آماده باش کامل
۲۱	۱ - خودسازی فردی
۲۲	۲ - خودیاری‌های اجتماعی
۲۲	۳ - حل نشدن در فساد محیط

- ۲۳ مصلح بزرگ جهانی در آیات قرآن
- ۲۷ علائم ظهور
- ۲۷ علائم ظهور
- ۲۸ ۱ - فراگیر شدن ظلم و فساد
- ۳۲ ۲ - دجال (مردم پرتزویر و حيله‌گر)
- ۳۶ ۳ - ظهور سفیانی
- ۳۸ بررسی و تحقیق
- ۳۹ آیا عمر طبیعی حدّ ثابتی دارد؟
- ۴۱ وجود افراد استثنایی
- ۴۳ این ایراد را چه کسانی طرح می‌کنند؟
- ۴۴ «کتابنامه»
- ۴۷ جلد ۲
- ۴۷ فهرست مطالب
- ۴۹ الْإِهْدَاءِ
- ۵۰ ۱ - آمادگی پذیرش (آمادگی روانی)
- ۵۱ ۲ - تکامل فرهنگی و صنعتی
- ۵۲ ۳ - پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی
- ۵۲ ۴ - فلسفه وجود امام به هنگام غیبت
- ۵۳ فایده وجود امام در دوران غیبت
- ۵۴ نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی
- ۵۴ نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی
- ۵۵ ۱ - اثر امیدبخشی
- ۵۶ ۲ - پاسداری آئین خدا
- ۵۷ ۳ - تربیت یک گروه انقلابی آگاه

- ۴ - نفوذ روحانی و ناآگاه ۵۸
- ۵ - ترسیم هدف آفرینش ۶۰
- چگونگی قیام حضرت مهدی علیه‌السلام ۶۲
- آیا این احتمال قابل قبول است؟ ۶۲
- و اما از نظر منابع حدیث ۶۳
- مفهوم شمشیر ۶۶
- سه دوران ۶۸
- پیشرفت برق آسای علوم در عصر مهدی علیه‌السلام ۶۹
- چه جهشی از این بالاتر و سریعتر! ۶۹
- پیشرفت عظیم اقتصادی و عدالت اجتماعی ۷۱
- پیشرفت‌های قضایی ۷۵
- ۱ - آیین یهودیت ۷۸
- ۲ - آیین مسیحیت ۷۸
- ۳ - آیین زرتشت ۸۰
- آیین زرتشت ۸۰
- الف - آرمان مهدویت در کتب عامه ۸۰
- ب - آرمان مهدویت در آئینه کتب شیعی ۸۱
- ویژگی‌های انحصاری نهضت امام زمان علیه‌السلام ۸۵
- برتری مالی و اقتصادی امام زمان علیه‌السلام ۸۶
- جهان در عصر پس از ظهور امام زمان (عج) ۸۶
- سلامتی و بهداشت همگانی در زمان حضور حضرت مهدی علیه‌السلام ۸۸
- امنیت جهان در سایه تمدن حضرت مهدی علیه‌السلام ۸۹
- امنیت جهانی در عصر طلایی ظهور ۹۰
- امنیت جهانی در عصر طلایی ظهور ۹۰

- الف - نابودی نظام فقرمداری ۹۱
- ب - رفاه اقتصادی ۹۱
- استغاثه به حضرت علیه‌السلام ۹۷
- «کتابنامه» ۹۹
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۰۱

سیمای مهدی در قرآن

مشخصات کتاب

- سرشناسه: بیستونی، محمد، ۱۳۳۷ -
- عنوان و نام پدیدآور: سیمای مهدی در قرآن = Vision of Mahdi in Qur'an/تالیف محمد بیستونی؛ گروه تحقیق محمدعلی بیستونی، طاهره نوری‌خانی، جواد غریب‌زاده.
- مشخصات نشر: قم: بیان جوان، ۱۳۸۵.
- مشخصات ظاهری: [۲۸۲] ص.
- شابک: ۹۶۴-۸۳۹۹-۸۲-۴
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- یادداشت: کتاب حاضر قبلاً توسط همین انتشارات در سال ۱۳۸۳ به صورت جلدی نیز منتشر شده است.
- یادداشت: کتابنامه: ص [۲۶۹] - ۲۸۲؛ همچنین به صورت زیرنویس
- موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- جنبه‌های قرآنی.
- موضوع: مهدویت -- جنبه‌های قرآنی.
- شناسه افزوده: نوری‌خانی، طاهره
- شناسه افزوده: غریب‌زاده، جواد
- رده بندی کنگره: BP۱۰۴/م۸۶ ب۹ ۱۳۸۵
- رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹
- شماره کتابشناسی ملی: م۸۵-۴۷۱۹۱

جلد ۱

فهرست مطالب

- موضوع صفحه
- متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت «آیه الله حاج سید مرتضی خاتمی» ●●● ۶
- ولادت با سعادت امام زمان علیه‌السلام ●●● ۸
- اسماء و القاب و کنیه‌های آن حضرت علیه‌السلام ●●● ۹
- شمایل و بعضی از خصایص حضرت مهدی علیه‌السلام ●●● ۱۷
- برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه‌السلام ●●● ۱۷
- آمادگی‌های عمومی ●●● ۲۰
- ۱- آمادگی فکری و فرهنگی ●●● ۲۱
- ۲- آمادگی‌های اجتماعی ●●● ۲۳
- ۳- آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی ●●● ۲۵

(۱۴۲) (۱۱)

موضوع صفحه

مفهوم انتظار ۲۸۰۰۰

انتظار در عمق سرشت آدمی ۲۹۰۰۰

آثار سازنده انتظار ۳۴۰۰۰

انتظار یعنی آماده باش کامل ۴۰۰۰۰

۱- خودسازی فردی ۴۳۰۰۰

۲- خودیاری‌های اجتماعی ۴۶۰۰۰

۳- حل نشدن در فساد محیط ۴۷۰۰۰

مصلح بزرگ جهانی در آیات قرآن ۵۱۰۰۰

۲- استخلاف در زمین ۵۷۰۰۰

علائم ظهور ۶۶۰۰۰

(۱۴۳) (۱۱)

موضوع صفحه

۱- فراگیر شدن ظلم و فساد ۶۷۰۰۰

۲- دجال (مردم پرتزویر و حيله گر ۸۳۰۰۰)

۳- ظهور سفیانی ۹۸۰۰۰

راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۰۸۰۰۰)

بررسی و تحقیق ۱۰۹۰۰۰

آیا عمر طبیعی حدّ ثابتی دارد ۱۱۰۴۰۰۰

وجود افراد استثنایی ۱۲۰۰۰۰

این ایراد را چه کسانی طرح می‌کنند ۱۲۶۴۰۰۰

(۱۴۴) (۱۱)

این کتاب از سری «۳۰ عنوان» کتاب‌های جدیدی است که در عرصه تفسیر موضوعی قرآن کریم برای جوانان عزیز با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تولید و منتشر می‌شود.

مؤسسه قرآنی تفسیر جوان

الْإِهْدَاءِ

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ

رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا

وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ

الْمُصْطَفَى وَ بَهْجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي

شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ الشَّعْبَةِ

الْمُعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَوَارِثِ عُلُومِ
 الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، الْمُعَدِّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَالْمُدْخِرِ لِأَخْيَاءِ الْفَرَائِضِ وَمَعَالِمِ الدِّينِ ،
 الْحُجْبَةِ بْنِ الْحُسَيْنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعِزَّ
 الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ قَدْ مَسَّنَا
 وَأَهْلَنَا الضَّرَّ فِي غَيْبَتِكَ وَفِرَاقِكَ وَجِنَا بِيضَاعَهُ
 مُرْجَاهُ مِنْ وِلَايَتِكَ وَمَحِيَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ
 فَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ
 إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

(۵)

متن تأییدیه فقیه اهل بیت حضرت آیه الله حاج سیدمرتضی خاتمی در خصوص

«روش انس با قرآن» و تألیفات تفسیری جناب آقای دکتر محمد بیستونی

بسم الله الرحمن الرحيم

قرآن منشور هدایت، راهنمای جاوید، مبشر نور و برکت و «نسخه شفاف بخش» برای همه انسان‌ها می‌باشد. این نور روشنگر و ابر باران خیز و «نسیم معنوی و جانبخش حیات» باید به عمق جان و روح نفوذ نموده و با روش‌های صحیح و کارشناسی شده در متن زندگی و فعالیت‌های فردی و اجتماعی همه انسانها خصوصا «اهل قبله» قرار گیرد.

در همین راستا، فرزند معنوی و عزیزم جناب آقای «دکتر محمد بیستونی» که از عنفوان جوانی در خدمت «قرآن و مساجد» بوده است. در یک تلاش طاقت فرسا و منظم که بنده از ۱۰ سال پیش، مستقیماً در جریان آن قرار گرفتم «طرح جدید و دقیقی» را تحت عنوان «روش انس با قرآن» از طریق «کارگاه آموزشی مفسرین جوان» ابداع نموده است و کلیه منابع تحقیقاتی آن را نیز شخصاً تألیف کرده و همه آن‌ها را قبل از چاپ و نشر برای «تصحیح لفظی و محتوایی و اعرابی» به رؤیت اینجانب رسانده است. بنده نیز با کمال دقت و حوصله تمامی آن‌ها را از اول تا آخر مطالعه و تصحیح نمودم.

تألیفات قرآنی جناب آقای دکتر محمد بیستونی که عموماً در حوزه «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای قرآن کریم»

(۶)

می‌باشد، بسیار ساده و برای عموم مردم و متدینین خصوصاً «نوجوانان و جوانان عزیز» کاملاً قابل استفاده بوده و می‌تواند تحوّل عظیمی را در «مؤانست نسل جوان با محتوای قرآن کریم» خصوصاً در حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و مراکز آموزشی و دولتی کشور به همراه داشته باشد.

از ویژگی‌های بارز تألیفات تفسیری ایشان، توجه به «تفسیر موضوعی و زنجیره‌ای (تفسیر قرآن با قرآن)» می‌باشد که در نوع خود بی نظیر است.

امیدوارم جوانان عزیز مسلمان در سراسر جهان وجود وی را غنیمت شمرده و از تألیفات قرآنی ایشان که بحمدالله اخیراً به زبانهای عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی نیز در دست چاپ و انتشار می‌باشد، حداکثر استفاده را بنمایند.

آرزوی منم خداوند تبارک و تعالی به این برادر باذوق و علاقمند به قرآن و مسائل جوانان توفیق ادامه مخلصانه چنین «تلاشهای مفید و مؤثر قرآنی» را بیش از پیش عنایت فرماید.

بتاریخ ۲۷/۱۳۸۲ ه. ش

۲۷ رجب المرجب ۱۴۲۴ ه.ق

مبعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله

سید مرتضی خاتمی

(۷)

ولادت با سعادت امام زمان علیه السلام (۱)

در کتاب «ارشاد» شیخ مفید مذکور است که: ولادت آن حضرت، در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ بود و به روایتی شب جمعه، نیمی از ماه شعبان گذشته، سال ۲۵۵ از مادر متولد شده است.

شیخ جلیل، ابو محمد فضل بن شاذان که بعد از ولادت حضرت حجت علیه السلام و پیش از وفات حضرت عسکری علیه السلام وفات کرده، در کتاب «غیبت» خود گفته: از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده است که می گفت: «ولی خدا و حجت خدا بر بندگان خدا و خلیفه من بعد از من، در شب نیمه ماه شعبان سال ۲۵۵ نزد طلوع فجر متولد شد. اول کسی که او را شست، «رضوان» خازن بهشت بود با جمعی از

۱- این مطالب از کتاب خورشیدغایب مختصرنجم الثاقب، تألیف رضااستادی، استفاده شده است.

«(۸)»

ملائکه مقربین که او را به آب کوثر و سلسبیل شستند؛ بعد از آن، شست او را عمه من «حکیمه خاتون» دختر امام جواد علیه السلام.

سپس از محمد بن علی که راوی این حدیث است، پرسیدند از مادر صاحب الامر علیه السلام؛ گفت: «مادرش ملیکه بود که او را در بعضی از روزها سوسن و در بعضی از ایام ریحانه می گفتند و صیقل و نرجس نیز از نام های او بود». از این خبر، وجه اختلاف در اسم آن بزرگوار معلوم می شود و این که به هر پنج اسم نامیده می شد.

اسماء و القاب و کنیه های آن حضرت علیه السلام

۱- «بَقِيَّةُ اللَّهِ» در «ذخیره» (۱) گفته که این نام آن جناب است. در کتاب «غیبت»

۱- نام کتابی است در شرح امام زمان «عجل الله تعالی فرجه الشریف».

«(۹)»

فضل بن شاذان روایت شده از امام صادق علیه السلام که در ضمن احوال قائم علیه السلام فرمود: «چون زمان ظهور آن حضرت فرا رسد، او به کعبه تکیه کرده و ۳۱۳ نفر گرد او جمع می شوند و اول چیزی که تکلم می فرماید، این آیه است... "بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ" (و بدانید) که آنچه خدا بر شما باقی گذارد و (برکت بخشد) بهتر است اگر واقعا به خدا ایمان دارد» (۱). آن گاه می فرماید: اَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ (۲) و حجت او و خلیفه او بر شما، پس سلام نمی کند بر او سلام کننده ای مگر آن که می گوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.

۲- «صَاحِبُ الزَّمَانِ»: از القاب مشهور آن حضرت است و مراد از آن، فرمان فرما و حکمران زمان، از جانب خداوند است.

۱- ۸۶ / هود .

۲- یعنی من بقیة الله هستم و ...

«(۱۰)»

۳- «قائِم»: و این از القاب خاص مشهور متداول آن حضرت است و در «ذخیره» گفته: که این، اسم آن جناب است در

زبور (حضرت داوود علیه السلام) .

«قائم» یعنی قیام کننده بر اجرای فرمان حق تعالی؛ زیرا آن حضرت، پیوسته در شب و روز، مهیای فرمان الهی است که به اشاره، ظهور نماید. شیخ مفید در «ارشاد» روایت کرده از امام رضا علیه السلام که فرمود: «چون حضرت قائم علیه السلام برخیزد، مردم را به اسلام تازه بخواند».

تا آن که فرمود: «او را قائم نامیدند برای آن که قیام به حق خواهد نمود» .

از ابو حمزه ثمالی روایت شده است که گفت: سؤال کردم از حضرت امام باقر علیه السلام که: «يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَيَا هَمَّ شَمَا قَائِمٌ بِه حَقِّ نِيسْتِيد؟»

((۱۱))

فرمود: همه قائم به حقیقیم .

گفتم: پس چگونه حضرت صاحب الامر علیه السلام را قائم نامیدند؟

فرمود: چون جدّم، حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد، ملائکه در درگاه الهی صدا به گریه و ناله بلند کردند و گفتند: ای خداوند و سید ما! آیا غافل می شوی از قتل برگزیده خود و فرزند پیغمبر پسندیده خود و بهترین خلق خود؟ پس حق تعالی وحی کرد به سوی ایشان که: ای ملائکه من! قرار گیرید! قسم به عزّت و جلال خود که از ایشان انتقام خواهم کشید، هر چند بعد از زمانها باشد. پس حق تعالی حجابها را برداشت و نور امامان از فرزندان حسین را به ایشان نشان داد و ملائکه به آن شاد شدند؛ پس یکی از آن نُور را دیدند که در میان آنها ایستاده، به نماز مشغول بود؛ حق تعالی فرمود: به وسیله این ایستاده (قائم) از ایشان، انتقام خواهم کشید».

((۱۲))

۴- «مهدی»: از مشهورترین اسماء و القاب آن حضرت است در نزد جمیع فرقه‌های اسلامیّه.

شیخ طوسی در «غیبت» خود روایت کرده از ابی سعید خراسانی که او سؤال نمود از امام صادق علیه السلام که: «چرا نامیده شده آن جناب به مهدی؟» فرمود: «زیرا که او هدایت می کند مردم را به سوی هر امر مخفی» .

۵- «مُنْتَظَر»: در «کمال الدین» روایت شده است از امام محمد تقی علیه السلام که فرمود: «امام بعد از حسن علیه السلام پسر اوست؛ قائم به حقّ که منتظر است».

راوی پرسید: چرا او را منتظر نام کرده اند؟

فرمود: برای آن که برای اوست غایب شدنی که بسیار خواهد بود روزهای آن و به

((۱۳))

طول خواهد کشید مدت آن؛ پس انتظار خواهند کشید ظهور او را مخلصان و انکار خواهند کرد او را شک کنندگان...» .

۶- «مُضَطَّر»: ناچار، گرفتار شدید. در «تفسیر علی بن ابراهیم» از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «آیه شریفه أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ... (۱) در حق قائم علیه السلام نازل شده؛ و هر گاه مضطرّ؛ دو رکعت نماز بخواند در مقام - یعنی مقام ابراهیم علیه السلام و خدای را بخواند، پس اجابت می کند او را و برطرف می کند سوء را و می گرداند او را خلیفه زمین».

۱- ۶۲ / نمل .

((۱۴))

۷- «نور آل محمد صلی الله علیه و آله»: چنان که در خبری است از حضرت صادق علیه السلام و در «ذخیره» از اسامی آن جناب شمرده شده که در قرآن مذکور است.

و در چند خبر مذکور است در آیه شریفه «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (۱) یعنی به ولایت قائم علیه السلام و به ظهور آن جناب.

و در آیه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (۲) که مراد، روشن شدن زمین است به نور آن جناب.

و در یکی از زیارات جامعه، در اوصاف آن حضرت است: «نُورُ الْأَنْوَارِ الَّذِي تَشْرُقُ بِهِ الْأَرْضُ عَمَّا قَلِيلٍ».

۱- ۸ / صف .

۲- ۶۹ / زُمر .

﴿ (۱۵) ﴾

مخفی نماند که بیشتر این اسامی و القاب و کنیه‌ها که ذکر شد، از جانب خدای تبارک و تعالی و خلفای اوست، نه مثل نام گذاردن متعارف مردم است که در آن، رعایت و ملاحظه معنی آن اسم و وجود و عدم آن، در آن شخص نکنند و گاهی شود که برای مولودی پست رتبه و فطرت و مذموم الخلقه و خصلت، اسامی شریفه گذاردند و لکن خدای تعالی و اولیایش تا معنی اسم در شخص نباشد، آن اسم را برای او نگذارند.

و از این جا معلوم می‌شود که کثرت اسامی و القاب الهی رسول خدا و صدیقه کبری و ائمه هدی کاشف است از کثرت صفات و مقامات عالیه؛ زیرا هر یک، دلالت بر خُلق و صفتی و فضل و مقامی کند؛ بلکه بعضی بر همه آن‌ها دلالت کند و از آن‌ها باید به آن مقامات - به آن قدر که لفظ را گنجایش و فهم را راه باشد - پی برد.

﴿ (۱۶) ﴾

شمایِل حضرت مهدی علیه السلام

شیخ صدوق در «کمال‌الدین» روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی علیه السلام شبیه‌ترین مردم است به من؛ در خلق و خلق».

در «غیبت» نعمانی روایت شده از یکی از راویان که گفت: «قائم - مهدی علیه السلام - از نسل علی علیه السلام است، شبیه‌ترین مردم است به عیسی بن مریم در خُلو و خُلق و سیما و هیأت...».

برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه السلام

برخی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر علیه السلام

اول: از تکالیف قلبی، انتظار فرج آل محمد علیهم السلام در هر آن و انتظار ظهور دولت قاهره و سلطنت ظاهره مهدی آل محمد علیهم السلام و پر شدن زمین از عدل و داد و غالب شدن دین اسلام بر جمیع ادیان (می‌باشد) که خدای تعالی به نبی اکرم خود خبر داده و وعده فرموده؛ بلکه بشارت آن را به جمیع پیغمبران و امت‌ها داده که: روزی خواهد آمد که جز خدای تعالی کسی را پرستش نکنند و چیزی از دین نماند که از بیم احدی، در پرده ستر و حجاب بماند و بلا و شدت، از حق پرستان برود؛ چنان که در زیارت مهدی آل محمد علیهم السلام است که:

﴿ (۱۷) ﴾

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيُلِمَّ بِهِ الشَّعْثَ وَيَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا - وَقَسِطًا وَيُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ

الْمُؤْمِنِينَ».

ترجمه: سلام بر مهدی! آن که (خدا) وعده داده به او جمیع امت‌ها را که جمع کند به وجود او کلمه‌ها را - یعنی اختلاف را از میان ببرد و دین یکی شود - و گرد آورد به او پراکندگی‌ها را و پُر کند به او زمین را از عدل و داد و انفاذ فرماید به سبب او، وعده فرجی که به مؤمنین داده .

دوم: از تکالیف، دعا کردن است برای حفظ وجود مبارک امام عصر علیه‌السلام از شرور شیاطین انس و جنّ و طلب تعجیل نصرت و ظفر و غلبه بر کفار و ملحدین و

(۱۸) «

منافقین برای آن جناب؛ و این، نوعی است از اظهار بندگی و رضای به آنچه خدای تعالی وعده فرموده که چنین گوهر گرانبهایی را - که در خزانه قدرت و رحمت خود پرورده و بر چهره آن حجاب عظمت و جلالت کشیده - در روزی که خود مصلحت داند، ظاهر و دنیا را از پرتو شعاع او روشن نماید.

و با چنان وعده منجز حتمی، در دعای ما برای آن حضرت، جز ادای رسم بندگی و اظهار شوق و زیادت‌ی محبت و ثواب و رضا به موهبت کبرای خداوندی، اثری ظاهر نباشد؛ اگر چه بسیار تحریص و تأکید فرمودند در دعای برای آن حضرت علیه‌السلام در غالب اوقات (۱).

۱- این مطالب از کتاب خورشیدغایب مختصرنجم‌الثاقب، تألیف رضااستادی، استفاده شده است.

(۱۹) «

آمادگی‌های عمومی (۱)

ما هر قدر خوشبین و امیدوار باشیم باز باید بدانیم رسیدن به مرحله‌ای از تاریخ که در آن :

همه‌انسان‌ها زیر یک پرچم گرد آیند و سلاح‌های وحشتناک از جهان برچیده شود؛

و طبقات به مفهوم استعمارگر و استعمارشونده از میان برود؛

و کشمکش‌ها و بازی‌های خطرناک سیاسی و نظامی ابرقدرتها برای همیشه به دست فراموشی سپرده شود و دنیا از نام چندش آور «ابرقدرت» و کابوس شوم نیروهای جهنمی آنها رهایی یابد؛

۱- این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیه الله مکارم شیرازی، استفاده شده است .

(۲۰) «

و رقابت‌های ناسالم و ویرانگر اقتصادی جای خود را به تعاون همگانی انسان‌ها در راه بهتر و پاک‌تر زیستن دهد؛ ...

هنوز زود است؛ و آمادگی عمومی لازم دارد .

اما از آن‌جا که در عصر اخیر تحوّل‌ها و دگرگونی‌ها به سرعت روی می‌دهد نباید آن را هم زیاد دور بدانیم همانند یک رؤیا و خواب شیرین.

ولی در هر حال، برای این که دنیا چنان حکومتی را پذیرا گردد چهارنوع آمادگی لازم است.

۱ - آمادگی فکری و فرهنگی

یعنی سطح افکار مردم جهان آن‌چنان بالا رود که بدانند مثلاً مسأله «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیایی» مسأله قابل توجهی در زندگی بشر نیست. تفاوت رنگ‌ها

(۲۱) «

و زبان‌ها و سرزمین‌ها نمی‌توانند نوع بشر را از هم جدا سازد. تعصب‌های قبیله‌ای و گروهی باید برای همیشه بمیرد؛ فکر مسخره‌آمیز «نژاد برتر» را باید به دور افکند؛ مرزهای ساختگی با سیم‌های خاردار! و دیوارهایی همچون دیوار باستانی چین! نمی‌تواند انسان‌ها را از هم دور سازد.

بلکه همان‌گونه که نور آفتاب و نسیم‌های روحبخش و ابرهای باران‌زا و سایر مواهب و نیروهای جهان طبیعت به این مرزها ابدا توجهی ندارند و همه روی کره زمین را دور می‌زنند و دنیا را عملاً یک کشور می‌دانند؛ ما انسان‌ها نیز به همین مرحله از رشد فکری برسیم.

و اگر خوب دقت کنیم می‌بینیم این طرز تفکر در میان آگاهان و روشنفکرهای جهان در حال تکوین و تکامل است و روز به روز بر تعداد کسانی که به مسأله

(۲۲) ﴿﴾

«جهان وطنی» می‌اندیشند افزوده می‌شود.

حتی مسأله زبان واحد جهانی از صورت حرف بیرون آمده و زبان «اسپرانتو» به عنوان زبانی که همه جهانیان را در آینده به هم پیوند دهد ابداع شده و کتاب‌های مختلفی به این زبان نشر یافته است.

۲ - آمادگی‌های اجتماعی

مردم جهان باید از ظلم و ستم و نظامات موجود خسته شوند و تلخی این زندگی مادی و یک بعدی را احساس کنند و حتی از این که ادامه این راه یک بعدی ممکن است در آینده مشکلات کنونی را حل کند، مأیوس گردند. مردم جهان باید بفهمند آنچه در قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی درباره آینده درخشان تمدن

(۲۳) ﴿﴾

بشری در پرتویسرفت‌های ماشینی به آنها نوید داده می‌شد، در واقع در باغ سبزی بیش نبود؛ و یا همچون سرابی در یک بیابان سوزان در برابر دیدگان مسافران تشنه کام.

نه تنها صلح و رفاه و امنیت مردم جهان تأمین نشد، بلکه دامنه مناقشات و ناامنی‌های مادی و معنوی گسترش یافت. پی بردن به عمق وضع خطرناک کنونی، نخست حالت تفکر، سپس تردید و سرانجام یأس از وضع موجود جهان و آمادگی برای یک انقلاب همه‌جانبه براساس ارزش‌های جدید به وجود می‌آورد.

این چیزی است که تا حاصل نگردد رسیدن به چنان مرحله‌ای ممکن نیست، درست همانند دمل چرکینی که تا نضج نگیرد لحظه نشتر زدن آن فرارخواهد رسید.

(۲۴) ﴿﴾

۳ - آمادگی‌های تکنولوژی و ارتباطی

برخلاف آنچه بعضی می‌پندارند که رسیدن به مرحله تکامل اجتماعی و رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت، حتما همراه با نابودی تکنولوژی جدید امکان‌پذیر است، وجود این صنایع پیشرفته نه تنها مزاحم یک حکومت عادلانه جهانی نخواهد بود، بلکه شاید بدون آن وصول به چنین هدفی محال است.

برای ایجاد و سپس کنترل یک نظام جهانی، یک سلسله وسایل مافوق مدرن لازم است که با آن بتوان جهان را در مدت کوتاهی درنوردید و به همه جا سرکشی کرد؛ از همه جا آگاه شد؛ و در صورت نیاز امکانات لازم را از یک سوی جهان به سوی دیگر

برد؛ و پیام‌ها و اطلاعات و آگاهی‌های مورد نیاز را در کمترین مدت به همه نقاط دنیا رسانید.
اگر زندگی صنعتی به وضع قدیم بازگردد و مثلاً برای فرستادن یک پیام از یک سوی
﴿ (۲۵) ﴾

جهان به سوی دیگر یک سال وقت لازم باشد، چگونه می‌توان بر جهان حکومت کرد و عدالت را در همه جا گسترده؟!
اگر برای سرکوب کردن یک فرد یا یک گروه کوچک متجاوز - که مسلماً حتی در چنان جهانی نیز امکان وجود دارد - مدت‌ها
وقت برای مطلع شدن حکومت و سپس مدت‌ها وقت برای فرستادن نیروی تأمین کننده عدالت لازم باشد، چگونه می‌توان حق و
عدالت و صلح را در سراسر دنیا تأمین کرد؟!
خلاصه، بدون شک چنین حکومتی برای برقرار ساختن نظم و عدالت در سطح جهان نیاز به آن دارد که در آن واحد از همه جا
آگاه و بر همه جا تسلط کامل داشته باشد، تا مردم آماده اصلاح را تربیت و رهبری کند؛ آگاه سازد؛ زنده و بیدار نگه دارد؛ و
چنانکه افرادی ناصالح بخواهند سربر آورند آن‌ها را بر سر جای خود بنشانند.
آنها که غیر از این فکر می‌کنند گویا به مفهوم حکومت جهانی نمی‌اندیشند و آن را با حکومت در یک محدوده کوچک مقایسه
می‌کنند.
﴿ (۲۶) ﴾

اصولاً دنیائی که می‌خواهد به چنین مرحله‌ای برسد باید آن چنان وسایل آموزش و تربیت در آن وسیع و گسترده و همگانی باشد
که قسمت عمده برنامه‌های اصلاحی را با «خود آگاهی» و «خود یاری» مردم پیاده کند و زنده کردن روح «خود آگاهی» و
«خود یاری» عمومی و در سطح جهان نیازمند به نیرومندترین مراکز فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی و جامع‌ترین کتب و مطبوعات و
مانند آن است، که هیچ کدام از این‌ها بدون عالی‌ترین و پیشرفته‌ترین وسایل صنعتی ممکن نیست.
آری اگر بنا بود همه کارها با «معجزه» تحقق پذیرد وجود چنین نظامی بدون وسایل پیشرفته صنعتی قابل تصور بود
ولی مگر اداره زندگی مردم جهان با معجزه ممکن است؟
﴿ (۲۷) ﴾

معجزه، استثنایی است منطقی در نظام جاری طبیعت، برای اثبات حقایق یک آیین آسمانی، نه برای اداره همیشگی نظام جامعه.
این کار تنها باید بر محور قوانین طبیعی صورت گیرد.

مفهوم انتظار

«انتظار» یا «آینده‌نگری» به حالت کسی گفته می‌شود که «از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع
بهترین تلاش می‌کند».
فی‌المثل، بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، با پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند
ناراحتند و برای وضع بهترین می‌کوشند.
همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرونشستن بحران اقتصادی می‌باشد این دو حالت را دارد:
﴿ (۲۸) ﴾

«بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر».

بنابراین، مسأله انتظار حکومت حق و عدالت «مهدی» و قیام مصلح جهانی در واقع مرکب از دو عنصر است؛ عنصر
«نفی» و عنصر «اثبات».

عنصر نفی همان بیگانگی با وضع موجود؛ و عنصر اثبات خواهان وضع بهتری بودن است.

انتظار در عمق سرشت آدمی

برخلاف گفته کسانی که فکر می‌کنند بذر اصلی انتظار ظهور یک مصلح بزرگ را شکست‌ها و ناکامیها و نابسامانی‌ها در سطح افکار می‌باشد، عشق به این موضوع

﴿ (۲۹) ﴾

مربوط به اعماق وجود آدمی است؛ گاهی به گونه پررنگ و گاهی کم رنگ.

به تعبیر دیگر، انسان از دو راه - از راه عاطفه و از راه خرد - سرانجام در برابر چنین مسأله‌ای قرار می‌گیرد و سروش این ظهور را با دو زبان «فطرت و عقل» می‌شنود.

و به عبارت روشن‌تر، ایمان به ظهور مصلح جهانی جزئی از «عشق به آگاهی» و «عشق به زیبایی» و «عشق به نیکی» (سه بعد از ابعاد چهارگانه روح انسان) است که بدون چنان ظهوری این عشق‌ها به ناکامی گراید و به شکست محکوم می‌شود.

خلاصه، علاقه انسان به پیشرفت و تکامل، به دانایی و زیبایی، به نیکی و عدالت، علاقه‌ای است اصیل، همیشگی و جاودانی؛ و انتظار ظهور یک مصلح بزرگ جهانی آخرین نقطه اوج این علاقه است.

بنابراین، کسانی که در زندگی گرفتار شکست و بحرانی نبوده‌اند، چنین احساسی را در درون جان خود دارند... این از یک سو.

﴿ (۳۰) ﴾

از سوی دیگر، همانطور که اعضای پیکر انسان به تکامل و پیشرفت وجود او کمک می‌کند و عضوی در بدن نمی‌یابیم که مطلقاً نقشی در این حرکت تکاملی داشته باشد، خصایص روانی انسان نیز چنین‌اند؛ یعنی، هر کدام نقش مؤثری در پیشرفت هدف‌های اصیل او دارند.

مثلاً «ترس از عوامل خطرناک» که در هر انسانی وجود دارد سپری است برای حفظ او در برابر خطر.

«خشم» به هنگامی که انسان منافع خود را در معرض تهدید می‌بیند وسیله‌ای است برای افزایش قدرت دفاعی و بسیج تمام نیروهای ذخیره جسمی و روحی برای نجات منافعش از خطر؛ بنابراین، عشق به تکامل، عشق به صلح و عدالت، نیز

﴿ (۳۱) ﴾

وسیله‌ای است برای رسیدن به این هدف بزرگ و به منزله موتور نیرومندی است که چرخ‌های وجود انسان را در این راه به حرکت دائمی وامی‌دارد؛ و او را برای رسیدن به جهانی مملو از صلح و عدالت کمک می‌کند.

از سوی دیگر، احساسات و دستگاه‌هایی که در جسم و جان وجود دارند نمی‌توانند هماهنگ با مجموعه عالم هستی نباشد؛ زیرا همه جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است و وجود ما نمی‌تواند از بقیه جهان جدا باشد.

از این به هم پیوستگی به خوبی می‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که هر عشق و علاقه‌ای در وجود ما هست دلیل بر آن است که «معشوق» و «هدف» آن نیز در جهان وجود دارد و این عشق وسیله‌ای است که ما را به او نزدیک می‌سازد.

یعنی اگر تشنه می‌شویم و عشق به آب داریم دلیل بر آن است که «آبی»

﴿ (۳۲) ﴾

وجود دارد که دستگاه آفرینش تشنگی آن را در وجود ما قرار داده است.

اگر علاقه‌ای به جنس مخالف داریم دلیل بر وجود جنسی مخالف در بیرون ماست؛ و اگر عشق به زیبایی و دانایی داریم دلیل بر این است که زیبایی‌ها و دانائی‌هایی در جهان هستی وجود دارد.

و از اینجا به آسانی نتیجه می‌گیریم که اگر انسان‌ها انتظار مصلح بزرگی را می‌کشند که جهان را پر از صلح و عدالت و نیکی و داد کند، دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی امکان‌پذیر و عملی است که عشق و انتظارش در درون جان ماست.

عمومیت این اعتقاد در همه مذاهب نیز نشانه دیگری بر اصالت و واقعیت آن است زیرا چیزی که زاییده شرایط خاص و محدودی است نمی‌تواند این چنین عمومی باشد. تنها مسائل فطری هستند که از چنین عمومیتی برخوردارند؛ و این‌ها همه نشانه آن است که از زبان عواطف و سرشت آدمی این نغمه در جان او سر داده شده که سرانجام مصلحی بزرگ جهان را زیر پرچم صلح و عدالت قرار خواهد داد.

((۳۳))

آثار سازنده انتظار

آیا ایمان به ظهور یک مصلح واقعی، انسان را آن سان در افکار رؤیایی فرومی‌برد که از وضع موجود خود غافل می‌گردد و تسلیم هرگونه شرایطی می‌کند؟

و یا این که به راستی این عقیده یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است؟ آیا ایجاد تحرک می‌کند یا رکود؟ آیا مسئولیت‌آفرین است یا مایه فرار از زیربار مسئولیت‌ها؟ و بالاخره آیا مخدر است یا بیدارکننده؟

((۳۴))

قبل از توضیح و بررسی این سؤالات توجه به یک نکته کاملاً ضروری است و آن اینکه سازنده‌ترین دستورات و عالی‌ترین مفاهیم هرگاه به دست افراد ناوارد، یا نالایق، یا سوء استفاده‌چی بیفتد ممکن است آن را چنان مسخ کنند که درست نتیجه‌ای برخلاف هدف اصلی بدهد و در مسیر بر ضد آن حرکت کند؛ و این نمونه‌های بسیار دارد و مسأله «انتظار» به طوری که خواهیم دید در ردیف همین مسائل است.

به هر حال، برای رهایی از هرگونه اشتباه در محاسبه، در این گونه مباحث، باید به اصطلاح آب را از سرچشمه گرفت تا آلودگی‌های احتمالی نهرها و کانال‌های میان راه در آن اثر نگذارد.

به همین دلیل، ما در بحث انتظار مستقیماً به سراغ متون اصلی اسلامی رفته و لحن

((۳۵))

گونگون روایاتی را که روی مسأله «انتظار» تأکید می‌کند مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از هدف اصلی آگاه شویم.

اکنون بادقت به این چند روایت توجه کنید

کسی از امام صادق علیه‌السلام پرسید چه می‌گویید درباره کسی که دارای ولایت امامان است؛ و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود؟

امام علیه‌السلام در پاسخ فرمود:

«هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ - ثُمَّ سَيَكْتُ هَنِيئَةً - ثُمَّ قَالَ هُوَ كَمَنْ كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد - سپس کمی سکوت کرد - و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام (در مبارزاتش) همراه بوده است.

((۳۶))

این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است :

در بعضی «بِمَنْزِلَةِ الصَّارِبِ بِسَيْفِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ همانند شمشیرزنی در راه خدا» .

و در بعضی دیگر « كَمَنْ قَارَعَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِسَيْفِهِ : همانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد» .

در بعضی دیگر «بِمَنْزِلَةِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا تَحْتَ لَوَاءِ الْقَائِمِ؛ همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد» .

و در بعضی دیگر «بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ؛ همانند کسی است که پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله جهاد کند» .

و در بعضی دیگر «بِمَنْزِلَةِ مَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ همانند کسی است که با پیامبر شهید شود» .

((۳۷))

این تشبیهات که در مورد انتظار ظهور حضرت مهدی (عج) در این روایات وارد شده بسیار پرمعنی و روشنگر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه در میان مسأله «انتظار» و «جهاد» و مبارزه با دشمن ، در آخرین شکل خود ، وجود دارد .
(دقت کنید)

در روایات متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن ، به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است.

این مضمون در بعضی از احادیث ، از پیامبر صلی الله علیه و آله و در بعضی از حضرت علی علیه السلام نقل شده است ؛ از جمله در

حدیثی می خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود :

« أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ؛ بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خدا کشیدن است» .

((۳۸))

و در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم:

« أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ »

این حدیث اعم از این که انتظار فرج را به معنی وسیع کلمه بدانیم و یابه مفهوم خاص یعنی انتظار ظهور مصلح جهانی باشد، اهمیت انتظار را در مورد بحث ما روشن می سازد .

این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی همیشه توأم با یک جهاد وسیع دامنه دار است .

و اگر اعتقاد و انتظار حکومت جهانی مهدی به صورت ریشه دار حلول کند ، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد (زیرا

اعتقادات سطحی ممکن است اثر آن از گفتار و سخن تجاوز نکند اما اعتقادات عمیق همیشه آثار عملی گسترده ای به

دنبال خواهد داشت) ؛ این دو رشته اعمال عبارتند از :

ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری

((۳۹))

با آنها از یک سو ؛ و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی های جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت

واحد جهانی و مردمی، از سوی دیگر.

و خوب که دقت کنیم می بینیم هر دو قسمت آن کاملاً سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است .

انتظار یعنی آماده باش کامل

انتظار یعنی آماده باش کامل

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است .
 من اگر آلوده و ناپاکم چگونه می‌توانم ، منتظر انقلابی باشم که شعله اولش دامان آلودگان را می‌گیرد .
 ارتشی که در انتظار جهاد بزرگی است آمادگی رزمی نفرات خود را
 (۴۰) (۱)

بالا می‌برد و روح انقلابی در آنها می‌دمد و هرگونه نقطه ضعفی را اصلاح می‌کند .
 چگونگی «انتظار» همواره متناسب با هدفی است که در انتظار آن هستیم :
 انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر . انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز . انتظار فرارسیدن فصل چیدن میوه از درخت و
 درو کردن محصول . انتظار فرارسیدن فصل تحصیلی مدارس هریک از این انتظارها آمیخته با یک نوع آمادگی است .
 در یکی باید خانه را آماده کرده و وسایل پذیرایی فراهم ساخت ؛ در دیگری ابزار لازم داس و کمباین و... در دیگری کتاب و دفتر
 و قلم و لباس مدرسه و مانند آن .
 اکنون فکر کنید آنها که انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی را می‌کشند در واقع انتظار انقلاب و دگرگونی و تحوّل را دارند که
 وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است .
 (۴۱) (۱)

انقلابی که برخلاف انقلاب‌های اصلاحی پیشین جنبه منطقه‌ای نداشته و نه اختصاص به یک جنبه از جنبه‌های مختلف زندگی دارد
 ؛ بلکه علاوه بر این که عمومی و همگانی است ، تمام شوئون و جوانب زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود ؛ انقلابی است
 سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اخلاقی .
 پس از انجام یافتن این مرحله ، نوبت به جنبه اثبات یعنی جانسختن عوامل اصلاح و سازندگی می‌رسد .
 ترکیب دو مفهوم «انتظار» و «انقلاب جهانی» آنچه را قبلاً گفتیم کاملاً روشن می‌کند ؛ یعنی ، کسانی که در انتظار چنان انقلابی به
 سر می‌برند اگر در دعوی خود صادق باشند (نه جزء منتظران دروغین خیالی) به طور مسلم آثار زیر در آنها آشکار
 خواهد شد :
 (۴۲) (۱)

۱ - خودسازی فردی

حکومت جهانی مهدی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و بارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را
 در جهان به دوش بکشند ؛ و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری
 در پیاده کردن آن برنامه عظیم است ؛ تنگ نظری‌ها ، کوته بینی‌ها ، کج فکری‌ها ، حسادت‌ها ، اختلافات کودکان و نابخردانه
 و بطور کلی هرگونه نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران واقعی سازگار نیست .
 نکته مهم اینجاست که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد ؛ باید حتما در صف
 اصلاح طلبان واقعی قرار گیرد .
 من اگر ناپاک و آلوده‌ام چگونه می‌توانم منتظر تحوّل و انقلابی باشم که شعله اولش دامان مرا می‌گیرد .
 (۴۳) (۱)

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی بنشینم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است و من اگر فاسد و
 نادرستم چگونه می‌توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشی ندارند ، بلکه مطرود و منفور خواهند

بود، روزشماری کنم.

آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان من از لوث آلودگی‌ها کافی نیست.

ارتشی که در انتظار جهاد آزادیبخش به سر می‌برد، حتماً به حالت آماده باش کامل درمی‌آید؛ سلاحی که برای چنین میدان نبردی شایسته است به دست می‌آورد؛ سلاح‌های موجود را اصلاح می‌کند؛ سنگ‌های لازم را می‌سازد؛ آمادگی رزمی (۴۴)»

نفرات خود را بالا- می‌برد؛ روحیه افراد خود را تقویت می‌کند؛ و شعله عشق و شوق برای چنان مبارزه‌ای را در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می‌دارد؛ ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی‌برد و اگر بگوید دروغ می‌گوید؛ انتظار یک مصلح جهانی به معنی آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی، برای اصلاح همه جهان است. فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است! اصلاح تمام روی زمین و پایان دادن به همه مظالم و نابسامانی‌ها شوخی نیست! کار ساده‌ای نمی‌تواند باشد! آماده باش برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد.

(۴۵)»

۲- خودیاری‌های اجتماعی

منتظران راستین در عین حال، وظیفه دارند که علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می‌کشند یک برنامه فردی نیست؛ برنامه‌ای است که تمام عناصر تحوّل باید در آن شرکت جوید؛ باید کار به صورت دسته‌جمعی و همگانی باشد؛ کوشش‌ها و تلاش‌ها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

در یک میدان وسیع مبارزه دسته‌جمعی هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند؛ بلکه موظف است هر نقطه ضعفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند؛ و هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم نماید؛ و هر قسمت ضعیف و ناتوانی را تقویت کند؛ (۴۶)»

زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه‌ای امکان‌پذیر نیست.

بنابراین منتظران واقعی علاوه بر این که به اصلاح خویش می‌کوشند، وظیفه خود می‌دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند.

این است اثر سازنده دیگر برای انتظار قیام یک مصلح جهانی و این است فلسفه آن همه افتخارات و فضیلت‌ها که برای منتظران راستین شمرده شده است.

۳- حل نشدن در فساد محیط

هنگامی که فساد فراگیری شود و اکثریت و یا جمع کثیری را به آلودگی می‌کشاند، گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می‌گیرند، بن بست است که از یأس از اصلاحات سرچشمه می‌گیرد.

(۴۷)»

گاهی آنها فکر می‌کنند، کار از کار گذشته و دیگر امیدی برای اصلاح نیست و تلاش و کوشش برای پاک نگهداشتن خویش بیهوده است؛ این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند.

تنها چیزی که می‌تواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است؛ تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و حتی برای اصلاح دگران برنخواهند داشت.

(۴۸) (۱)

از مجموع بحث‌های گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که اثر تخریبی انتظار تنها در صورتی است که مفهوم آن مسخ و تحریف شود. همان گونه که جمعی از مخالفان، تحریفش کرده‌اند؛ و جمعی از مؤلفان مسخش - اما اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود، یک عامل مهم تربیت و خودسازی و تحرک و امید خواهد بود.

از جمله مدارک روشنی که این موضوع را تأیید می‌کند، این است که در ذیل آیه:

«وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...»؛ خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند، وعده داده است حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد... (۱)» از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده
۱- ۵۵ / نور.

(۴۹) (۱)

است که منظور از این آیه «هُوَ الْقَائِمُ وَأَصْحَابُهُ؛ مهدی و یاران او» هستند.

تنها چنین کسانی هستند که می‌توانند نوید زندگی در حکومت او به خود دهند، نه آنها که با ظلم و ستم همکاری دارند. و نه آنها که از ایمان و عمل صالح بیگانه‌اند. نه افراد ترسو و زبونی که بر اثر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می‌ترسند. و نه افراد سست و بی‌حال و بیکاره‌ای که دست روی دست گذارده و در برابر مفسد محیط زندگی و جامعه‌شان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاشی در راه مبارزه با فساد ندارند.

آری انتظار راستین این است.

(۵۰) (۱)

مصلح بزرگ جهانی در آیات قرآن

قرآن یعنی مهم‌ترین منبع اسلامی، در این زمینه مانند بسیاری زمینه‌های دیگر تنها یک بحث کلی و اصولی دارد، بدون این که وارد جزئیات مسأله شود؛ و به تعبیر دیگر، آیات قرآن همان را تعقیب می‌کند که در استدلالات عقلی و الهام فطرت داشتیم؛ یعنی، خبر از تحقق یک حکومت عدل جهانی در سایه ایمان می‌دهد.

چند نمونه از آیه‌ای که این بحث را مطرح ساخته ذیلاً از نظر می‌گذرانیم.

۱- در سوره انبیاء (آیات ۱۰۵ و ۱۰۶) می‌خوانیم:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» قبلاً به مفهوم این چند لغت باید توجه کرد:

«أَرْضٌ» به مجموع کره زمین گفته می‌شود و سراسر جهان را فرامی‌گیرد؛ مگر اینکه قرینه خاصی در کار باشد.

(۵۱) (۱)

«ارث» در لغت به معنی چیزی است که بدون معامله و داد و ستد به دست کسی می‌افتد، ولی در بعضی موارد از قرآن کریم، ارث به تسلط و پیروزی یک قوم صالح بر ناصالحان؛ و در اختیار گرفتن مواهب و امکانات آنها گفته شده است.

«زبور» در اصل به معنی هرگونه کتاب و نوشته است؛ ولی معمولاً به کتاب «داوود» که در عهد قدیم از آن تعبیر به «مزامیر داوود»

شده اطلاق؛ و آن مجموعه‌ای از مناجات‌ها و نیایش‌ها و اندرزهای داوود پیامبر است؛ این احتمال نیز وجود دارد که زبور تمام کتب آسمانی پیشین (قبل از قرآن) بوده باشد.

«ذکر» در اصل به معنی هر چیزی است که مایه تذکر و یادآوری باشد ولی در آیه فوق به کتاب آسمانی موسی علیه‌السلام «تورات» تفسیر گردیده به قرینه این که قبل از زبور

﴿۵۲﴾

معرفی شده است و طبق تفسیر دیگری «ذکر» اشاره به قرآن مجید است زیرا که در خود آیات قرآن این عنوان به قرآن گفته شده (ان هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ). (۱)

بنابراین، عبارت «مِنْ بَعْدِ» به معنی «علاوه بر» خواهد بود (دقت کنید).

«صالح» به معنی شایسته و صلاحیت‌دار است و هنگامی که بطور مطلق گفته شود صلاحیت و شایستگی از تمام چیزها را فرامی‌گیرد؛ شایستگی علمی؛ شایستگی اخلاقی؛ شایستگی از نظر ایمان و تقوی و آگاهی و مدیریت.

و به این ترتیب مفهوم آیات چنین می‌شود:

ما در کتاب زبور علاوه بر قرآن مجید (یا پس از تورات) نوشتیم که زمین را

۱- ۲۷ / تکویر.

﴿۵۳﴾

بندگان صالح و شایسته من در اختیار خواهند گرفت؛ و همین برای گروه عبادت‌کنندگان (و آنها که در مسیر بندگی خدا گام برمی‌دارند) برای رسیدن به اهدافشان کافی است.

ذکر این موضوع در زبور (اگر به معنی همه کتب آسمانی پیشین باشد) دلیل بر آن است که این موضوع در همه کتاب‌های آسمانی به عنوان یک اصل ثابت وجود داشته.

و اگر هم منظور از آن کتاب داوود بوده باشد شاید به تناسب آن است که داوود حکومت وسیع و پهناوری داشت که در مسیر حق و عدالت و منافع انسان‌ها بود؛ اگرچه جنبه منطقه‌ای داشت و فراگیر همه جهان نبود؛ ولی در زبور به او بشارت داده شد که یک حکومت فراگیر جهانی بر پایه آزادی و امتیت و عدالت در انتظار جهانیان خواهد بود.

یعنی هنگامی که شایستگی کافی پیداکنند و مصداق زنده «عِبَادِي الصَّالِحُونَ»

﴿۵۴﴾

و بندگان شایسته خدا گردند. وارث همه میراث‌ها و مواهب زمین خواهند شد. هم‌وارث حکومت مادی و هم حکومت معنوی.

در پاره‌ای از روایات که در تفسیر آیه فوق آمده تعبیر روشن‌تر و صریح‌تری در این زمینه دیده می‌شود.

از جمله در تفسیر معروف «مجمع‌البیان» در ذیل آیه فوق از امام باقر علیه‌السلام نقل است: «هُم أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»:

این‌ها همان یاران مهدی علیه‌السلام در آخر زمان خواهند بود؛ همان مردان و زنان خودساخته‌ای که وارث همه میراث‌های زمین خواهند شد؛ و شایستگی این رسالت بزرگ را خواهند داشت.

جالب توجه اینکه، در کتاب «مزامیر داوود» که امروز جزء کتب عهد قدیم (تورات) است عین این موضوع به تعبیرات گوناگون دیده می‌شود:

﴿۵۵﴾

از جمله در مزمور ۳۷ می‌خوانیم:

«زیرا که شیران منقطع خواهند شد و اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک مدتی شیران نخواهند

بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود اما حکیمان وارث زمین خواهند شد.

در همان «مزمور ۳۷» همین موضوع به تعبیرات دیگری نیز آمده است:

«... زیرا متبرّکان خداوند وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع خواهند شد - صدیقان وارث زمین شده ابدًا در آن ساکن خواهند شد». (۱)

همان گونه که ملاحظه می‌کنید کلمه صالِحون که در قرآن آمده کلمه جامعی است که

۱- جمله‌های فوق را از ترجمه تورات که در سال ۱۸۷۸ میلادی توسط مجمع ترجمه کتب مقدّسه به زبان‌های خارجی در لندن به فارسی برگردانده شده، آوردیم.

(۵۶)»

هم «حکیمان» و هم «صدیقان» و هم «متوکلان» و هم «متبرّکان» را در بر می‌گیرد.

و همان‌طور که یادآور شدیم از آیه اخیر یعنی «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ» استفاده می‌شود که حکومت روی زمین هدف نهایی صالحان و شایستگان نیست بلکه وسیله‌ای است که با آن به هدف نهایی یعنی تکامل انسان در همه زمینه‌ها خواهند رسید زیرا بلاغ به معنی «چیزی که با آن به هدفشان خواهند رسید» می‌باشد.

۲- استخلاف در زمین

در سوره نور، آیه ۵۵، می‌خوانیم:

«وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا سَيَسِّرَنَّ اللَّهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَيَسِّرَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى

(۵۷)»

لَهُمْ وَيَسِّرَنَّ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ إِنَّا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

در این آیه سه وعده صریح به آن‌ها که گروه افراد باایمان و شایسته را تشکیل می‌دهند داده شده است.

و می‌دانیم در هر وعده سه رکن وجود دارد:

و وعده‌دهنده که در اینجا خداست؛ و وعده‌گیرنده که «الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» یعنی مؤمنان صالح هستند؛ و موادّ مورد وعده که امور سه‌گانه زیر است:

۱/۲- «إِسْتِخْلَافَهُمْ فِي الْأَرْضِ» - «حکومت روی زمین به عنوان نمایندگی خدا»؛ یعنی حکومت حق و عدالت.

(۵۸)»

۲/۲- تمکین دین - «نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زندگی».

۳/۲- تبدیل خوف به امتیّت؛ و برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امتیّت کامل و آرامش در همه روی زمین.

منظور از «تمکین دین» همان‌طور که از سایر موارد استعمال کلمه تمکین برمی‌آید این است که تعلیمات الهی به طور ریشه‌دار و پابرجا در تمام شؤون زندگی نفوذ خواهد داشت، نه همانند الفاظ صلح و آزادی و حقوق بشر که امروز بازیچه دست مدافعان قلابی آن است و تنها گلوهایشان را برای شعارهای داغ در این زمینه پاره می‌کنند و در خارج از آن اثری نیست؛ گویی الفاظی هستند رؤیایی که جز در عالم خیال نمی‌توان به آنها دست یافت.

در آن روز تعلیمات حیات‌بخش و آزادکننده اسلام نه به شکل یک سلسله

(۵۹)»

تشریفات خشک و صوری و نه به گونه یک مشت الفاظ مومیایی شده؛ بلکه به عنوان یک دکترین زندگی در همه جا ریشه خواهد دوانید و تلاش بازسازی به ریشه‌ها کشیده خواهد شد نه به شاخ و برگ‌ها و نقش ایوان. آن روز آگاهی و احساس مسؤولیت جنبه عمومی خواهد داشت؛ و گسترش و تعمیم آن مانع از آن خواهد بود که افرادی با الفاظ بازی کنند و مفاهیم سازنده را مسخ نمایند؛ چه اینکه این گونه کارها تنها در جوامعی امکان‌پذیر است که آگاهی و احساس مسؤولیت همگانی نیست، یا به سر حد نصاب نرسیده، و الا فرصتی برای این بازی‌های کودکانه باقی نخواهد ماند. آرامش و امتیث در آن روز آمیخته با خوف نیست، نه چون امتیثی که گهگاه در جهان امروز پیدا می‌شود و زاییده ترسی از سلاح‌های مخوف و وحشتناک است.

(۶۰) (۱۱)

این تعادل وحشت است نه امتیث! این آرامش ناشی از خوف عظیم از عواقب دردناک جنگ است نه آرامش واقعی! لذا هر روز تعادل وحشت به هم خورد پایه‌های این امتیث و آرامش کاذب نیز فرو خواهد ریخت. نتیجه این وعده‌های سه گانه الهی فراهم شدن زمینه‌ها برای انسان‌سازی و تکامل هر چه بیشتر در مفاهیم انسانی و بندگی خالص خداوند و شکسته شدن همه بت‌ها در تمام قالب‌ها است (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا).

۳- در سوره توبه، آیه ۳۳، آمده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

برای معنی فهم این آیه باید نخست به آیه پیش از آن بازگردیم آنجا که می‌گوید:

(۶۱) (۱۱)

«يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ؛ دشمنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خدا می‌خواهد نور خود را تکمیل کند اگر چه کافران کراهت داشته باشند».

از این آیه به خوبی روشن می‌شود که اراده پروردگار بر تکامل نور اسلام تعلق گرفته و تکامل واقعی آن هنگامی خواهد بود که بر سراسر پهنه جهان سایه افکند.

سپس با وضوح بیشتر این حقیقت را در آیه مورد بحث بازگو کرده می‌فرماید:

«خداوند کسی است که پیامبرش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند اگر چه مشرکان ناخشنود باشند».

همین وعده با تفاوت مختصری در آیه ۲۸ سوره فتح، تکرار شده است:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ»

(۶۲) (۱۱)

کَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا؛ او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا بر تمامی ادیان پیروزش گرداند و همین بس که خداوند گواه (این وعده بزرگ) است.

و بالاخره برای سومین بار این وعده بزرگ را در سوره صف، آیه ۹، با همان تعبیر سوره توبه ملاحظه می‌کنیم:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

از مجموع این آیات که در سه سوره از قرآن ذکر شده اهمیت این وعده الهی اجمالاً به دست می‌آید. ولی سخن در این است که منظور از پیروزی این آئین بر سایر آئین‌ها چه نوع پیروزی است؟

(۶۳) (۱۱)

منظور پیروزی و غلبه خارجی و عملی در سطح جهان و تمامی روی زمین است، که شامل پیروزی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌شود و این تفسیر را جمعی از مفسران اهل تسنن علاوه بر مفسران شیعه پذیرفته‌اند. مسلماً این وعده تاکنون عملی نشده و تنها بر حکومت جهانی مهدی موعود منطبق می‌گردد که حکومت حق و عدالت همه جا را فراگیرد و این آئین بر تمام آئین‌ها در مقیاس جهانی غلبه یابد.

«عیاشی» به اسناد خود از «عمران بن میثم» از «عبایه» چنین نقل می‌کند.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام هنگامی که آیه «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ...» را تلاوت فرمود از یاران خود پرسید:

أَظْهَرَ ذَلِكْ؟ (آیا این پیروزی حاصل شده است؟)

(۶۴) (۱)

عرض کردند: آری!

فرمود:

«كَلَّا؛ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيدِهِ حَتَّى لَا يَتَّقِيَ قَرْبَهُ إِلَّا وَ يُنَادِي فِيهَا بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بُكْرَةً وَعَشِيًّا؛ نَه، سوگند به کسی که جانم به دست او است این پیروزی آشکار نمی‌شود مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند مگر این که صبح و شام بانگ لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ از آن به گوش می‌رسد» (۱)

این بود قسمتی از آیات قرآن مجید که صلح و عدالت جهانی و ایمان به توحید و اسلام را در سراسر جهان تأکید می‌کند.

۱- مجمع‌البیان، ذیل آیه ۹، تفسیر سوره صف.

(۶۵) (۱)

علائم ظهور

علائم ظهور

آیا برای نزدیک شدن این انقلاب جهانی نشانه‌ای در دست هست؟

آیا می‌توان پیش‌بینی کرد که هم‌اکنون چنان انقلابی نزدیک شده یا نه؟

آیا می‌توان زمان این انقلاب را جلو انداخت؟

اگر چنین امری ممکن است با چه وسائلی می‌توان این تاریخ را جلو کشید؟

در برابر این سؤالات باید گفت که پاسخ بیشتر آن‌ها مثبت است.

زیرا هیچ طوفان عظیمی در طبیعت بدون مقدمه آغاز نمی‌گردد و هیچ انقلابی در جامعه انسانی بدون نشانه‌های قبلی صورت نمی‌گیرد.

در احادیث اسلامی نیز اشاره به یک سلسله علامت‌ها و نشانه‌ها برای نزدیک شدن آن رستاخیز عظیم آمده است که می‌توان آن‌ها را بر دو گونه تقسیم کرد:

(۶۶) (۱)

دسته اول، نشانه‌هایی که کم و بیش در هر انقلابی به تناسب ابعاد آن قابل پیش‌بینی است.

دسته دوم، جزئیاتی است که از طریق اطلاعات و معلومات عادی نمی‌توان به آن‌ها پی برد و بیشتر شکل یک

پیشگویی اعجاز آمیز را دارد .

در این جا ، به «۳ نشانه مهم» از هر دو قسمت اشاره می‌کنیم :

۱- فراگیر شدن ظلم و فساد

نخستین نشانه‌ای که با مشاهده آن می‌توان نزدیک شدن هر انقلابی - از جمله این انقلاب بزرگ را - پیش‌بینی کرد گسترش ظلم و جور و فساد و تجاوز به حقوق دگران و انواع مفساد اجتماعی و انحرافات اخلاقی است که خود عامل توسعه فساد در جامعه است . طبیعی است فشار که از حد گذشت انفجار رخ می‌دهد ، زیرا انفجارهای اجتماعی

« (۶۷) »

همانند انفجارهای میکانیکی به دنبال فشارهای شدید و زاید از حدّ است . گسترش دامنه‌های ظلم و فساد وسیله ضحاکان هر زمان بذره‌های انقلاب را آبیاری می‌کند و کاوه‌های آهنگر را در کنار کوره‌های آتش پرورش می‌دهد ؛ کم کم بحران اوج می‌گیرد و لحظه انقلاب نزدیک می‌گردد . در مورد نزدیک شدن انقلاب بزرگ جهانی و ظهور مصلح بزرگ مهدی نیز مسأله همین گونه است . منتها همان‌طور که سابقا هم اشاره شد هیچ لزومی ندارد که مانند افرادی منفی‌باف به فکر توسعه فساد و ظلم بیشتر نیفتیم ، بلکه با توجه به وجود مفساد در مقیاس وسیع و به حدّ کافی باید در ساختن خود و دیگران و یک گروه نیرومند شایسته و شجاع و آگاه که پرچمدار انقلاب باشد کوشش کنیم .

« (۶۸) »

به هر حال ، این موضوع در بسیاری از روایات اسلامی تحت عنوان « کَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ؛ همان‌گونه که جهان از ظلم و جور پر شده باشد» آمده است .

عین این تعبیر در بسیاری از احادیث که در منابع شیعه و اهل سنت آمده دیده می‌شود . و از مجموع آن‌ها استفاده می‌شود که از روشن‌ترین نشانه‌های این انقلاب همین موضوع است . در این جا یک سؤال پیش می‌آید که آیا «ظلم» و «جور» با هم تفاوتی دارند که مخصوصا روی این دو عنوان کرارا تکیه شده است ؟

از ریشه این لغات استفاده می‌شود که تجاوز به حقوق دگران دو گونه است که در ادبیات عرب برای هر کدام نامی جداگانه است .

نخست آن است که انسان ، حقّ دیگری را به خود اختصاص دهد و دسترنج دگران را غصب کند ، این را «ظلم» می‌گویند .

« (۶۹) »

دیگر آنکه حقّ افرادی را از آنها گرفته و به دگران دهد و برای محکم کردن پایه‌های قدرت خود ، هواخواهان خویش را بر مال یا جان یا نوامیس مردم مسلط کند و با تبعیض‌های ناروا کسب قدرت کند ، این را «جور» می‌گویند .

نقطه مقابل «ظلم» ، «قسط» و نقطه مقابل «جور» ، «عدل» می‌باشد . (۱)

به هر حال ، به هنگامی که «تجاوز» به حقوق دگران از یک سو و «تبعیض‌ها» از سوی دیگر ، جامعه انسانی را پر می‌کند او ظاهر می‌شود و همه این‌ها را از میان می‌برد .

۱- البته این در صورتی است که این دو کلمه با هم ذکر شوند اما اگر جداگانه ذکر شوند ممکن است هر دو یعنی قسط و عدل به یک معنی اطلاق می‌گردد .

(۷۰) ﴿

آنچه در بالا- گفته شد کلیاتی بود درباره فراگیر شدن فساد به عنوان یک عامل جهش و انقلاب که در هرگونه انقلابی قابل پیش‌بینی است .
ولی قابل توجه این که :

در روایات اسلامی چنان انگشت روی جزئیات این علائم و مفاصد گذارده شده که گویی این پیشگویی‌ها مربوط به ۱۴ یا ۱۳ قرن پیش نیست بلکه مربوط به همین قرن است و یا چندسال قبل صورت گرفته ؛ و امروز که بسیاری از آنها را با چشم خود می‌بینیم قبول می‌کنیم که راستی معجزه آساست .

از جمله ، در روایتی از امام صادق علیه‌السلام اشاره به ده‌ها نوع از این مفاصد که قسمتی از آن جنبه اجتماعی و سیاسی و قسمتی جنبه اخلاقی دارد ؛ شده است که مطالعه آن انسان را عمیقاً در فکر فرو می‌برد .

(۷۱) ﴿

ما ذیلاً قسمتی از متن روایات مزبور را با تلخیص و سپس ترجمه آن را برای آنها که به ادبیات عرب آشنایی کامل ندارند می‌آوریم:
قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيُغْضَ أَصْحَابِهِ : اِمَامٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهٖ يَكِيٌّ اِز يَارَانِ خُودِ كُفْت :

۱- إِذَا رَأَيْتَ الْجُورَ قَدْ شَمِلَ الْبِلَادَ: هنگامی که ببینی ظلم و ستم، همه‌جا فراگیر شده؛
۲- إِذَا رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ خَلِقَ وَأُحْدِثَ مَا لَيْسَ فِيهِ وَوَجَّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ: هنگامی که ببینی قرآن فرسوده و بدعت‌هایی از روی هوی و هوس در مفاهیم آن آمده ؛

۳- إِذَا رَأَيْتَ الدِّينَ قَدْ انْكَفَى كَمَا يَنْكَفَى الْإِنَاءُ: هنگامی که ببینی آئین خدا (عملاً) بی‌محتوا شده همانند ظرفی که آن را واژگون سازند ؛

۴- إِذَا رَأَيْتَ أَهْلَ الْبَاطِلِ قَدْ اسْتَعْلَوْا عَلَى الْحَقِّ: هنگامی که ببینی اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته‌اند ؛
(۷۲) ﴿

۵- إِذَا رَأَيْتَ الرِّجَالَ قَدْ انْكَفَى بِالرِّجَالِ وَالنِّسَاءَ بِالنِّسَاءِ: هنگامی که ببینی مردان به مردان و زنان به زنان قناعت کنند (هم‌جنس‌بازی شایع شود)؛

۶- إِذَا رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَامِتًا: هنگامی که ببینی افراد باایمان سکوت اختیار کرده‌اند ؛

۷- إِذَا رَأَيْتَ الصَّغِيرَ يَسْتَحْقِرُ بِالْكَبِيرِ: هنگامی که ببینی کوچکترها احترام بزرگترها را رعایت نمی‌کنند ؛

۸- إِذَا رَأَيْتَ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ: هنگامی که ببینی پیوند خویشاوندی بریده شده ؛

۹- إِذَا رَأَيْتَ الثَّنَاءَ قَدْ كَثُرَ: هنگامی که ببینی مداحی و چاپلوسی فراوان شده ؛

۱۰- إِذَا رَأَيْتَ الْخُمُورَ تُشْرَبُ عَلَانِيَةً: هنگامی که ببینی آشکارا شراب نوشیده شود؛

۱۱- إِذَا رَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَيْرِ مُنْقَطِعًا وَ سَبِيلَ الشَّرِّ مَسْلُوكًا: راه‌های خیر منقطع و راه‌های شرّ مورد توجه قرار گرفته ؛

(۷۳) ﴿

۱۲- إِذَا رَأَيْتَ الْحَلَالَ يَحْرُمُ وَالْحَرَامَ يَحُلُّ: هنگامی که ببینی حلال تحریم شود ؛ و حرام مجاز شمرده شود ؛

۱۳- إِذَا رَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ: هنگامی که ببینی قوانین و فرمان‌های دینی طبق تمایلات اشخاص تفسیر گردد ؛

۱۴- إِذَا رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكِرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ: هنگامی که ببینی از افراد باایمان چنان سلب آزادی شود که جز با دل نتوانند ابراز تنفّر کنند ؛

۱۵- وَ رَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفَقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ: هنگامی که ببینی سرمایه‌های عظیم در راه خشم خدا (و فساد و ابتذال و

ویرانی) صرف گردد؛

۱۶- وَرَأَيْتَ الْوُلَاتَ يَزْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ : هنگامی که ببینی رشوه‌خواری در میان کارکنان دولت رایج گردد؛ (۷۴) ﴿

۱۷- وَرَأَيْتَ الْوِلَايَةَ قَبَالَهٗ لِمَنْ زَادَ : هنگامی که ببینی پست‌های حساس به مزایده گذارده شود؛

۱۸- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ : هنگامی که ببینی (بعضی از) مردان از خودفروشی زنان خود، ارتزاق کنند؛

۱۹- وَرَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ : هنگامی که ببینی قمار آشکار گردد (حتی در پناه قانون)؛

۲۰- وَرَأَيْتَ الْمَلَاهِيَ قَدْ ظَهَرَتْ يُمْنٌ بِهَا لَا يَمْنَعُ أَحَدٌ أَحَدًا وَلَا يَجْتَرِءُ أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا : هنگامی که ببینی سرگرمی‌های ناسالم چنان رواج پیدا کند که هیچکس جرأت جلوگیری از آن نداشته باشد؛

۲۱- وَرَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقُلَ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُهُ وَخَفَّ عَلَى النَّاسِ اسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ : هنگامی که ببینی شنیدن حقایق قرآن بر مردم گران آید اما شنیدن باطل سهل و آسان؛ (۷۵) ﴿

۲۲- وَرَأَيْتَ الْجَارِيكِرْمَ الْجَارِخَوْفَامِنْ لِسَانِهِ : هنگامی که ببینی همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش احترام می‌کند؛

۲۳- وَرَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ قَدْ زُخِرَتْ : هنگامی که ببینی مساجد را به زیورها بیاریند؛

۲۴- وَرَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ لِغَيْرِ اللَّهِ : برای غیر خدا به حج خانه خدا بشتابند؛

۲۵- وَرَأَيْتَ قُلُوبَ النَّاسِ قَدْ قَسَتْ : هنگامی که ببینی مردم سنگدل شوند (و عواطف بمیرد)؛

۲۶- وَرَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ : هنگامی که ببینی مردم طرفدار کسی باشند که پیروز است (خواه بر حق باشد یا باطل)؛

۲۷- وَرَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يَدْمُ وَطَالِبَ الْحَرَامِ يُمْدَحُ : هنگامی که

(۷۶) ﴿

ببینی آنها که به دنبال حلال هستند نکوهش شوند و آنها که به دنبال حرامند مدح؛

۲۸- وَرَأَيْتَ الْمَعَارِفَ ظَاهِرَةً فِي الْحَرَمَيْنِ : هنگامی که ببینی آلات لهو و لعب (حتی) در مکه و مدینه آشکار گردد؛

۲۹- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ ، فَيَقُومُ إِلَيْهِ مَنْ يَنْصَحُهُ فَيَقُولُ هَذَا عَنْكَ مَوْضُوعٌ : هنگامی که ببینی اگر کسی اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند به او توصیه می‌کنند که این کار وظیفه تو نیست؛

۳۰- وَرَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِيَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ : هنگامی که ببینی مساجد پر از کسانی است که از خدا نمی‌ترسد؛

۳۱- وَرَأَيْتَ النَّاسَ هُمُومًا فِي بُطُونِهِمْ وَفُرُوجِهِمْ : هنگامی که ببینی تمام مردم شکم و فرجشان است؛ (۷۷) ﴿

۳۲- وَرَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبَلَةً إِلَيْهِمْ : هنگامی که ببینی امکانات مادی و دنیوی فراوان می‌گردد و دنیا به مردم روی می‌کند؛

۳۳- وَرَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ الْكُفْرِ : هنگامی که ببینی زنان خود را در اختیار افراد بی‌ایمان می‌گذارند؛

۳۴- وَرَأَيْتَ أَعْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ : هنگامی که ببینی پرچم‌های حق پرستی فرسوده و کهنه می‌گردد؛

۳۵- وَرَأَيْتَ الْحُزْبَ قَدْ أُدِيلَ مِنَ الْعِمْرَانِ : هنگامی که ببینی ویرانگری (به وسیله جنگ‌ها) بر عمران و آبادی پیشی می‌گیرد.

۳۶- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَةً مِنْ بَحْسِ الْمِكْيَالِ وَالْمِيزَانِ : هنگامی که ببینی درآمد زندگی بعضی تنها از طریق کم‌فروشی می‌شود؛ (۷۸) ﴿

۳۷- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ عِنْدَهُ الْمَالُ الْكَثِيرُ لَمْ يَزُكَّهُ مُنْذُ مَلَكَهُ : هنگامی که ببینی کسانی هستند با سرمایه فراوان در حالی که در عمرشان

حتی یک مرتبه هم زکات نپرداخته‌اند .

۳۸- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُمْسِي نَشْوَانَ وَيُصْبِحُ سَكْرَانَ : هنگامی که بینی مردم عصرها در حال نشئه و صبحگاهان مستند ؛

۳۹- وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَيَقْتَدُونَ بِأَهْلِ الشُّرُورِ ! : هنگامی که بینی مردم همه به یکدیگر نگاه می‌کنند و از فاسدان شرور تقلید می‌نمایند ؛

۴۰- وَرَأَيْتَ كُلَّ عَامٍ يُحَدِّثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَالْبِدْعَةِ أَكْثَرَ مِمَّا كَانَ : هنگامی که بینی هر سال فساد و بدعتی نو ، پیدا می‌شود ؛

۴۱- وَرَأَيْتَ الْخَلْقَ وَالْمَجَالِسَ لَا يُتَابِعُونَ إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ : هنگامی که بینی مردم و محافل همه پیرو ثروتمندان می‌شوند ؛
(۷۹) (۱۱)

۴۲- وَرَأَيْتَ يَتَسَاءَدُونَ كَمَا تَتَسَاءَدُ الْبَهَائِمُ : هنگامی که بینی در حضور جمع ، همانند بهائم مرتکب اعمال جنسی می‌شوند ؛

۴۳- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْكَثِيرَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ وَيَمْنَعُ الْيَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ : هنگامی که بینی اموال زیاد در غیر راه خدا صرف می‌کنند اما در راه خدا از کمی مضایقه دارند ؛

۴۴- وَرَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا مَرَّ بِهِ يَوْمَ لَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ... خَزِينًا : هنگامی که بینی افرادی پیدا می‌شوند که اگر یک روز گناه کبیره‌ای انجام ندهند غمگینند ؛

۴۵- الْأُنْسَاءُ قَدْ غَلَبْنَ عَلَى الْمُلْكِ وَغَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ : هنگامی که بینی حکومت به دست زنان می‌افتد ؛

۴۶- وَرَأَيْتَ رِيَّاحَ الْمُنَافِقِينَ دَائِمَةً وَرِيَّاحَ أَهْلِ الْحَقِّ لَا تَحْرَكُ : هنگامی
(۸۰) (۱۱)

که بینی نسیم‌ها به سود منافقان می‌وزد و هیچ جریانی به سود افراد باایمان نیست ؛

۴۷- وَرَأَيْتَ الْقَضَاءَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ : هنگامی که بینی دادرسان برخلاف فرمان خدا قضاوت می‌کنند ؛

۴۸- وَرَأَيْتَ الْمَنَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَلَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ : هنگامی که بینی بر فراز منابر دعوت به تقوا می‌شود ولی دعوت کننده خود به آن عمل نمی‌کند ؛

۴۹- وَرَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتُخِفَّتْ بِأَوْقَاتِهَا : هنگامی که بینی مردم نسبت به وقت نماز بی‌اعتنا می‌شوند ؛

۵۰- وَرَأَيْتَ الصَّدَقَةَ بِالشَّفَاعَةِ لَا- يُرَادُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ... : هنگامی که بینی حتی کمک به نیازمندان با توصیه و پارتی‌بازی صورت می‌گیرد ، نه برای خدا ؛
(۸۱) (۱۱)

فَكُنْ عَلَى حِدَرٍ وَأَطْلُبْ إِلَى اللَّهِ النَّجَاءَ (۱) : در چنین زمانی مراقب خود باش و از خدا تقاضای نجات و رهایی از این وضع ناهنجار کن ! (که فرج نزدیک است!)

ظهور این نشانه‌ها به تنهایی شرط تحقق یافتن آن انقلاب بزرگ نیست ؛ بلکه مقدمه‌ای است برای بیدارساختن اندیشه‌ها ؛ شلاق‌هایی است برای بیداری ارواح خفته و خواب‌آلود ؛ و زمینه‌ای است برای فراهم شدن آمادگی‌های اجتماعی و روانی .

جهانیان خواه ناخواه مجبور به تجزیه و تحلیل ریشه‌های این ناهنجاری‌ها و همچنین نتایج و عواقب آنها خواهند شد و این یک خودآگاهی عمومی را پایه‌گذاری می‌کند و در پرتو آن یقین می‌کنند که ادامه وضع کنونی امکان‌پذیر نیست ؛ بلکه انقلابی باید کرد .

۱- بحارالانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۲۵۶ تا ۲۶۰ .

(۸۲) (۱۱)

انقلابی در تمام زمینه‌ها برای بنیانگذاری یک نظام عادلانه الهی و مردمی .

ذکر این نکته نیز کاملاً ضروری است که لزومی ندارد که این مفاسد در تمام نقاط جهان آشکار گردد؛ و اگر محیط‌های کوچکی پاک باشند این شرط حاصل نباشد؛ بلکه «معیار چهره نوعی مردم جهان است» خواه در شرق باشد یا غرب؛ و به تعبیر دیگر، این حکم مانند بسیاری از احکام بر اساس «روش غالب» است.

۲- دجال (مردم پرتزویر و حيله گر)

هنگامی که سخن از «دجال» به میان می‌آید، معمولاً طبق یک سابقه ذهنی عامیانه، فقط ذهن‌ها متوجه شخص معین یک چشمی می‌شود که با جثه افسانه‌ای و

(۸۳) «

مرکب افسانه‌ای تر، با برنامه‌ای مخصوص به خود پیش از آن انقلاب بزرگ مهدی ظهور خواهد کرد. ولی همان‌گونه که از ریشه لغت دجال از یک سو (۱) و از منابع حدیث از سوی دیگر استفاده می‌شود، دجال منحصر به یک فرد نیست بلکه عنوانی است کلی برای افراد پرتزویر و حيله گر؛ و پرمکر و فریب و حقه‌باز که برای کشیدن توده‌های مردم به دنبال خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند و بر سر راه هر انقلاب سازنده‌ای که در ابعاد مختلف صورت می‌گیرد ظاهر می‌شوند.

در حدیث معروفی که از صحیح «ترمذی» نقل شده می‌خوانیم که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

۱- دجال از ماده دجل (بر وزن درد) به معنی دروغ‌گویی و حقه‌بازی است.

(۸۴) «

«إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا بَعْدَ نُوحٍ إِلَّا- أَنْذَرَ قَوْمَهُ الدَّجَالَ وَ إِنِّي أَنْذَرْتُكُمْ (۱): هر پیامبری بعد از نوح قوم خود را از فتنه دجال بر حذر داشت، من نیز شما را بر حذر می‌دارم».

مسلم‌انبیای پیشین به مردم عصر خود نسبت به فتنه دجالی که در آخر زمان آشکار می‌شود و هزاران سال با آنها فاصله دارد هشدار نمی‌دادند.

به خصوص که در پایان حدیث می‌خوانیم:

«فَوَصَّيْتُمْ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ لَعَلَّهُ سَيُذْرِكُكُمْ بَعْضُ مَنْ رَأَى أَوْ سَمِعَ كَلَامِي؛ سپس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله صفات او را برای ما بیان کرد و گفت شاید پاره‌ای از آنها که مرا دیده‌اند یا سخن مرا شنیده‌اند عصر او را درک کنند!».

۱- صحیح ترمذی، باب ما جاء في الدجال، صفحه ۴۲.

(۸۵) «

به احتمال قوی ذیل حدیث اشاره به طاغیان و فریبکاران خطرناکی همچون بنی‌امیه و افرادی همانند معاویه است که در لباس «خال المؤمنین» و عنوان «کاتب وحی» به مکر و فریب و تزویر و بیرون راندن مردم از صراط مستقیم به سوی آداب و سنن جاهلی و زنده کردن نظام طبقاتی و حکومت استبدادی و خودکامه و روی کار آوردن ناصالحان چاپلوس و جنایتکاران بی‌باک و کنار زدن صلحا و فضلا و مردان لایق، پرداختند.

و نیز در حدیث دیگری در همان کتاب می‌خوانیم:

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مورد دجال فرمود:

«ما من نبی إلا وقد أنذر قومه و لكن ساقول فيه قولاً لم يقله نبی لقومه تعلمون أنه أعور...؛ هیچ پیامبر نبود مگر این که قوم خود را از فتنه دجال بر حذر داشت، ولی من جمله‌ای درباره او می‌گویم که هیچ پیامبری به قوم خود نگفته، من می‌گویم او یک چشمی است!».

(۸۶) (۱)

تکیه روی زمان «نوح» در بعضی از این احادیث، شاید به خاطر اشاره به دورترین زمان باشد؛ یا عدم وجود دجال‌ها در زمان‌های پیش از نوح به سبب این باشد که نخستین آئین و شریعت را نوح آورد و یا به خاطر عدم نفوذ حيله‌ها و تزویرها در جوامع انسانی پیشین بوده است.

به هر حال، توصیف دجال به مرد «یک‌چشمی» تفسیری دارد که به زودی به آن می‌پردازیم.

جالب توجه این که در پاره‌ای از احادیث آمده است که پیش از ظهور مهدی علیه‌السلام ۳۰ دجال ظهور خواهد کرد. (۱)
۱- سنن ابی داوود.

(۸۷) (۱)

حتی در اناجیل نیز اشاره به ظهور دجال شده است.
در رساله دوم یوحنا (باب ۱، جمله ۶ و ۷) می‌خوانیم:
«شنیده‌اید که دجال می‌آید الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده‌اند.»
و این عبارت نیز تعدد دجال‌ها را تأکید می‌کند.
در حدیث دیگری می‌خوانیم:

« قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَخْرُجَ نَحْوُ مِنْ سِتِّينَ كَذَّابًا كُلُّهُمْ يَقُولُونَ أَنَا نَبِيُّ (۱)؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: رستاخیز برپا نمی‌شود مگر آن که شصت نفر دروغگو ظهور خواهند کرد که همه ادعای نبوت می‌کنند! »

۱- بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۲۰۹.

(۸۸) (۱)

گرچه در این روایت عنوان دجال به میان نیامده، ولی اجمالاً از آن برمی‌آید که مدعیان دروغین و فریبکار در آخر زمان محدود به یک یا چند نفر نخواهد بود.

به هر حال، آنچه را نمی‌توان در آن تردید کرد این است که هنگام فراهم شدن زمینه‌های انقلاب، در هر جامعه‌ای که باشد، افراد فریبکاری که در واقع پاسدار نظام‌های فاسد و فرسوده‌اند برای نگاهداری وضع موجود و بهره‌برداری از زمینه‌های فکری و اجتماعی مردم به نفع اهداف نادرست خود، دست به تزویر و حيله‌گری می‌زنند و حتی شعارهای انقلابی می‌دهند و این یکی از بزرگ‌ترین موانع راه اصلاح و انقلاب راستین است.

اینها دجالانی هستند که همه پیامبران، امت خویش را از آنها برحذر داشتند و نسبت به نقشه‌های فریبنده آن‌ها هشدار دادند.

(۸۹) (۱)

منتها پیش از ظهور مهدی و آن انقلاب عظیم و وسیع و راستین، هر قدر زمینه‌های فکری و روانی و اجتماعی در سطح جهانی آماده‌تر می‌گردد، فعالیت این دجالان که یکی بعد از دیگری ظهور می‌کنند افزایش می‌یابد؛ تا در پیشرفت زمینه‌های انقلابی وقفه ایجاد نمایند و به هزار حيله و فن برای منحرف ساختن افکار دست بزنند.

البته هیچ مانعی ندارد که یک دجال بزرگ در رأس همه آنها باشد و اما نشانه‌هایی که در بعضی از روایات برای او ذکر شده بی‌شبهت به تعبیرات سمبولیک و اشاره و کنایه نیست؛ مثلاً از روایتی که مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام نقل کرده چنین استفاده می‌شود که او دارای صفات زیر است:

۱- او یک چشم بیشتر ندارد که در میان پیشانی‌اش همچون ستاره صبح می‌درخشد! اما همین چشم خون آلود است،

گویی با خون ترکیب شده!

(۹۰) ﴿﴾

۲- او الاغ (مرکب) سفید تندروی دارد که هر گام او یک میل است و به سرعت زمین را طی می‌کند!

۳- او دعوی خدایی می‌کند و هنگامی که دوستان خود را به گرد خویش می‌خواند صدای او را تمام جهانیان می‌شنوند.

۴- او در دریاها فرو می‌رود و خورشید با او حرکت می‌کند، در پیش روی او کوهی از دود و پشت سرش کوه سفیدی قرار دارد که مردم آن را مواد غذایی می‌بینند.

۵- به هنگام ظهور او مردم گرفتار قحطی و کمبود مواد غذایی هستند... (۱)

شک نیست که ما مجاز نیستیم به هر مفهومی از مفاهیم مذهبی که در قرآن یا منابع

۱- اقتباس از حدیث صَعَصَعَةُ بَنِ صُوحَانَ (بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۹۲).

(۹۱) ﴿﴾

حدیث وارد شده شکل سمبولیک بدهیم، چه اینکه این کار همان تفسیر به رأی است که در اسلام به شدت ممنوع شده و عقل و منطق هم آن را مردود می‌شمرد، ولی با این حال جمود بر مفهوم نخستین الفاظ در آنجا که قرائن عقلی یا نقلی در کار است آن هم صحیح نیست و موجب دور افتادن از مقصود و مفهوم اصلی سخن است.

و اتفاقاً درباره حوادث آخر زمان نیز این گونه مفاهیم کنائی بی سابقه نیست؛ از جمله می‌خوانیم که «خورشید از مغرب طلوع می‌کند». (۱)

و این یکی از پیچیده‌ترین مسائل مربوط به این قسمت است که ظاهراً با علم روز سازگار نیست؛ زیرا طلوع آفتاب از مغرب مفهومش تغییر مسیر گردش کره زمین است؛

۱- بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۹۴.

(۹۲) ﴿﴾

اگر این موضوع ناگهان صورت گیرد همه آب‌دریاها و تمامی ساختمان‌ها و موجودات سطح کره زمین به خارج پرتاب می‌گردد و همه چیز به هم می‌ریزد و اثری از زندگی باقی نخواهد ماند و اگر تدریجاً صورت گیرد طول شب و روز به قدری زیاد می‌شود که از یک ماه و دو ماه خواهد گذشت و باز نظام کائنات در زمین به هم خواهد ریخت.

ولی در ذیل حدیث بالا که پیرامون نشانه‌های دَجَال است تفسیر جالبی برای این موضوع دیده می‌شود که نشان می‌دهد این تعبیر جنبه کنایه دارد.

چراکه راوی حدیث «نَزَالَ بَنِ سَبْرَةَ» از «صَعَصَعَةُ بَنِ صُوحَانَ» می‌پرسد که این که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در پایان سخنش پیرامون دَجَال و مانند آن فرمود:

«از حوادثی که بعد از آن رخ می‌دهد از من نپرسید...» منظورش چه بود؟

صعصعه در پاسخ می‌گوید:

(۹۳) ﴿﴾

«إِنَّ الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْعِتْرَةِ التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَهُوَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا (۱)؛ آن کس که حضرت مسیح پشت سر او نماز گزارد دوازدهمین نفر از خاندان پیامبر علیه‌السلام و نهمین نفر از فرزندان حسین بن علی علیه‌السلام است و او است خورشیدی که از غروبگاه خود طلوع خواهد کرد!».

بنابراین تعجبی ندارد که دَجَالی که با صفات بالا مشخص شده نیز جنبه سمبولیک داشته باشد.

حتما می‌پرسید چگونه می‌توان آن را تفسیر کرد؟

در پاسخ این سؤال می‌گویم بعید نیست دجال با آن صفاتی که گفته شد اشاره به فریبکاران و رهبران مادی ستمگر در دنیای ماشینی باشد؛ زیرا:

۱- بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۹۵.

﴿۹۴﴾

اولاً، آنها یک چشم دارند و آن چشم اقتصاد و زندگی مادی است؛ آنها فقط به یک (بُعْد) می‌نگرند و آن بُعد مادی ملت خویش است؛ و به هزار گونه نیرنگ و تزویر و سیاست‌های استعماری برای رسیدن به این هدف متوسل می‌شوند؛ آنها دجالانی هستند فریبکار که چشم معنوی و انسانی را از دست داده‌اند.

اما همین یک چشم مادی آنها بسیار خیره‌کننده و پرفروغ است در صنایع به پیروزی‌های درخشانی نائل شده‌اند و از اقطار زمین نیز گذشته‌اند.

ثانیا، مرکب‌هایی در اختیار دارند که بسیار تند و سریع‌السیر است و کره زمین را در مدت کوتاهی دور می‌زند با سرعت‌هایی حتی مافوق سرعت صوت.

ثالثا، آنها عملاً مدعی الوهیتند و مقدرات مردم جهان را به دست خویش می‌دانند

﴿۹۵﴾

و با تمام ضعف و ناتوانی که دارند، پیاده شدن در کره ماه را دلیل تسخیر فضا و مهار کردن پاره‌ای از نیروهای طبیعت را نشانه تسخیر طبیعت، درحالی که یک زمین لرزه مختصر، یک طوفان کم قدرت، یک سلول سرطانی، همه کاسه و کوزه‌های آنها را درهم می‌شکند؛ در عین ضعف و همچون فرعون دعوی خدایی دارند.

رابعا، با زیردریایی‌ها مجهز به زیر دریاها می‌روند، وسائل سریع‌السیرشان با مسیر شمس حرکت می‌کند (بلکه گاهی از مسیر آن نیز جلو می‌افتد). در پیش روی کارخانه‌های عظیمش، کوهی از دود و به دنبالش سرش کوهی از فرآورده‌های صنعتی و مواد غذایی (که مردم آن را مواد غذایی سالم فکر می‌کنند درحالی که ارزش غذایی چندانی ندارند غالباً خوراکی‌های ناسالمی هستند) مشاهده می‌شود.

خامسا، مردم به عللی - از قبیل خشکسالی و یا استثمار و استعمار و تبعیضات

﴿۹۶﴾

مختلف و سرمایه‌گذاری‌های کمرشکن در مورد تسلیحات و هزینه طاقت‌فرسای جنگ‌ها و ویرانی‌های حاصل از آن که همگی معلول زندگی یک بعدی مادی است - گرفتار کمبود مواد غذایی می‌شوند و مخصوصاً گروهی از گرسنگی می‌میرند و از میان می‌روند و دجال که عامل اصلی این نابسامانی‌هاست از این وضع بهره‌برداری کرده به عنوان کمک به گرسنگان و محرومان جامعه برای تحکیم پایه‌های استعمار خود کوشش و تلاش می‌کند.

در پاره‌ای از روایات نیز نقل شده که هر موئی از مرکب عجیب دجال‌ساز مخصوص و نوای تازه‌ای سر می‌دهد که انطباق آن بر این همه وسایل سرگرم‌کننده ناسالم دنیای ماشینی یک بعدی که در تمام خانه‌ها و لانه و شهر و بیابان و ساحل دریايش نفوذ کرده کاملاً قابل تصور است.

﴿۹۷﴾

به هر صورت، مهم آن است که عناصر انقلابی یعنی سربازان راستین مصلح بزرگ مهدی موعود علیه‌السلام همچون بسیاری از مردم ساده‌لوح و ظاهرین، فریب دجال صفتان را نخورند و برای پیاده کردن طرح انقلابی خود بر اساس ایمان و حق و عدالت از

هیچ فرصتی غفلت نکنند .

البته آنچه در بالا گفتیم یک تفسیر احتمالی برای دجال بود که قرائن مختلفی آن را تأیید می‌کند . ولی قبول یا عدم قبول این تفسیر به اصل موضوع صدمه نمی‌زند که مسأله دجال ، با این صفات جنبه کنایه دارد نه این که انسانی باشد با چنان مرکب و چنان صفات و مزایا !

۳ - ظهور سفیانی

ظهور «سفیانی» همانند ظهور «دجال» نیز در بسیاری از منابع حدیث شیعه و اهل
(۹۸) «»

تسنن به عنوان یکی از نشانه‌های ظهور مصلح بزرگ جهانی و یا به عنوان یکی از حوادث آخر زمان ، آمده است . (۱)
گرچه از بعضی روایات برمی‌آید که «سُفْیَانِی» شخص معینی از آل ابوسفیان و فرزندان او است ؛ ولی از پاره‌ای دیگر استفاده می‌شود که سفیانی منحصر به یک فرد نبوده بلکه اشاره به صفات و برنامه‌های مشخصی است که در طول تاریخ افراد زیادی مظهر آن بوده‌اند .

از جمله در روایتی از امام علی بن الحسین علیه السلام نقل شده :

«أَمْرُ السُّفْیَانِیِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَلَا يَكُونُ قَائِمٌ إِلَّا بِسُّفْیَانِیٍّ (۲) ؛ ظهور سفیانی

۱- به کتاب بحار الانوار، جلد ۵۳، صفحات ۱۸۲ - ۱۹۰ - ۱۹۲ - ۲۰۶ - ۲۰۸ و ۲۰۹ مراجعه شود.

۲- بحار الانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۱۸۲.

(۹۹) «»

از مسائل حتمی و مسلم است ؛ و در برابر هر قیام کننده‌ای یک سفیانی وجود دارد! .

از این حدیث به خوبی روشن می‌شود که سفیانی جنبه «توصیفی» دارد نه «شخصی» و اوصاف او همان برنامه‌ها و ویژگی‌های او است و نیز استفاده می‌شود که در برابر هر مرد انقلابی و مصلح راستین یک (یا چند) سفیانی قد علم خواهد کرد .
در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم :

«إِنَّا وَآلُ أَبِي سُفْیَانَ أَهْلُ بَيْتَيْنِ تَعَادَيْنَا فِي اللَّهِ : قُلْنَا صِدْقَ اللَّهِ وَقَالُوا كَذِبَ اللَّهِ: قَاتَلَ أَبُو سُفْیَانَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَاتَلَ مُعَاوِيَةَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَاتَلَ يَزِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالسُّفْیَانِيُّ يُقَاتِلُ الْقَائِمَ (۱)؛ ما و

۱- بحار الانوار ، جلد ۵۲ ، صفحه ۱۹۰.

(۱۰۰) «»

خاندان ابوسفیان دو خاندانیم که در مورد برنامه‌های الهی باهم مخالفت داریم؛ ما گفته‌های پروردگار را تصدیق کرده‌ایم و آن‌ها تکذیب کردند . ابوسفیان با رسول خدا صلی الله علیه و آله مبارزه کرد ؛ و معاویه با علی بن ابیطالب علیه السلام و یزید با حسین بن علی علیه السلام ؛ و سفیانی با امام قائم مبارزه خواهد کرد .

در بحث گذشته نقش دجال‌ها را در مقابل انقلاب‌های سازنده شناختیم ، اکنون باید با نقشه‌های شیطانی سفیانی آشنا شویم ؛ زیرا برای تحقق بخشیدن به مفهوم انتظار راستین شناخت همه «طرفداران» و «مخالفان» طرح اصلاح جهانی نهایت لزوم را دارد .

ابوسفیان که سلسله سفیانی‌ها بود مشخصات زیر را داشت :

۱- سرمایه‌داری بود که از طریق غارتگری و غصب حقوق دگران و رباخواری و مانند آن به نوایی رسیده بود .

۲- قدرتمندی بود که از طرق شیطانی کسب نفوذ و قدرت نموده ، نقش

(۱۰۱) (۱)

رهبری احزاب جاهلی را در مکه و اطراف آن برعهده داشت؛ و همه شخصیتش در این دو خلاصه می‌شد. پیش از ظهور اسلام برای خود ریاست و حکومتی قابل ملاحظه داشت، اما پس از ظهور اسلام همه ارکان قدرتش متزلزل گردید، چرا که اسلام دشمن سرسخت همان‌ها بود که قدرت شیطانی ابوسفیان‌ها بر آن قرار داشت؛ و جای تعجب نیست که او دشمن شماره یک اسلام شد.

۳- او مظهر نظام ظالمانه جامعه طبقاتی مکه به شمار می‌رفت و حمایت بی‌دریغش از بت و بت‌پرستی نیز به همین خاطر بود؛ زیرا بت‌ها بهترین وسیله برای «نفاق افکندن و حکومت کردن» و «تحمیق و تخذیر توده‌های به زنجیر کشیده» و در نتیجه تحکیم پایه‌های قدرت ابوسفیان‌ها بودند.

(۱۰۲) (۱)

مخالفت سرسختانه او با اسلام - چنان که گفتیم - به همین دلیل بود که اسلام تمام پایه‌هایی را که شخصیت جهنمی او بر آن قرار داشت ویران می‌کرد؛ لذا از هیچگونه تلاش و کوشش برای خفه کردن انقلاب اسلام فروگذار نکرد. اما سرانجام در جریان فتح مکه آخرین سنگر قدرتش فرو ریخت و برای همیشه به کنار رفت و گوشه‌نشین شد؛ هر چند دست از تحریکات پنهانی برنداشت. او تمام این صفات را - از طریق تربیت و توارث - به فرزندش معاویه و از او به نوه‌اش یزید منتقل ساخت و آن دو نیز برنامه‌های پدر را - منتها در شکل دیگر - تعقیب کردند هر چند سرانجام با ناکامی مواجه گشتند.

ابوسفیان یک مرد به تمام معنی ارتجاعی بود که از جنبش انقلابی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سخت بیمناک بود؛ چرا که اسلام طرحی همه جانبه برای دگرگون ساختن آن جامعه

(۱۰۳) (۱)

عقب‌افتاده و به تمام معنی فاسد داشت؛ طرحی که با اجرای آن محلی برای زالوهایی همچون ابوسفیان و دار و دسته‌اش باقی نمی‌ماند.

و از این جا می‌توانیم درک کنیم چرا فرزندان و اعقاب او کوشش داشتند رشته‌های اسلام را پاره کنند و مردم را به آئین‌های جاهلی بازگردانند، هر چند در زیر چرخ‌های آن سرانجام خرد شدند؛ ولی به هر حال، ضربه‌های سنگینی بر پیشرفت اسلام و مسلمین وارد ساختند.

از اصل سخن دور نشویم، در احادیث گذشته خواندیم که پیدا شدن ابوسفیان با این مشخصات بر سر راه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از ویژگی‌های انقلاب اسلامی نبود، در برابر هر قائم و مصلحی، ابوسفیانی با مشخصات سرمایه‌دار غارتگر، قدرتمند و ظالم، ارتجاعی و مروج خرافات، وجود داشته و دارد که می‌کوشد، تلاش‌های انقلابی قائم

(۱۰۴) (۱)

و مصلح را خنثی کند؛ در راه او سنگ‌بیندازد و حداقل تاریخ انقلابش را به عقب بکشاند.

در برابر قیام مصلح بزرگ جهانی «مهدی» نیز «سفیانی» یا سفیانها قرار خواهند داشت که با قدرت جهنمی‌شان سعی دارند در مسیر انقلاب راستین مهدی وقفه ایجاد کنند؛ زمان را به عقب برگردانند یا لاقبل متوقف سازند؛ از بیداری و برچیده شدن نظام‌های ظالمانه طبقاتی به نفع استثمارکنندگان جلوگیری کنند.

تفاوتی که «سفیانی» با «دجال» دارد شاید بیشتر در این است که دجال از طریق حيله و تزویر و فریب، برنامه‌های شیطانی خود را پیاده می‌کند، اما سفیانی از طریق استفاده از قدرت تخریبی وسیع خود این کار را انجام می‌دهد؛ همان‌گونه که در اخبار

(۱۰۵) (۱)

آمده است که او نقاط آبدادی از روی زمین را زیر پرچم خود قرار خواهد داد. (۱) که نظیر آن را در حکومت ابوسفیان و معاویه و یزید در تاریخ خوانده‌ایم.

هیچ مانعی ندارد که سفیانی آخر زمان که در برابر مصلح بزرگ جهانی «مهدی» قیام می‌کند از نواده‌های ابوسفیان باشد و شجره‌نامه و نسبش به او منتهی گردد، همان‌طور که در اخبار آمده است؛ ولی مهم‌تر از مسأله نسب این است که برنامه‌های او و صفات و مشخصات و تلاش‌ها و کوشش‌هایش همه مانند ابوسفیان است و روشی همسان او دارد.

۱- بحارالانوار، جلد ۵۴، صفحه ۲۶.

((۱۰۶))

این «سفیانی» مانند همه ابوسفیان‌ها و همه سفیان‌های دیگر، سرانجام در برابر جنبش انقلاب جهانی مهدی علیه‌السلام به زانو در خواهد آمد و تلاش‌ها و کوشش‌ها و نقشه‌هایش نقش بر آب خواهد شد.

از همه مهم‌تر آن است که باید مردم «دجال‌ها» و «سفیان‌ها» را بشناسانند. این سفیان‌ها گذشته از نشانه‌هایی که قبلاً گفتیم نشانه دیگری نیز دارند که نمونه‌اش در تاریخ اسلام به روشنی دیده می‌شود و آن اینکه: صلحا و شایستگان را از صحنه اجتماع کنار می‌زنند و افراد ناصالح و مطرود را به جای آن‌ها قرار می‌دهند.

«بیت‌المال» را - چنانکه در حکومت دودمان ابوسفیان آمده - میان حواشی و طرفداران خود تقسیم می‌کنند؛ طرفدار انواع تبعیض‌ها، تحقیق‌ها و پراکندگی‌ها هستند و با این مشخصات می‌توان آن‌ها را شناخت و شناسانند.

«دجال‌ها» صفوف ضد انقلابی مرموز را تشکیل می‌دهند و «سفیان‌ها» صفوف

((۱۰۷))

ضد انقلابی آشکارا و هر دو، در واقع یک موضع دارند در دو چهره مختلف و تا صفوف آنها درهم شکسته نشود تضمینی برای «پیشرفت» و «بقای» انقلاب نیست.

راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

طرح اشکال: از قدیم به عقیده شیعه درباره مهدی خرده می‌گرفتند که: اگر او فرزند امام عسکری است و به سال ۲۵۵ هجری از مادرش نرجس تولد یافته و هنوز زنده است، باید هم‌اکنون بیش از هزار سال از عمرش بگذرد، در حالی که نه مشاهدات روزانه ما افرادی با چنین عمر طولانی به ما نشان می‌دهد؛

و نه علم و دانش روز می‌پذیرد؛

و نه تاریخ شبیه آن را به خاطر دارد.

((۱۰۸))

بررسی و تحقیق

ما هم با ایرادکنندگان در این قسمت هم‌صدا هستیم که عمرهای عادی و معمولی که می‌بینیم غالباً از یک‌صد سال تجاوز نمی‌کند؛ و به ندرت به یک‌صد و بیست و سال می‌رسد و افرادی که در عصر ما به یک‌صد و پنجاه یا شصت سال و بیشتر رسیده باشند جزء نوادر جهان محسوب می‌گردند.

ولی برای یک بحث علمی و تحقیقی پیرامون مسأله طول عمر هیچ‌گاه نمی‌توان به این مقدار قناعت کرد بلکه باید امور زیر را مورد بررسی قرار دهیم و ببینیم:

آیا عمر طبیعی حدّ ثابتی دارد؟ فیزیولوژی امروز در این باره چه می‌گوید؟

آیا راهی برای افزایش طول عمر هست ؟

﴿ (۱۰۹) ﴾

آیاتاکنون افراد استثنایی که در ساختمان جسمی و روحی و اعضای بدن و حواس مختلف و سایر صفات عمومی انسان‌ها با دگران فرق داشته باشند دیده شده‌اند ؟

آیاتاریخ واقعا کسانی را با عمرهای طولانی تر از آنچه امروز می‌بینیم به‌خاطر دارد ؟

و از همه این‌ها گذشته ، باید دید کسانی که این اشکال را طرح کرده چه کسانی هستند و برداشت آنها از مسائل مختلف مذهبی چیست ؟

آیا عمر طبیعی حدّ ثابتی دارد ؟

یک باطری کوچک عمر معینی دارد ؛ مثلاً ۲۴ ساعت پشت سرهم کار می‌کند ؛ سپس نیروی آن تمام می‌شود .

یک لامپ برق مثلاً یکهزار ساعت کار می‌کند سپس می‌سوزد .

﴿ (۱۱۰) ﴾

یک اتومیئل ممکن است بیست سال عمر کند .

همچنین سایر مصنوعات انسانی عمرشان تقریباً معین است و حدّ متوسّطی دارد ؛ البته اگر آنها را خوب نگهداری کنند مقداری بیشتر و اگر بد نگهداری کنند مقداری کمتر کار می‌کند .

در جهان طبیعت نیز همه گونه عمر داریم ؛ در دل اتم‌ها ذراتی وجود دارند که یک‌هزارم ثانیه و گاهی یک «صدمیلیونم ثانیه» بیشتر عمر نمی‌کنند ، ولی در مقابل عمر کره زمین را به پنجهزار میلیون سال تخمین می‌زنند !

حال باید ببینیم آیا عمر موجودات زنده در طبیعت مانند عمر فرآورده‌های صنعتی ماست ؟ مثلاً یک انسان بطور متوسط ۸۰ سال ؛ یک کبوتر ۵ سال ؛ یک حشره چند ماه ؛ یک درخت چنار ۱۵۰ سال و یک بوته گل ۶ ماه عمر می‌کند ؟

﴿ (۱۱۱) ﴾

در گذشته گروهی از دانشمندان عقیده به وجود یک سیستم عمر طبیعی در موجودات زنده داشتند مثلاً :

پاولولف عقیده داشت عمر طبیعی انسان ۱۰۰ سال است .

مچینکوف عقیده داشت عمر طبیعی انسان ۱۵۰ تا ۱۶۰ سال است .

کوفلاند پزشک آلمانی عقیده داشت عمر طبیعی انسان ۲۰۰ سال است .

فلوگر فیزیولوژیست معروف عقیده داشت عمر طبیعی انسان ۶۰۰ سال است .

بالاخره بیکن فیلسوف و دانشمند انگلیسی رقم را از این بالاتر برده و به ۱۰۰۰ سال می‌رساند .

ولی این عقیده از طرف فیزیولوژیست‌های امروز درهم شکسته شده و مسأله حدّ ثابت عمر طبیعی ابطال گردیده‌است .

﴿ (۱۱۲) ﴾

به گفته پروفیسور اسمیس استاد دانشگاه کلمبیا ؛ «همان گونه که سرانجام دیوار صوتی شکسته‌شده و وسائل نقلیه‌ای با سرعتی مافوق صوت به وجود آمد ، یک روز دیوار سنّ انسان نیز شکسته خواهد شد و از آنچه تاکنون دیده‌ایم فراتر خواهدرفت!» .

دلیل زنده‌ای که برای اثبات این عقیده می‌توان اقامه کرد آزمایش‌هایی است که گروهی از دانشمندان روی گیاهان یا حیوانات مختلف در آزمایشگاه‌ها به عمل آورده‌اند و در شرایط خاصّ آزمایشگاهی توانسته‌اند گاهی عمر یک موجود زنده را به «دوازده برابر» افزایش دهند .

مثلاً آزمایشی که روی گیاهی که معمولاً عمرش دو هفته بیشتر نیست به عمل آمده نشان می‌دهد که می‌توان آن را تا شش ماه نگهداشت .

اگر فرضاً چنین افزایشی روی عمر انسان‌ها عملی شود انسان‌هایی وجود خواهند داشت که بیش از یک هزار سال عمر کنند .
(۱۱۳) (۱۱۳)

آزمایش دیگری روی نوعی از مگس میوه که عمر بسیار کوتاهی دارد به عمل آورده‌اند و توانسته‌اند عمر آن را به «نهمصد برابر»! افزایش دهند .

اگر فرضاً این افزایش عجیب و خارق‌العاده روزی درباره انسان عملی شود ، یک انسان بیش از هفتاد هزار سال! عمر خواهد کرد . البته غالب ما نه آرزوی چنین عمر خسته کننده و طاقت‌فرسایی داریم و نه اگر مجانی هم به ما بدهند می‌پذیریم ، کار به جایی رسیده که شاعر می‌گوید :

من از دو روزه عمر آدمم به جان ، ای خضر چه می‌کنی تو که یک عمر جاودان داری
و به فرض که ما حاضر به قبول آن باشیم کره زمین استعداد پذیرش این همه انسان را ندارد !
(۱۱۴) (۱۱۴)

ولی هدف ما مطالعه و بررسی علمی روی مسأله طول عمر است . می‌دانیم امروز بسیاری از زیست‌شناسان مسأله افزایش طول عمر انسان را به طور جدی مورد بررسی قرار داده‌اند ؛ اگر چنین چیزی امکان‌پذیر نبود این مطالعات بیهوده به نظر می‌رسید .

دانشمندان غذاشناس عقیده دارند طول عمر رابطه نزدیکی با طرز تغذیه و شرایط اقلیمی دارد ؛ آنها با مطالعه روی طول عمر ملکه زنبوران عسل که چند برابر زنبوران معمولی عمر می‌کند به این جا رسیده‌اند که این موضوع معلول ژله مخصوصی است که زنبوران کارگر برای تغذیه ملکه فراهم می‌کنند که با عسل‌های معمولی فرق بسیار دارد ؛ و جمعی به این فکر افتاده‌اند که با تهیه مقدار فراوانی از این ژله ممکن
(۱۱۵) (۱۱۵)

است عمر انسان را تا چند برابر مقدار کنونی افزایش داد . روانشناسان می‌گویند طول عمر انسان بستگی زیادی به طرز تفکر و عقاید او دارد و با داشتن یک سلسله روحيات و عقاید سازنده و آرام‌بخش ، طول عمر انسان افزایش می‌یابد .

گروهی از پزشکان عقیده دارند : پیری یک نوع بیماری است که بر اثر تصلب شرایین و یا «اختلال متابولیس بدن انسان» پدید می‌آید ؛ و اگر ما بتوانیم از طریق تغذیه صحیح و داروهای مؤثر بر این عوامل پیروز شویم ، پیری را شکست خواهیم داد و از یک عمر طولانی برخوردار می‌گردیم .

همه این گفتگوها این مسأله را به طور وضوح ثابت می‌کند که افسانه «عمر طبیعی ثابت» یک افسانه دروغین بیش نیست ؛ و برای عمر موجودات زنده حدّ معینی را نمی‌توان در نظر گرفت .
(۱۱۶) (۱۱۶)

مخصوصاً با گشوده شدن راه آسمان‌ها به روی بشر و آغاز سفرهای فضایی ، مسأله طول عمر به صورت جدی‌تری مورد توجه قرار گرفته ؛ زیرا مسلم شده که عمرهای کوتاه ما مناسب پیمودن فاصله‌های عظیم نجومی نیست . گاهی برای برداشتن یک گام کوچک در این جهان پهناور با سفینه‌های فضایی کنونی عمر چند هزار ساله و یا برای راه‌های دورتر عمر چندین ده هزار سال لازم است ؛ لذا ، بعضی از دانشمندان به فکر شکل دیگری از افزایش طول عمر افتاده‌اند و آن استفاده از سیستم انجماد

است .

این موضوع شاید نخستین بار با مشاهده بعضی از موجودات زنده‌ای که در حال انجماد طبیعی حیات خود را حفظ کرده بودند . کشف شد ؛ مثلاً ، چندی پیش در لابه‌لای یخ‌های طبیعی ماهی منجمدی پیدا کردند که وضع طبقات یخ نشان می‌داد مربوط به پنج‌هزار سال قبل است !

« (۱۱۷) »

ابتدا گمان می‌کردند ماهی مرده است ، اما وقتی آن را در آب ملایم قرار دادند با کمال شگفتی شروع به حرکت کرد؛ معلوم شد او در این پنج‌هزار سال زنده بوده اما با شعله بسیار کم‌رنگی از حیات و زندگی !

از اینجا به فکر افتادند که اگر بتوان این روش را درباره انسان نیز به کار برد و مثلاً سرنشین یک سفینه فضایی را که به نقطه دورستی می‌فرستیم ، در کابین خود در حال انجماد فرو بریم و پس از صدها یا هزاران سال که به مقصد می‌رسد ، با یک سیستم خودکار ، بدن او تدریجاً به حال عادی باز گردد ، مشکل طول عمر در سفرهای فضایی حل خواهد شد .

« (۱۱۸) »

هم‌اکنون بعضی از پزشکان به این فکر افتاده‌اند که این سیستم را برای بیمارانی که هنوز راه درمان بیماری آنها کشف نشده و مثلاً مبتلا به سرطان هستند ، پیشنهاد کنند که چنین بیمارانی را با روش انجماد در یک حالت خواب عمیق - یا مافوق خواب - فرو برند و مثلاً پس از دو قرن دیگر که راه درمان این بیماری‌ها طبعاً کشف خواهد شد آنها را به حال عادی بازگردانند و درمان کنند .

همه این بحث‌ها و طرح‌ها و پیشنهادها نشان می‌دهد که از نظر علم امروز حدّ ثابتی برای طول عمر بشر و سایر موجودات زنده وجود ندارد و مقدار آن را می‌توان تغییر داد.

« (۱۱۹) »

وجود افراد استثنایی

اگر از بحث گذشته چشم پوشیم و فرض کنیم نوع انسان به طبع نخستین خود ، حدّ ثابتی از عمر دارد ؛ ولی با این حال ، این موضوع را نمی‌توان به همه افراد تعمیم داد زیرا معمولاً در میان انواع موجودات زنده همیشه افراد استثنایی وجود دارند که با استانداردها و ضوابطی که در علوم طبیعی و تجربی دیده‌ایم مطابقت ندارد؛ و حتی گاهی علم از تفسیر وضع آنها عاجز می‌گردد .

در میان افراد انسان اشخاصی دیده شده‌اند که با حواس و ادراکات یا نیروهای فوق‌العاده و کاملاً استثنایی:

در میان افراد یک نوع خاص از درخت یا حیوانات که رشد و نمو ظاهراً معینی دارند و یا عمر و سنّ ظاهراً محدود ، افرادی دیده می‌شوند که تمام ضابطه‌ها و

« (۱۲۰) »

استانداردهای نوع خود را می‌شکنند و در یک شکل فوق‌العاده می‌شوند ؛ مثلاً :

۱ - جهانگردانی که از اسکاتلند دیدن کرده‌اند از درخت عجیب و شگفت‌انگیزی نام می‌برند که قطر تنه آن ۹۰ پاست و میزان عمر آن را به پنج‌هزار سال تخمین زده‌اند.

۲ - در کالیفرنیا درختی مشاهده کرده‌اند که طول قامتش حدود یک صد متر ! و قطرش در طرف پایین حدود ۱۰ متر و عمرش را به شش هزار سال برآورد کرده‌اند .

۳ - در میان درختان جالب و متنوعی که در جزایر کاناری می‌روید درختی است از نوع عندم یا به تعبیر ما «خون سیاوش» که توجه

دانشمندان را به خود جلب کرده است؛ درختی است که می‌گویند از زمان کشف این جزیره (یعنی حدود پانصدسال پیش) تاکنون هیچ گونه تغییری در رشد آن مشاهده نکرده‌اند! با این حال به نظر می‌رسد که عمری بسیار طولانی داشته باشد که در این مدت، اثر گذشت زمان بر

« (۱۲۱) »

چهره آن آشکار نشده است؛ لذا، بعضی حدس می‌زنند که این درخت قبل از خلقت آدم وجود داشته است!

۴- در مناطق استوایی زمین، درختانی وجود دارند با عمر جاویدان! یعنی مرتباً در حال ریشه زدن و جوانه زدن هستند و هیچ‌گاه عمرشان پایان نمی‌گیرد.

۵- در میان نوع حلزون‌ها، حلزون‌هایی دیده شده‌اند با عمر چند هزار سال؛ و دانشمندان زیست‌شناس ماهی‌هایی کشف کرده‌اند که عمر آن‌ها را به سه میلیون سال تخمین می‌زنند.

۶- در میان افراد انسان کسانی را می‌بینیم با کارهای شگفت‌انگیز که باور کردن آن حتی برای کسانی که مشاهده کرده‌اند مشکل است. کیست که در جرائد خبرهای مختلفی درباره جوانی که با نیروی خارق‌العاده چشم خود اجسام فلزی مانند قاشق و

« (۱۲۲) »

چنگال را خم می‌کرد بدون آن‌که کوچکترین اشاره‌ای بدارد به آن کند، ندیده باشد!

او این عملیات خارق‌العاده خود را در برابر خبرنگاران و حتی از تلویزیون در انگلستان اجرا کرد که انگلیسی‌های دیرباور هم پذیرفتند حقه و حيله خاصی در کار نیست و این یک وضع خاص و استثنایی محسوب می‌شود.

شرح حال جوان ایرانی خودمان را که لامپ و شیشه را مانند نقل و نبات می‌خورد شاید کمتر کسی است که در جرائد نخوانده باشد، در حالی که افراد عادی اگر بدون توجه، مختصر خرده‌شیشه‌ای را لابه‌لای غذا بخورند ممکن است کارشان به جراحی بکشد!

در مطبوعات شرح حال فردی را خواندم که با نیروی خارق‌العاده خود حیوانات درنده و وحشی را رام می‌کرد و به راحتی به آن‌ها نزدیک می‌شد.

در حالات فیلسوف و طبیب معروف «بوعلی سینا» می‌نویسند که می‌گفت:

« (۱۲۳) »

در موقعی که به مکتب می‌رفتم هرچه شاگردان برای استاد می‌خواندند من حفظ می‌کردم؛ در ده سالگی آن‌قدر از علوم فراگرفتم که در بخارا از من تعجب می‌کردند؛ در ۱۲ سالگی بر مسند فتوا نشستم! و در شهر بخارا فتوا می‌دادم؛ در سن ۱۶ سالگی کتاب قانون را در علم طب تصنیف کردم (همان کتابی که تا چند قرن کتاب درسی در دانشکده‌های پزشکی اروپا بود)؛ درباره حواس مختلف او از جمله دید چشم یا قدرت شنوایی و مانند آن، داستان‌های حیرت‌انگیز نقل شده که در این مختصر نمی‌گنجد؟

(۱)

این‌ها همه افراد استثنایی هستند با ویژگی‌های که دانشمندان علوم طبیعی از

۱- به کتاب «هدیه الاحباب» مراجعه شود.

« (۱۲۴) »

تفسیر آن عاجزند و وضع آنها با ضوابط و استانداردهایی که از صفات ویژه انسان در دست است، هماهنگ نیست؛ ولی این عدم هماهنگی هرگز مانع از آن نمی‌شود که ما آن‌ها را بپذیریم؛ و در پرتو آن یک قانون کلی را نیز قبول کنیم که آنچه در «گیاهان» و «جانداران دریایی و صحرائی» و «انسان‌ها» معمولاً مشاهده کرده‌ایم یک قانون ابدی و همیشگی و همگانی نیست؛ بلکه کاملاً

امکان دارد که در میان همه آنها افرادی پیدا شوند با صفات ویژه و خارق‌العاده، چه از نظر سن و سال و چه از نظر قدرت‌ها و توانایی‌های روحی و جسمی؛ و هیچ‌گاه وضع استثنایی آنها دلیل بر غیرعلمی بودن پذیرش این پدیده‌ها نخواهد بود؛ بلکه باید قبول کنیم که قلمرو تمام مقررات و ضابطه‌هایی که علوم به دست ما می‌دهند محدود به افراد عادی می‌باشد و افراد استثنایی از محدوده این مقررات و معیارها خارجند.

« (۱۲۵) »

این ایراد را چه کسانی طرح می‌کنند؟

اگر مشکل طول عمر مهدی علیه‌السلام از طرف ماتریالیست‌ها که همه چیز را از زاویه قوانین طبیعی می‌بینند مطرح شود پاسخش همان است که در بحث‌های فوق ذکر شد، ولی اگر از سوی خداپرستان جهان همانند پیروان آئین مسیح علیه‌السلام و موسی علیه‌السلام و یا برادران اهل تسنن مطرح شود، علاوه بر آنچه گفتیم، سخنان دیگری نیز با آنها داریم که عبارتند از:

۱- آنها برای خدا قدرت بی‌پایان و برای فرستادگان و مبعوثان او خارق‌عادات و معجزات فراوان قائلند؛ به تعبیر دیگر، خدا را حاکم بر قوانین طبیعی می‌دانند نه محکوم این قوانین، آیا شفا دادن بیماران غیرقابل علاج از نظر فن پزشکی و یا زنده کردن مردگان به وسیله مسیح و یا معجزات حیرت‌انگیز دیگری که از موسی علیه‌السلام به وسیله عصا (یک قطعه چوب بی‌ارزش چوپانی) و ید بیضاء و گذشتن از نیل با آن

« (۱۲۶) »

جریان خارق‌العاده، اموری هستند که با ضابطه‌ها و استانداردهای طبیعی سازگارند؟

شک نیست که همه پیروان مذاهب برای تفسیر این گونه پدیده‌ها یک‌زبان می‌گویند تأثیر قوانین و اسباب طبیعی همه به فرمان خدا است و هرگاه او چیز دیگری اراده کند همان می‌شود و اراده او مافوق علل طبیعی است. آیا اگر از نخست وضع چنین بود که انسان‌ها بعد از مردن یک‌بار دیگر زنده می‌شدند و یانابینای مادرزاد با گذشت زمان بینا می‌شد و یا حدّ متوسط عمر یک انسان معمولی یک هزار سال بود، آیا کسی از این امور تعجب می‌کرد و آن را برخلاف قانون عقل می‌دانست؟ ... مسلماً نه! بنابراین، نقض این‌گونه قوانین نقض یک حکم عقلی و منطقی نیست؛ بلکه نقض یک حالت و یک جریان عادی است که ما طبق مشاهده افراد عادی با آن خو گرفته‌ایم.

« (۱۲۷) »

۲- مسیحیان امروز عموماً معتقدند که دشمنان مسیح علیه‌السلام او را به صلیب (دار) آویختند و کشتند و دفن کردند؛ و پس از چند روز از مردگان برخاست و به آسمان رفت و هم‌اکنون زنده‌است.

مسلمانان نیز گرچه به دار آویخته شدن و قتل عیسی را - طبق گفته قرآن - قبول ندارند؛ ولی او را هم‌اکنون زنده می‌دانند؛ و این گفتاری است که همه دانشمندان اسلامی - جز افرادی معدودی - آن را پذیرفته‌اند.

اگر این استثنا برخلاف حکم عقل نیست و ممکن است انسانی بعد از مرگ و دفن مجدداً زنده شود و حدود دوهزار سال عمر کند، چگونه در موارد ساده‌تر که سخن تنها از یک عمر طولانی کمی بیش از یک‌هزار سال در میان است، محال و غیرمنطقی شمرده می‌شود!

« (۱۲۸) »

۳- هیچ مسلمانی نیست که عمر طولانی نوح را انکار کند، زیرا صریحاً در متن قرآن آمده که تنها دوران دعوت او به سوی توحید و آئین خدا، نهصد و پنجاه سال طول کشید (فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا) (۱).

همچنین درباره خضر و عمر فوق‌العاده طولانی او، غالباً سخن‌هایی شنیده‌ایم.

شگفت‌آور این که گروهی همه این مطالب را در جای خود پذیرفته‌اند، اما هنگامی که با عقیده مسلمانان در مورد طول عمر «مهدی» رو به رو می‌شوند، انگشت حیرت به دهان می‌گیرند و سر خود را به علامت انکار تکان می‌دهند و

۱- ۱۴ / عنکبوت.

﴿ (۱۲۹) ﴾

لبخندهایی می‌زنند که مفهومی این است که این گونه عقاید غیرعقلانه و غیرمنطقی هم می‌تواند پیروانی داشته باشد؟! ولی همان‌گونه که گفتیم مسأله طول عمر، قطع نظر از معتقدات مذهبی خداپرستان درباره قدرت خداوند و مسأله اعجاز، با منطق علوم طبیعی روز کاملاً قابل هضم است؛ تنها مشکلی که در این راه وجود دارد این است که ما راستی خود را از قید و بند پیشداوری‌ها، تعصب‌های خاص و عادات و رسوم می‌که به آن خو گرفته‌ایم آزاد کنیم و تنها تسلیم دلیل و منطق باشیم و بحث حرّ و آزاد!

ما هنگامی که در جرائد می‌خوانیم یک مرد اتریشی ۱۴۰ سال از عمرش گذشته بود در حالی که حتی یک‌بار هم بیمار نشده بود!

و یا مردی در کلمبیا در سنّ ۱۶۷ سالگی کاملاً جوانی‌اش محفوظ بود!

﴿ (۱۳۰) ﴾

و یا مردی در چین در سنّ ۲۵۳ سالگی مویش سیاه بود!

از این‌ها تعجب می‌کنیم؛ زیرا هرچه باشد برخلاف افراد معمول و عادی است؛ ولی اگر منابع این خبر مورد اطمینان باشند و یا در همه مطبوعات به عنوان یک خبر قطعی ذکر شود آن را خواهیم پذیرفت.

اما چرا هنگامی که در حدیث می‌خوانیم:

«الْقَائِمُ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّبُوحِ وَ مَنْظَرِ الشُّبَّانِ؛ قَوِيٌّ فِي يَدَيْهِ» : هنگامی که قائم خروج می‌کند در سنّ پیران است اما با چهره جوانان و از نظر جسمی نیز نیرومند است» تعجب می‌کنیم.

شیعه می‌گوید:

چگونه بر طرز فکر آنهایی که برای نوح و مسیح، عمر طولانی قائلند و در حالات بوعلی سینا این ویژگی‌های عجیب را می‌نویسند؛ و یا پس از مشاهده کج شدن

﴿ (۱۳۱) ﴾

اجسام فلزی با نگاه یک جوان و یا مشاهده درختان و جانداران طویل‌العمر لبخند نمی‌زنیم، اما هنگامی که سخن از طول عمر مهدی علیه‌السلام به میان می‌آید گروهی قیافه اعتراض‌آمیز به خود می‌گیرند و با اعجاب می‌گویند مگر چنین عمر طولانی برای انسانی ممکن است!

کوتاه سخن اینکه: مسأله طول عمر از مسائلی نیست که بتوان در یک داوری منصفانه و منطقی بر آن خرده گرفت و یا آنرا انکار کرد. (۱)

پایان جلد اول

۱- این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی، استفاده شده است.

﴿ (۱۳۲) ﴾

- ۱- بیستونی، محمد، تفسیر جوان (۵ جلدی)، اول، قم، انتشارات بیان جوان .
- ۲- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، اول، قم، انتشارات بیان جوان .
- ۳- بیستونی، محمد، تفسیر بیان (۳۰ جلدی)، اول، تهران، انتشارات فراهانی .
- ۴- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر بیان، اول، تهران، انتشارات فراهانی .
- ۵- نوری، میرزا حسین، خورشید غائب (مختصر نجم الثاقب)، اول، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران .
- ۶- برنجیان، جلال، آینده جهان، سوم، تهران، انتشاراتی طور تهران .
- ۷- بحار الانوار، ج ۸۶ .
(۱۳۳) (۱)
- ۸- بحار الانوار، ج ۵۳ .
- ۹- مصطفوی، علی اصغر، «سوشیانت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخر الزمان»، نقل از نصری، عبدالله «سیمای انسان کامل» .
- ۱۰- حموی، حافظ، «فرائد السمطين»، نقل از کتاب «الْمَهْدِيُّ الْمَوْعُودُ الْمُتَنْتَظَرُ عِنْدَ عُلَمَاءِ أَهْلِ السُّنَّةِ»، شیخ نجم الدین عسکری، ج ۲ .
- ۱۱- راشدی، لطیف، «الحاوی للفتاوی» جزء دوم، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام .
- ۱۲- محی الدین، «فتوحات مکیه»، نقل از ترجمه «کشف الآشثار» اثر محدث نوری ترجمه جلال برنجیان، مخطوط .
- ۱۳- شیخ مفید، «الاختصاص»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام
(۱۳۴) (۱)
- ترجمه لطیف راشدی .
- ۱۴- طبرسی، «اعلام الوری»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۱۵- علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۳ باب توقیعات .
- ۱۶- سلیمان، کامل، «ترجمه یوم الخلاص»، ج ۱ .
- ۱۷- سلیمان، کامل، «ترجمه یوم الخلاص»، ج ۱ .
- ۱۸- صافی، لطف الله «منتخب الاثر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۱۹- عاملی، شیخ حرّ، «اثبات الهداء»، ج ۷ نقل از «ترجمه مکیال المکارم» محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ .
(۱۳۵) (۱)
- ۲۰- علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۳ نقل از اصفهانی، محمد تقی، «ترجمه مکیال المکارم»، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ .
- ۲۱- امین، سید محسن، «ترجمه اعیان الشیعه» (آشنایی با امام زمان علیه السلام) .
- ۲۲- «الزام الناصب»، ج ۲، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۲۳- نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی .
- ۲۴- علامه مجلسی، «بحار الانوار»، ج ۵۲ .

۲۵- «بحارالانوار»، ج ۵۲.

۲۶- علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۱ به نقل از «کمال‌الدین».

۲۷- نعمانی، ابن ابی زینب، «الغیبه»، «الزام‌الناصب» نقل از کتاب مخطوط (۱۳۶)»

درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۲۸- «المهدی»، «بشارةالاسلام» و علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۲۹- شیخ طوسی، «الغیبه»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۳۰- «الحاوی للفتاوی»، ج ۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۳۱- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عقدالدّر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۳۲- علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۲، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام (۱۳۷)»

ترجمه لطیف راشدی.

۳۳- مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عقدالدّر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۳۴- صدر، محمد، «تاریخ مابعدالظهور»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام‌زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

۳۵- علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۱، نقل از حکیمی، محمد، «درفجر ساحل».

۳۶- شیخ صدوق، «علل الشرایع»، نقل از صافی، لطف‌الله «منتخب‌الاثر».

۳۷- شیخ صدوق، «کمال‌الدین»، ج ۲.

۳۸- صافی، لطف‌الله «منتخب‌الاثر».

۳۹- مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی «عج»، یازدهم، قم، انتشارات (۱۳۸)»

نسل جوان

۴۰- آیات اعظام صافی گلپایگانی، سبحانی، کورانی، در جستجوی نور، دوم،

قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران

۴۱- امینی، ابراهیم - دادگستر جهان - ۲۵ - قم - انتشارات شفق

۴۲- مجمع‌البیان، ذیل آیه ۹، تفسیر سوره صف.

۴۳- بحارالانوار، جلد ۵۲.

۴۴- صحیح ترمذی، باب ما جاء فی الدجال.

۴۵- «هدیه‌الاجاب».

۴۶- تفسیر برهان.

۴۷- نهج‌البلاغه، کلمات قصار.

(۱۳۹)»

۴۸- بحارالانوار، جلد ۱۳، چاپ قدیم.

- ۴۹- بحار الانوار، جلد ۱۲.
- ۵۰- نورالابصار فی مناقب آل بیت النبى المختار.
- ۵۱- منتخب الاثر.
- ۵۲- مولوی نیا، محمد جواد، سیمای مهدویت در قرآن، چاپ اول، قم، انتشارات امام عصر علیه السلام.
- ۵۳- طباطبایی، سید محمد، ملاقات علماء بزرگ اسلام با امام زمان علیه السلام، دوم، قم، انتشارات شمیم گل نرگس.
- ۵۴- علی پور، حسین، جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام، اول، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- (۱۴۰)»
- ۵۵- رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام، دهم، قم، انتشارات نبوغ.
- ۵۶- موسی الصفار، حسن، امام مهدی علیه السلام امید ملت‌ها، پنجم، تهران، انتشارات آفاق.
- ۵۷- علامه مہری، سید مصطفی، مهدی موعود علیه السلام یارانی این گونه دارد، اول، قم، انتشارات علامه بحرانی.
- ۵۸- فلسفی، محمّد تقی، حکومت جهانی امام عصر علیه السلام، اول، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
- ۵۹- حسینی، سید حسین، یاد محبوب، دوم، تهران، انتشارات نشر آفاق.
- ۶۰- حکیمی، مهدی، منتظر، چشم به راهی فریادگر!!!! - اول - مشهد - انتشارات به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- (۱۴۱)»

جلد ۲

فهرست مطالب

موضوع صفحه

فلسفه غیبت طولانی ۵۰۰۰

۱- آمادگی پذیرش (آمادگی روانی ۱۰۰۰۰)

۲- تکامل فرهنگی و صنعتی ۱۳۰۰۰

۳- پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی ۱۵۰۰۰

۴- فلسفه وجود امام به هنگام غیبت ۱۸۰۰۰

فایده وجود امام در دوران غیبت ۲۲۰۰۰

۱- اثر امید بخشی ۲۸۰۰۰

۲- پاسداری آئین خدا ۳۲۰۰۰

(۲۰۶)»

فهرست مطالب

عنوان صفحه

۳- تربیت یک گروه انقلابی آگاه ۳۷۰۰۰

۴- نفوذ روحانی و ناآگاه ۳۹۰۰۰

در جمع بین حکایات و قصه‌های گذشته و بین روایتی که در تکذیب مدعی مشاهده آن جناب علیه‌السلام، در غیبت کبری رسیده است ۱۹۳۰۰۰

الْأَهْدَاءِ

إِلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ
رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلَى مَوْلَانَا
وَ مَوْلَى الْمُؤَحِّدِينَ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى بَضْعِهِ
الْمُصْطَفَى وَ بَهْجَةِ قَلْبِهِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ إِلَى سَيِّدِي
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّبْطَيْنِ، الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ إِلَى الْأَيْمَةِ التَّشْعَةَ
الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ وَارِثِ عُلُومِ
الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، الْمَعْدَّةَ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ وَ الْمُدْخِرِ لِأَحْيَاءِ الْفَرَانِضِ وَ مَعَالِمِ الدِّينِ،
الْحُجَّجَةِ بْنِ الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَصْرِ وَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفَ فَيَا مُعَزَّ
الْأَوْلِيَاءِ وَيَا مُدِلَّ الْأَعْدَاءِ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ قَدَّمْنَا
(۴)

وَ أَهْلَنَا الضَّرْفَ فِي غَيْبَتِكَ وَ فِرَاقِكَ وَ جِنَا بِيضَاعِهِ
مُرْجَاهُ مِنْ وَ لَائِكَ وَ مَحَبَّتِكَ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ مِنْ مَنِّكَ وَ
فَضْلِكَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا بِنَظَرِهِ رَحْمَةً مِنْكَ
إِنَّا نَرِيكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ
(۵) (۱)

فلسفه غیبت طولانی (۱)

سؤال دیگری که در زمینه عقیده شیعه درباره مهدی علیه‌السلام پیش می‌آید، موضوع غیبت طولانی او است که پس از قبول امکان عمر طولانی مطرح می‌شود و آن این که: چرا مهدی ظهور نمی‌کند با این که فساد و ظلم به قدر کافی وجود دارد؟ چرا با قیام خود جهان را در مسیر عدل و داد قرار نمی‌دهد؟ آخر تا کی باید نشست و شاهد صحنه‌های ظلم و خونریزی و بیدادگری مشتی تبهکار و از خدا بی‌خبر باشیم؟ چرا این قدر غیبتش به طول انجامیده؟ او در حقیقت انتظار چه چیزی را، دیگر می‌کشد؟
۱- این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیه الله مکارم شیرازی، استفاده شده است.

(۶) (۱)

و بالاخره سر این غیبت طولانی چیست؟

ولی باید توجه داشت گرچه این سؤال معمولاً از شیعه در مسأله غیبت می‌شود، اما با کمی دقت متوجه خواهیم شد که دیگران هم از آن سهمی دارند؛ یعنی، به شکل دیگر متوجه سایر معتقدان به ظهور یک بزرگ جهانی که روزی باید قیام کند و جهان را پر از عدل و داد سازد، می‌گردد؛ هر چند عقیده شیعه را درباره طول عمر و غیبت قبول نداشته باشند.

زیرا جای این پرسش از آنها باقی است که چرا آن مصلح بزرگ تاکنون متولد نشده و اگر شده است چرا قیام نمی‌کند و دنیای تشنه را با جام عدالت و دادگری خویش سیراب نمی‌سازد؟ بنابراین، اشتباه بزرگی است اگر این ایراد را تنها متوجه شیعه بدانیم.

(۷) (۱)

و به تعبیر دیگر، شک نیست که مسأله طول عمر (بحث گذشته) و مسأله فلسفه وجود امام در زمان غیبت (بحث آینده) از سؤالاتی است که تنها متوجه شیعه می‌گردد، اما متأسفانه تأخیر ظهور او مطلبی است که همه معتقدان به ظهور آن مصلح جهانی باید به آن بیندیشند که چرا با آمادگی جهان، آن ظهور بزرگ به وقوع نمی‌پیوندد؟ (دقت کنید)

به هر حال، این سؤال یک پاسخ کوتاه دارد و یک پاسخ مشروح؛ پاسخ کوتاه آن این است که برای تحقق یک انقلاب همه جانبه در سطح جهان تنها وجود یک رهبر شایسته انقلابی کافی نیست بلکه آمادگی عمومی نیز لازم است؛ و هنوز متأسفانه دنیا آماده پذیرش چنان حکومتی نشده است و به محض آمادگی، قیام او قطعاً است!

(۸) (۱۱)

اما توضیح این سخن:

اولاً: باید توجه داشت که همان‌گونه که سابقاً اشاره شد - برنامه قیام مهدی، همانند برنامه قیام همه پیامبران الهی، از راه بهره‌گیری از وسائل و اسباب طبیعی انجام می‌گیرد و هیچ‌گاه اعجاز اساس آن را تشکیل نمی‌دهد؛ معجزات جنبه استثنایی دارند و در روند برنامه‌های اصلاحی رهبر آسمانی - جز در موارد استثنایی - دخالت نخواهند داشت.

به همین دلیل، همه انبیاء از سلاح روز، تربیت افراد لایق، مشورت‌های لازم، طرح نقشه‌های مؤثر، تاکتیک‌های نظامی حساب شده و خلاصه، فراهم ساختن هرگونه امکان مادی و معنوی برای پیشبرد هدفشان استفاده می‌کردند و در انتظار این نمی‌نشستند که هر روز معجزه‌ای واقع شود و دشمن یک گام عقب‌نشینی کند، یا

(۹) (۱۱)

دوستان در پرتو اعجاز هر روز در مسیر تکامل گامی به پیش بگذارند.

بنابراین، اجرای طرح حکومت حق و عدالت در سطح جهانی نیز باید با استفاده از وسایل مادی و معنوی لازم - جز در موارد استثنایی - تحقق پذیرد.

به تعبیر دیگر، مهدی علیه‌السلام آئین و مذهب جدیدی با خود نمی‌آورد بلکه او طرح‌های انقلابی اجرا نشده الهی را به مورد اجرا می‌گذارد. رسالت او تنها ابلاغ و انذار و تعلیم و تربیت و توصیه و تذکر نیست. رسالت او اجرای همه اصولی است که به ظلم و ستم و تبعیض در سایه حکومت علم و ایمان پایان می‌بخشد و مسلماً اجرای این طرح بدون آمادگی یا آمادگی‌ها ممکن نیست.

ثانیا، با توجه به اصل اساسی بالا روشن می‌شود که چرا می‌گوییم هنوز وجود این آمادگی مسلم نیست؛ چه این که، حداقل چند نوع آمادگی برای این کار لازم است:

(۱۰) (۱۱)

۱- آمادگی پذیرش (آمادگی روانی)

مردم جهان باید به قدر کافی تلخی این وضع نابسامان و بی‌عدالتی‌ها را درک کنند.

مردم جهان باید نارسائی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی لمس کنند.

مردم جهان باید این حقیقت را بیابند که تنها در سایه اصول و پیوندهای مادی و ضمانت اجرایی موجود و مقررات خودساخته انسان‌ها مشکل جهان حل نمی‌شود؛ بلکه مشکلات هر روز متراکم‌تر و به گونه کلاف سردرگمی پیچیده‌تر می‌گردد.

مردم جهان باید احساس کنند که بحران‌های کنونی زاینده نظامات کنونی است؛ و این نظامات از حل بحران‌ها سرانجام عاجزند.

مردم جهان باید درک کنند که برای وصول به این هدف بزرگ، اصول و نظاماتی تازه

لازم است که متکی به ارزش‌های انسانی و ایمان و عواطف بشری و اخلاق باشد، نه تنها اصول خشک و بی‌روح و نارسایی مادی. مردم جهان باید به این حد از رشد اجتماعی برسند که بفهمند پیشرفت تکنولوژی الزاما به مفهوم پیشرفت بشریت و تأمین خوشبختی انسان‌ها نیست؛ بلکه تکنولوژی پیشرفته تنها در صورتی ضامن نیکبختی و سعادت است که زیر چتر یک سلسله اصول معنوی و انسانی استقرار یابد و الا - همان گونه که بارها دیده‌ایم - بلاآفرین خواهد بود و مایه ویرانگری است.

مردم جهان باید دریابند صنایع اگر به صورت بتی در آیند بر حجم مشکلات کنونی افزوده خواهد شد و به ابعاد ویرانی و ضایعات جنگ‌ها وسعت می‌بخشد؛ بلکه باید به شکل ابزاری در آیند تحت کنترل انسان‌های شایسته.

(۱۲) «

بالاخره مردم جهان باید تشنه شوند و تا تشنه نشوند به سراغ چشمه‌های آب نمی‌روند.

و به تعبیر دیگر، تا در مردم جهان تقاضایی نباشد، عرضه هر نوع برنامه اصلاحی، مفید و مؤثر نخواهد بود؛ که قانون «عرضه و تقاضا» بیش از آنچه در مسائل اقتصادی مورد توجه است در مسائل اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد.

این سؤال پیش می‌آید که این حالت عطش و تقاضا را چه عاملی باید ایجاد کند؟

در پاسخ می‌گوییم: قسمتی از آن را گذشت زمان و بدون آن ممکن نیست، اما قسمت دیگری بستگی به تعلیم و تربیت دارد؛ باید با رستخیز فکری که از طرف اندیشمندان باایمان و آگاهان مسئول جامعه به وجود می‌آید، عملی گردد.

(۱۳) «

آنها باید با برنامه‌های انسان‌سازی خود، حداقل این آگاهی را به مردم جهان بدهند که با این اصول و قوانین و روش‌هایی که در دست دارند مشکلات اساسی حل نخواهد شد؛ و به هر حال، این نیز نیازمند به زمان است.

۲ - تکامل فرهنگی و صنعتی

از سوی دیگر گردآوری تمام مردم جهان در زیر یک پرچم، کوتاه ساختن دست زورمندان و قلدران در همه جا گستردن تعلیم و تربیت در آخرین حد امکان در همه سطوح، تفهیم کامل این مسأله که اختلاف زبان و نژاد و منطقه جغرافیایی و مانند آنها، دلیل بر این نیست که مردم جهان نتوانند همانند برادران، در یک خانواده زندگی کنند؛ و در صلح و برادری و عدالت زیست نمایند.

(۱۴) «

و فراهم ساختن یک اقتصاد سالم و کافی برای همه انسان‌ها، نیاز به رشد فرهنگی و بالا رفتن سطح دانش بشری از یک سو و تکامل وسائل صنعتی از سوی دیگر دارد؛ و سائلی که بتواند پیوند سریع و نزدیک و دائمی میان تمام نقاط جهان برقرار سازد، که آن هم بدون گذشت زمان ممکن نیست.

چگونه ممکن است یک حکومت به وضع همه جهان رسیدگی کند اگر ارتباطات به کندی صورت گیرد؟ چگونه می‌توان با وسائلی که فرستادن یک پیام با آن به نقاط دور افتاده جهان یک یا چند سال وقت لازم دارد دنیا را اراده کرد؟

از پاره‌ای از روایات که شکل زندگی مردم جهان را در عصر قیام مهدی علیه‌السلام ترسیم می‌کند - و بعدا به خواست خدا مشروحا پیرامون آن بحث خواهد شد - استفاده

(۱۵) «

می‌شود که پیشرفت تکنولوژی و صنعت مخصوصا صنایع حمل و نقل و ارتباطی در آن عصر چنان خواهد بود که قاره‌های بزرگ

جهان عملاً به صورت چند شهر نزدیک به هم درمی‌آیند؛ و شرق و غرب حتی حکم یک خانه را پیدا می‌کند؛ مشکل زمان و مکان به کلی حل خواهد شد.

البته ممکن است قسمتی از این امور در پرتو یک جهش و انقلاب صنعتی در آن عصر صورت گیرد، ولی بالا-خره یک نوع آمادگی علمی به عنوان زمینه باید در آستانه چنان عصری باشد.

۳- پرورش یک نیروی ضربتی انقلابی

سرانجام لازم است گروهی هرچند در اقلیت باشند در این جهان پرورش یابند
(۱۶) (۱)

که هسته اصلی ارتش انقلابی آن مصلح بزرگ را تشکیل دهند.

باید در میان این جهنم سوزان، گل‌هایی بروید تا مقدمه گلستانی گردد؛ باید در این شوره‌زار نهال‌هایی تربیت شوند تا پیام آور بهار برای دگران باشند.

باید افرادی فوق‌العاده آگاه، شجاع، دلسوز؛ فداکار و جانباز برای این کار تربیت شوند هرچند نسل‌هایی برای این منظور یکی پس از دیگری بگذرند تا ذخایر اصلی آشکار گردد و عناصر اصلی انقلاب فراهم شود و این نیز زمان می‌خواهد.

اما این که چه کسی باید عهده‌دار پرورش این گونه افراد گردد؟

باید به خاطر داشته باشیم که این برعهده همان رهبر بزرگ است که به طور مستقیم
(۱۷) (۱)

یا غیرمستقیم دست به چنین برنامه‌ای بزند (شرح بیشتر پیرامون این موضوع به خواست خدا در بحث آینده خواهد آمد).

در روایات اسلامی یکی از علل طولانی شدن غیبت امام علیه‌السلام مسأله امتحان و آزمون عمومی مردم؛ و انتخاب اصلح ذکر شده که ممکن است اشاره به همین موضوع باشد.

توضیح اینکه: آزمون‌های انسانی الهی، همچون آزمون‌های به خاطر آگاهی بیشتر به حال آزمون شدگان نیست، بلکه به معنی پرورش استعدادها و آشکار ساختن شایستگی‌ها و جداسدن صفوف از یکدیگر است.

و به تعبیر دیگر، هدف آنها تربیت و تکامل یا ایجاد آمادگی است؛ زیرا احاطه علمی خداوند نسبت به همه چیز هرگونه هدف آگاهی‌طلبی را از آزمون‌های الهی سلب می‌کند.

(۱۸) (۱)

از مجموع این بحث روشن شد که چرا غیبت مهدی باید این گونه طولانی باشد.

۴- فلسفه وجود امام به هنگام غیبت

سؤال دیگری که درباره عقیده شیعه و ویژگی‌های آن، پیرامون وجود مهدی علیه‌السلام پیش می‌آید این است که:

امام علیه‌السلام در هر حال رهبر و پیشوا است و وجود یک رهبر در صورتی می‌تواند مفید باشد که تماس مداوم با پیروان خود داشته باشد؛ امام غائب از نظر و ناپیدا، چگونه نقش رهبری خود را ایفا کند؟!

به تعبیر دیگر، زندگی امام علیه‌السلام در دوران غیبت یک زندگی خصوصی است نه

(۱۹) (۱)

یک زندگی اجتماعی در صورت یک پیشوا، با این حال حق داریم برسیم این ذخیره الهی چه اثر عمومی برای مردم می‌تواند

داشته باشد و چه نوع بهره‌ای مردم می‌توانند از وجود او ببرند؟

او به چشمه آب زلال حیات می‌ماند که در ظلمات باشد و کسی را در دسترسی به وجود او باشد!
به‌علاوه، اصولاً آیا مفهوم غایب‌شدن امام علیه‌السلام این است که وجودش به یک روح نامرئی یا امواج ناپیدا و اثیری و امثال این‌ها تبدیل شده؟ آیا این با علم‌سازگار است؟

این سؤال - بدون شک - سؤال مهمی است؛ ولی اشتباه است که گمان کنیم بی‌جواب مانده؛ اما اجازه بدهید نخست به پاسخ جمله اخیر بپردازیم که مایه سوء تفاهم ناجوری برای گروهی گردیده است و پس از روشن شدن آن به سراغ بقیه سؤال‌ها می‌رویم.

((۲۰))

صریحاً باید گفت، مفهوم غائب بودن امام علیه‌السلام - چنان‌که اشاره کرده‌ایم - هرگز این نیست که وجود امام علیه‌السلام در عصر غیبت یک وجود نامرئی و رؤیایی است که به یک وجود خیالی و پنداری شبیه‌تر از یک وجود عینی باشد. بلکه، او از نظر زندگی، یک زندگی طبیعی عینی خارجی دارد، منتها با عمری طولانی؛ در میان مردم و دل جامعه‌ها رفت و آمد دارد؛ و در نقاط مختلف زندگی می‌کند؛ و اگر استثنایی در زندگی او هست همین است که او از یک عمر طولانی برخوردار است؛ همین و بس.

او به طور ناشناس در جامعه انسانی زندگی می‌کند و هیچ‌کس درباره غیبت او جز این نگفته است؛ و چقدر فرق است میان «ناشناس» و «نامرئی»!

((۲۱))

حال که این سوء تفاهم برطرف شد، به سراغ این موضوع می‌رویم که:
بسیار خوب، ولی این چنین زندگی ممکن است برای یک فرد عادی قابل توجیه باشد، اما آیا برای یک رهبر - آن هم یک رهبر بزرگ الهی - قابل قبول است؟!

شاگردی که معلّم خود را نشناسد، بیماری که به وجود طیب و مطبّ او پی نبرد، تشنه‌ای که از چشمه آب بی‌خبر باشد - هرچند در نزدیکی او قرار داشته باشد - چه بهره‌ای می‌توانند ببرند؟!
جالب این که:

این سؤال تنها امروز برای ما مطرح نیست؛ از روایات اسلامی برمی‌آید که حتی پیش از تولّد مهدی علیه‌السلام در عصر امامان پیشین مطرح بوده و به هنگامی که آنها سخن

((۲۲))

از مهدی و طول غیبتش به میان می‌آوردند، با چنین سؤال رو به رو می‌شدند و با آغوش باز به آن پاسخ می‌گفتند که نمونه‌ای از آنها را ذیلاً از نظر می‌گذرانیم:

فایده وجود امام در دوران غیبت

در احادیث متعدّد و گوناگونی که در زمینه فلسفه و فایده وجود امام علیه‌السلام در دوران غیبت به ما رسیده، تعبیر بسیار پرمعنی و جالبی در یک عبارت کوتاه دیده می‌شود که می‌تواند کلیدی باشد برای گشودن این رمز بزرگ و آن اینکه از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در پاسخ این پرسش که چه فایده‌ای وجود مهدی علیه‌السلام در عصر غیبتش دارد فرمود:

«ای وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْبُؤَةِ أَنَّهُمْ يَنْتَفِعُونَ بِهِ وَيَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وِلَايَتِهِ»

(۲۳) (۱)

فِي غَيْبَتِهِ كَانَتْفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ (۱)؛ آری سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزیده، مردم از نور رهبری او در دوران غیبتش بهره می‌گیرند همان‌گونه که از خورشید به هنگام قرار گرفتن پشت ابرها!

برای فهم این کلید رمز، نخست باید نقش خورشید را به طور کلی و به هنگامی که چهره تابناکش پشت ابرها پنهان می‌گردد؛ دریابیم:

خورشید دارای دو نوع نورافشانی است:

نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی

نورافشانی آشکار و نورافشانی مخفی

یا به تعبیر دیگر، نورافشانی «مستقیم» و نورافشانی غیر «مستقیم».

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۹۳.

(۲۴) (۱)

در نورافشانی آشکار، اشعه آفتاب به خوبی دیده می‌شود، هرچند قشر ضخیم هوا که اطراف کره زمین را پوشانیده همانند یک شیشه ضخیم کار می‌کند؛ شیشه‌ای که هم از شدت تابش آفتاب می‌کاهد و آن را قابل تحمل می‌سازد؛ و هم نور آفتاب را تصفیه می‌کند و شعاع‌های مرگبارش را خنثی و بی‌اثر می‌سازد، ولی به هر حال مانع از تابش مستقیم آفتاب نیست. ولی در تابش غیرمستقیم، ابرها، همانند یک شیشه مات، نور مستقیم خورشید را گرفته و پخش می‌کنند. نور آفتاب مهم‌ترین نقش را در دنیای حیات و موجودات زنده دارد:

نور و حرارتی که از خورشید به هر سو پاشیده می‌شود تنها انرژی خلاق

(۲۵) (۱)

موتورهای زندگی در گیاهان و حیوانات و انسان است:

رشد و نمو موجودات زنده؛ تغذیه و تولیدمثل آنها؛ حس و حرکت و جنبش؛ آبیاری زمین‌های مرده؛ غرغش امواج دریا؛ وزش حیاتبخش بادهای؛ ریزش دانه‌های زندگی آفرین باران و برف؛ صدای زمزمه آبشارها؛ نغمه‌های مرغان؛ زیبایی خیره‌کننده گل‌ها؛ گردش خون در عروق انسان و طپش قلب‌ها؛ عبور برق‌آسای اندیشه از لابه‌لای پرده‌های مغز؛ و لبخند شیرینی که بر لب گلبرگ مانند یک کودک شیرخوار نقش می‌بندد و ...

همه و همه به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نور آفتاب بستگی دارد و بدون آن همه این‌ها به خاموشی خواهد گرائید و این موضوع را با کمی دقت می‌توان دریافت.

خوب، حالا این سؤال پیش می‌آید که آیا این برکات و آثار

(۲۶) (۱)

زندگی‌بخش، مخصوص زمانی نیست که نور به طور مستقیم می‌تابد؟

پاسخ این سؤال روشن است: نه، بسیاری از این آثار در نور مات خورشید از پشت ابرها نیز وجود دارد.

مثلاً در کشورها یا شهرهایی که چندین ماه از سال ابرها سراسر آسمان را پوشانیده‌اند آفتاب دیده نمی‌شود، ولی گرما؛ نمو و رویش گیاهان؛ تولید انرژی لازم برای موتور حیات؛ رسیدن غلات و میوه‌ها؛ خندیدن گل‌ها و شکوفه‌ها وجود

دارند.

بنابراین، تابش خورشید از پشت پرده ابرها قسمت مهمی از برکات خود را دربردارد؛ و تنها قسمتی از آثار آن که نیاز به تابش مستقیم دارد موجود نیست؛ مثلاً می‌دانیم تابش آفتاب اثر حیاتی خاصی روی پوست و سایر جهاز بدن انسان و

(۲۷) (۱)

موجودات زنده دارد و به همین دلیل در کشورهایی که از این نظر در محرومیت به سر می‌برند در روزهای آفتابی بسیاری از مردم حتماً آفتاب می‌گیرند؛ و در برابر این نور حیات بخش برهنه می‌گردند و با تمام ذرات وجود خود که تشنه این هدیه آسمانی است ذرات این نور را می‌مکنند.

و نیز تابش مستقیم آفتاب، علاوه بر این که روشنائی و گرمای بیشتری می‌آفریند، اثر خاصی - به خاطر همان اشعه ماورای بنفش - در کشتن انواع میکروب‌ها و سالم‌سازی محیط دارد که در نور غیرمستقیم دیده نمی‌شود.

از مجموع بحث بالا نتیجه می‌گیریم که هرچند پرده‌های ابر، بعضی از آثار آفتاب را می‌گیرد ولی قسمت مهمی از آن همچنان باقی می‌ماند.

این بود حال «مُشَبَّه به» یعنی آفتاب، اکنون باز گردیم به وضع «مُشَبَّه»

(۲۸) (۱)

یعنی وجود رهبران الهی در حال غیبت.

اشعه معنوی نامرئی وجود امام علیه‌السلام به هنگامی که در پشت ابرهای غیبت نهان است دارای آثار گوناگون قابل ملاحظه‌ای است که علی‌رغم تعطیل مسأله تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، فلسفه وجودی او را آشکار نمی‌سازد. این آثار به صورت زیر است:

۱- اثر امیدبخشی

در میدان‌های نبرد تمام کوشش گروهی از سربازان زنده و فداکار این است که پرچم، در برابر حملات دشمن همچنان سر پا در اهتزاز باشد؛ در حالی که سربازان دشمن دائماً می‌کوشند پرچم مخالفان را سرنگون سازند، چرا که برقرار بودن پرچم مایه دلگرمی سربازان و تلاش و کوشش مستمر آنهاست.

(۲۹) (۱)

همچنین وجود فرمانده لشکر در مقر فرماندهی - هرچند ظاهراً خاموش و ساکت باشد - خون گرم و پرحرارتی در عروق سربازان به حرکت درمی‌آورد و آنها را به تلاش بیشتر وامی‌دارد که فرمانده ما زنده است و پرچممان در اهتزاز!

اما هرگاه خبر قتل فرمانده در میان سپاه پخش شود یک لشکر عظیم با کارائی فوق‌العاده یک مرتبه متلاشی می‌گردد، گویی آب سردی بر سر همه ریخته‌اند، نه، بلکه روح از تنشان بیرون رفته!

رئیس یک جمعیت یا یک کشور مادام که زنده است، هرچند مثلاً در سفر یا فرضاً در بستر بیماری باشد، مایه حیات و حرکت و نظم و آرامش آنهاست؛ ولی شنیدن خبر از دست رفتن او گردد و غبار یأس و نومیدی را بر همه می‌پاشد.

(۳۰) (۱)

جمعیت شایعه طبق عقیده‌ای که به وجود امام زنده دارد، هرچند او را در میان خود نمی‌بینند، خود را تنها نمی‌دانند. (دقت کنید)

او همواره انتظار بازگشت آن سفر کرده را که قافله‌های دل همراه اوست می‌کشد، انتظاری سازنده و اثربخش، او هر روز

احتمال ظهور او را می‌دهد .

اثر روانی این طرز فکر در زنده نگهداشتن امید در دل‌ها و وادار ساختن افراد به خودسازی و آمادگی برای آن انقلاب بزرگ که شرحش در بحث «انتظار» گذشت ، کاملاً قابل درک است .

اما اگر این رهبر اصلاً وجود خارجی نداشته باشد و علاقمندان مکتبش در انتظار توکد و پرورش او در آینده باشند وضع بسیار فرق می‌کند .

((۳۱))

و اگر یک نکته دیگر را به این موضوع بیفزاییم مسأله شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد و آن اینکه :

طبق اعتقاد عمومی شیعه که در روایات بسیار زیادی در منابع مذهبی آمده است ، امام به طور مداوم ، در دوران غیبت ، مراقب حال پیروان خویش است ؛ و طبق یک الهام الهی از وضع اعمال آنها آگاه می‌گردد و به تعبیر روایات همه هفته برنامه اعمال آنها به نظر او می‌رسد و از چگونگی رفتار و کردار و گفتار آنها آگاه می‌گردد . (۱)

۱- این روایات در تفسیر برهان، در ذیل آیه « قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ » (۱۰۵ / سوره توبه) آمده است ؛ و ما در جلد هشتم تفسیر نمونه بحثی جالب پیرامون آن داریم.

((۳۲))

این فکر سبب می‌شود که همه معتقدان در یک حال مراقبت دائمی فرو روند و به هنگام ورود در هر کار توجه به آن «نظارت عالی» داشته باشند ؛ اثر تربیتی این طرز فکر نیز قابل انکار نیست .

۲- پاسداری آئین خدا

«علی» آن ابرمرد تاریخ بشر در یکی از سخنان کوتاه خود که در آن اشاره به لزوم وجود رهبران الهی در هر عصر و زمان می‌کند می‌گوید :

((۳۳))

« اَللّٰهُمَّ بَلِيْ لَا تَخْلُوْا الْاَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِّلّٰهِ بِحُجَّتِهِ اِمَّا ظَاهِرًا مَّشْهُورًا وَاِمَّا خَائِفًا مَّعْمُورًا لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجُجُ اللّٰهِ وَبَيِّنَاتِهِ (۱) آری هیچ‌گاه صفحه روی زمین، از قیام کننده باحجت و دلیل خالی نمی‌ماند؛ خواه ظاهر و آشکار باشد، یا مخفی و پنهان ، تادلائل و اسناد روشن الهی ضایع نگردد و به فراموشی نگراید (و مسخ و تحریف نشود)».

اکنون به توضیح این سخن توجه کنید :

با گذشت زمان و آمیختن سلیقه‌ها و افکار شخصی به مسائل مذهبی و گرایش‌های مختلف به سوی برنامه‌های ظاهر فریب مکتب‌های انحرافی و دراز شدن دست مفسده جویان به سوی مفاهیم آسمانی، اصالت پاره‌ای از این قوانین از دست

۱- نهج البلاغه ، کلمات قصار ، شماره ۱۴۷.

((۳۴))

می‌رود و دستخوش تغییرات زیانبخشی می‌گردد .

این آب زلال که از آسمان وحی نازل شده با عبور از مغزهای این و آن تدریجاً تیره و تار گشته ، صفای نخستین خود را از دست می‌دهد .

این نور پرفروغ با عبور از شیشه‌های ظلمانی افکار تاریک، کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌گردد .

خلاصه ، با آرایش‌ها و پیرایش‌های کوتاه‌بینانه افراد و افزون شاخ و برگ‌های تازه به آن ، چنان می‌شود که گاهی بازشناسی

مسائل اصلی دچار اشکال می‌گردد .

و به گفته آن شاعر - که البته همان گونه که روش و سنت شاعران است در

« (۳۵) »

شکل مبالغه آمیزی مطرح شد - خطاب به پیامبر کرده می‌گوید :

شرع تو را در پی آرایشند دین تو را از پی پیرایشند

بس که فزودند بر آن برگ و بر گر تو بینی شناسی دگر

با این حال ، آیا ضروری نیست که در میان جمع مسلمانان کسی باشد که مفاهیم فناپذیر تعالیم اسلامی را در شکل اصلی اش

حفظ و برای آیندگان نگهداری کند ؟

آیا مجدداً وحی آسمانی بر کسی نازل می‌شود ؟ مسلماً نه ! باب وحی با مسأله خاتمیت برای همیشه بسته شد .

پس چگونه باید آئین اصیل حفظ گردد و جلو تحریفات و تغییرات و خرافات گرفته شود و این آئین برای نسل‌های آینده محفوظ

بماند . آیا جز این است که باید

« (۳۶) »

این رشته به وسیله یک پیشوای معصوم ادامه یابد ، خواه آشکار و مشهور باشد یا پنهان و شناس (لَيْلًا تَبْتَطُلَ حُجُجُ

اللَّهِ وَبَيْنَاتِهِ) .

می‌دانیم در هر مؤسسه مهمی «صندوق آسیب‌ناپذیری» وجود دارد که اسناد مهم آن مؤسسه را در آن نگهداری می‌کنند ، تا از

دستبرد دزدان محفوظ بماند ؛ به علاوه ، هر گاه مثلاً آتش‌سوزی در آنجا روی دهد از خطر حریق مصون باشد که اعتبار و

حیثیت آن مؤسسه پیوند نزدیکی با حفظ آن اسناد و مدارک دارد .

سینه امام و روح بلندش صندوق آسیب‌ناپذیر حفظ اسناد آئین الهی است که همه اصالت‌های نخستین و ویژگی‌های آسمانی این

تعلیمات را در خود نگاهداری می‌کند «تا دلائل الهی و نشانه‌های روشن پروردگار باطل نگردد و به خاموشی نگراید» .

و این دیگر از آثار وجود او - گذشته از آثار دگر - است .

« (۳۷) »

۳ - تربیت یک گروه انقلابی آگاه

برخلاف آنچه بعضی فکر می‌کنند ، رابطه امام در زمان غیبت به کلی از مردم بریده نیست ؛ بلکه آن گونه که از روایات اسلامی

برمی‌آید گروه کوچکی از آماده‌ترین افراد که سری پرشور از عشق خدا و دلی پرایمان و اخلاصی فوق‌العاده برای تحقق بخشیدن

به آرمان اصلاح جهان دارند ، با او در ارتباطند و از طریق این پیوند تدریجاً ساخته می‌شوند ؛ و روح انقلابی بیشتری کسب می‌کنند

؛ انقلابی سازنده و بارور برای ریشه کن ساختن هرگونه ظلم و بیدادگری در جهان !

ممکن است آنها خودشان پیش از این قیام از دنیا بروند ولی به هر حال آمادگی و تعلیمات انقلابی را به نسل‌های آینده‌شان و به

دیگران منتقل می‌سازند و در پرورش گروه نهایی سهیم و شریکند .

« (۳۸) »

سابقاً گفتیم معنی غیبت امام این نیست که او به شکل یک روح نامرئی و یا اشعه‌ای ناپیدا درمی‌آید ، بلکه او از یک زندگی طبیعی

آرام برخوردار است ؛ و به طور ناشناخته در میان همین انسان‌ها رفت و آمد دارد و دل‌های بسیار آماده را برمی‌گزیند ؛ و در

اختیار می‌گیرد و بیش از پیش آماده می‌کند و می‌سازد .

افراد مستعد به تفاوت میزان استعداد و شایستگی خود، توفیق درک این سعادت را پیدامی کنند؛ بعضی چند لحظه؛ و بعضی چند ساعت و چند روز؛ و بعضی سال‌ها با او در تماس نزدیک هستند!

به تعبیر روشن‌تر، آنها کسانی هستند که آن‌چنان بر بال و پر دانش و تقوا قرار گرفته و بالا رفته‌اند که همچون مسافران هواپیماهای دور پرواز بر فراز ابرها قرار می‌گیرند؛ آنجا که هیچ‌گاه حجاب و مانعی بر سر راه تابش جانبخش آفتاب (((۳۹)

نیست؛ در حالی که دیگران در زیر ابرها در تاریکی و نور کم‌رنگ به سر می‌برند. حساب صحیح نیز همین است؛ من نباید انتظار داشته باشم که آفتاب را به پایین ابرها بکشم تا چهره او را بینم؛ چنین انتظاری اشتباه بزرگ و خیال خام است؛ این منم که باید بالا-تر از ابرها پرواز کنم تا شعاع جاودانه آفتاب را جرعه جرعه بنوشم و سیراب گـردم. به‌هر حال، تربیت این گروه یکی دیگر از فلسفه‌های وجود او در این دوران است.

۴- نفوذ روحانی و ناآگاه

می‌دانیم خورشید یک سلسله اشعه نامرئی دارد که از ترکیب آنها با هم، هفت رنگ معروف، پیدا می‌شود؛ و یک سلسله اشعه نامرئی که به نام «اشعه فوق بنفش» (((۴۰)

و «اشعه مادون قرمز» نامیده شده است.

همچنین یک رهبر بزرگ آسمانی خواه پیامبر باشد یا امام، علاوه بر تربیت تشریحی که از طریق گفتار و رفتار و تعلیم و تربیت عادی صورت می‌گیرد، یک نوع تربیت روحانی و از راه نفوذ معنوی در دل‌ها و فکرها دارد که می‌توان آن را تربیت تکوینی نام گذارد؛ در آنجا الفاظ و کلمات و گفتار و کردار کار نمی‌کند بلکه تنها جاذبه و کشش درونی کار می‌کند.

در حالات بسیاری از پیشوایان بزرگ الهی می‌خوانیم که گاه بعضی از افراد منحرف و آلوده با یک تماس مختصر با آنها به کلی تغییر مسیر می‌دادند و سرنوشتشان یک‌باره دگرگون می‌شد و به قول معروف با ۱۸۰ درجه انحراف راه کاملاً تازه‌ای را انتخاب می‌کردند؛ یک مرتبه فردی پاک و مؤمن و فداکار از آب (((۴۱)

در می‌آمدند که از بذل همه وجود خود نیز مضایقه نداشتند!

این دگرگونی‌های تند و سریع و همه جانبه، این انقلاب‌های جهش‌آسا و فراگیر، آن هم با یک نگاه یا یک تماس مختصر (البته برای آنها که در عین آلودگی یک نوع آمادگی نیز دارند) نمی‌تواند نتیجه تعلیم و تربیت عادی باشد بلکه معلول یک اثر روانی نامرئی و یک جاذبه ناخودآگاه است که گاهی از آن تعبیر به «نفوذ شخصیت» نیز می‌شود.

بسیار از کسان این موضوع را در زندگی خود تجربه کرده‌اند که به هنگام برخورد با افرادی که روح‌های بزرگ و عالی دارند چنان بی‌اختیار و ناخودآگاه تحت تأثیر آنان قرار می‌گیرند که حتی سخن گفتن در برابر آنها برایشان مشکل می‌شود؛ و خود را در میان هاله‌ای مرموز و غیرقابل توصیف از عظمت و بزرگی می‌بینند.

البته ممکن است گاهی این گونه امور را با تلقین و امثال آن توجیه کرد؛ ولی

(((۴۲)

مسئله این تفسیر برای همه موارد صحیح نیست بلکه راهی جز این ندارد که بپذیریم که این آثار نتیجه شعاع اسرارآمیزی

است که از درون ذات انسان‌های بزرگ برمی‌خیزد .

سرگذشت‌های فراوانی در تاریخ پیشوایان بزرگ می‌بینیم که جز از این راه نمی‌توان آنها را تفسیر کرد؛ داستان آمدن جوان آلوده‌ای نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و انقلاب ناگهانی روحی او .

با برخورد اسعدبن زراره بت‌پرست به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کنار خانه کعبه و تغییر جهش آسای طرز تفکر او .
و یا آنچه دشمنان سرسخت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نام آن را سحر می‌گزاردند و مردم را به خاطر آن از نزدیک شدن به او باز می‌داشتند ، همه حاکی از نفوذ شخصیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله
(۴۳) (۱)

در افراد مختلف از این طریق است .

همچنین آنچه درباره تأثیر پیام امام حسین علیه‌السلام روی فکر «زهیر» در مسیر کربلا نقل شده تا آنجا که با شنیدن پیام امام حتی نتوانست لقمه‌ای که در دست داشت به دهان بگذارد و آن را به زمین نهاد و حرکت کرد .
و یا کشش عجیب و فوق‌العاده که «حرّین یزید ریاحی» در خود احساس می‌کرد و با تمام شجاعتش همچون بید می‌لرزید ؛ و همین کشش سرانجام او را به صف مجاهدان کربلا کشانید و به افتخار بزرگ شهادت نائل آمد .
و یا داستان جوانی که در همسایگی «ابوبصیر» زندگی داشت و با ثروت سرشار خود که از خودش خدمتی به دستگاه بنی‌امیه فراهم ساخته بود به عیش و نوش و بی‌بند و باری پرداخته بود و سرانجام با یک پیام امام صادق علیه‌السلام به کلی دگرگون شد
(۴۴) (۱)

و همه کارهای خود را درهم پیچید و تمام اموالی را که از طریق نامشروع گرد آورده بود به صاحبانش داد ، یا در راه خدا انفاق کرد .

و یا سرگذشت کنیز خواننده و زیبا و عشوه‌گری که هارون به گمان خام خود برای منحرف ساختن ذهن امام کاظم علیه‌السلام به زندان اعزام داشته بود؛ و منقلب شدن روحیه‌او در یک‌مدّت کوتاه، تا آنجا که قیافه و طرزسخن و منطق او هارون را به حیرت و وحشت افکند

همه و همه نشانه و نمونه‌هایی از همین تأثیر ناخودآگاه است که می‌توان آن را به شعبه‌ای از «ولایت تکوینی» پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا امام علیه‌السلام دانست ، چراکه عامل تربیت و تکامل در اینجا الفاظ و جمله‌ها و راه‌های معمولی و عادی نیست، بلکه‌جذبه معنوی و نفوذ روحانی عامل اصلی محسوب می‌شود .

این برنامه - همان‌گونه که گفتیم - منحصر به پیامبران و امامان نیست ؛ بلکه رجال
(۴۵) (۱)

راستین و شخصیت‌های بزرگ نیز به تناسب میزان شخصیت خود هاله‌ای از این نفوذ ناخودآگاه اطراف خود ترسیم می‌کنند ، منتها قلمرو گروه اول با گروه دوم از نظر ابعاد و گسترش قابل مقایسه نیست .

وجود امام علیه‌السلام در پشت‌ابره‌های غیبی نیز این‌اثر را دارد که از طریق اشعه نیرومند و پردامنه نفوذ شخصیت خود، دل‌های آماده‌رادر نزدیک‌ودور تحت تأثیرجذبه‌مخصوص قرار داده به تربیت و تکامل آنها می‌پردازد و از آنها انسان‌هایی کامل‌تر می‌سازد .

ما قطب‌های مغناطیسی زمین را با چشم خود نمی‌بینیم ، ولی اثر آنها روی عقربه‌های قطب‌نما ، در دریاها راهنمای کشتی‌هاست ؛ و در صحراها و آسمان‌ها راهنمای هواپیماها و وسائل دیگر است . در سرتاسر کره زمین از برکت این امواج مغناطیسی ، میلیون‌ها مسافر راه خود را به سوی مقصد پیدا کرده ، یا وسائل نقلیه

(۴۶) (۱)

بزرگ و کوچک به فرمان همین عقربه ظاهرا کوچک از سرگردانی رهایی می‌یابند .

آیا تعجب دارد اگر وجود امام علیه‌السلام در زمان غیبت با امواج جاذبه معنوی خود افکار و جان‌های زیادی را که در دور یا نزدیک قرار دارند هدایت کند و از سرگردانی رهایی بخشد ؟

ولی نمی‌توان و نباید فراموش کرد که همان‌گونه که امواج مغناطیس زمین روی هر آهن پاره بی‌ارزشی اثر نمی‌گذارد بلکه روی عقربه‌های ظریف و حساسی که آب مغناطیس خورده‌اند و یک نوع سنخیت و شباهت با قطب فرستنده امواج مغناطیسی پیدا کرده‌اند اثر می‌گذارند ، همین‌طور دل‌هایی که راهی با امام دارند و شباهتی را در خود ذخیره نموده‌اند تحت تأثیر آن جذب غیرقابل توصیف روحانی قرار می‌گیرند .

با در نظر گرفتن آنچه در بالا گفتیم، یکی دیگر از آثار و فلسفه‌های وجودی امام علیه‌السلام (۴۷) (۱)

در چنین دورانی آشکار می‌گردد .

۵- ترسیم هدف آفرینش

هیچ عاقلی بی‌هدف گام بر نمی‌دارد و هر حرکتی که در پرتو عقل و علم انجام گیرد در مسیر هدفی قرار خواهد داشت . با این تفاوت که هدف در کار انسان‌ها معمولاً رفع نیازمندی خویش و برطرف ساختن کمبودهاست، ولی در کار خدا هدف متوجه دیگران و رفع نیازهای آنهاست ؛ چرا که ذات او از هر نظر بی‌پایان است و عاری از هر گونه کمبود و با این حال انجام دادن کاری به نفع خود ، درباره او مفهوم ندارد.

حالا به این مثال توجه کنید :

(۴۸) (۱)

در زمینی مستعد و آماده ، باغی پر گل و میوه احداث می‌کنیم ؛ در لابه‌لای درختان و بوته‌های گل ، علف هرزه‌هایی می‌رویند ؛ هروقت به آبیاری آن درختان برومند می‌پردازیم علف هرزه‌ها نیز از پرتو آنها سیراب می‌شوند .

در اینجا ما دو هدف پیدا می‌کنیم :

هدف اصلی که آب دادن درختان میوه و بوته‌های گل است .

و هدف تبعی که آبیاری علف هرزه‌های بی‌مصرف می‌باشد .

بدون شک هدف تبعی نمی‌تواند انگیزه عمل گردد و یا حکیمانه بودن آن را توجیه کند ؛ مهم همان هدف اصلی است که جنبه منطقی دارد !

حال اگر فرض کنیم بیشتر درختان باغ خشک شوند و جز یک درخت باقی نماند ، اما درختی که به تنهایی گل‌ها و میوه‌هایی را که از هزاران درخت انتظار داریم به ما

(۴۹) (۱)

می‌دهد بدون تردید برای آبیاری همان یک درخت هم که باشد برنامه آبیاری و باغبانی را ادامه خواهیم داد ؛ گو اینکه علف هرزه‌های زیادی نیز از آن بهره گیرند و اگر یک روز آن درخت نیز بخشکد آنجاست که دست از آبیاری باغ می‌کشیم هر چند علف هرزه‌ها بمیرند .

جهان آفرینش بمانند همان باغ پرطراوت است و انسان‌ها درختان و بوته‌های این باغند .

آنها که در مسیر تکاملند درختان و شاخه‌های پربرند .

و آنها که به پستی گرائیده و منحرف و آلوده‌اند علف هرزه‌های این باغند .

مسلماً این آفتاب درخشان ، این مولکول‌های حیاتبخش هوا ، این همه برکات زمین و آسمان ، برای آن آفریده نشده است که مثنی فاسد و هرزه به جان یکدیگر بیفتند و به خوردن یکدیگر مشغول شوند و جز ظلم و ستم و جهل و فساد محصولی

﴿ ۵۰ ﴾

برای اجتماع آنها نباشد ؛ نه ! هرگز هدف آفرینش نمی‌تواند این‌ها باشد !

این جهان و تمام مواهب آن - از دیدگاه یک فرد خداپرست که با مفاهیمی چون علم و حکمت خدا آشناست - برای صالحان و پاکان آفریده شده است ؛ همان‌گونه که سرانجام نیز به طور کامل از دست غاصبان درخواهد آمد و در اختیار آنان قرار خواهد گرفت (اَنَّ الْأَرْضَ يَرْتُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) .

باغبان آفرینش (جهان پهناور هستی) به خاطر همین گروه فیض و مواهب خود را همچنان ادامه می‌دهد ؛ هرچند علف هرزه‌ها نیز به عنوان یک هدف تبعی سیراب گردند و بهره‌مند شوند ؛ ولی بی‌شک هدف اصلی آنها نیستند .

و اگر فرضاً روزی فرا رسد که آخرین نسل گروه صالحان از روی زمین برچیده شوند ، آن روز دلیلی بر ادامه جریان این مواهب وجود نخواهد داشت .

﴿ ۵۱ ﴾

آن روز آرامش زمین به هم می‌خورد و آسمان برکات خود را قطع می‌نماید و زمین از دادن بهره به انسان‌ها مضایقه خواهد کرد !

پیامبر یا امام ، سمبل گروه صالحان و نمونه بارز انسان کامل است ؛ یعنی ، همان گروهی که هدف اصلی آفرینش را تشکیل می‌دهند و به همین دلیل وجود او به تنهایی یا در رأس گروه صالحان ، توجیه کننده هدف آفرینش و مایه نزول هر خیر و برکت و ریزش باران فیض و رحمت خدا است ؛ اعم از اینکه در میان مردم آشکارا زندگی کند یا مخفی و ناشناس بماند .

درست است که افراد صالح دیگر نیز هرکدام هدفی هستند برای آفرینش و یا به تعبیر دیگر ، بخشی از آن هدف بزرگ ، ولی نمونه کامل این هدف همین انسان‌های نمونه و مردان آسمانی می‌باشند ، هرچند سهم دگران نیز محفوظ است .

﴿ ۵۲ ﴾

و از اینجا روشن می‌شود، آنچه در پاره‌ای از عبارات به این مضمون وارد شده که:

« بِيَمِينِهِ رِزْقَ الْوَرَى وَ يُوْجِدُهُ تَثْبُتُ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ ؛ از برکت وجود او (یعنی حَجَّت و نماینده الهی) مردم روزی می‌برند و به خاطر هستی او آسمان و زمین برپاست! » یک موضوع «اغراق آمیز» و «دور از منطق» و یا «شُرک آلود» نمی‌باشد ؛ همچنین ، عبارتی که به عنوان یک حدیث قدسی خطاب به پیامبر از طرف خداوند در کتب مشهور نقل شده : « لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ ؛ اگر تو نبودی آسمان‌ها را نمی‌آفریدیم » بیان یک واقعیت است نه مبالغه گوئی ، منتها او شاهکار هدف آفرینش است و صالحان دیگر هرکدام بخشی از این هدف بزرگ را تشکیل می‌دهند .

از مجموع آنچه در این فصل تحت پنج عنوان گفته شد ، چنین نتیجه می‌گیریم :

آنها که دور نشسته‌اند و وجود امام را در عصر غیبت یک وجود شخصی و بدون

﴿ ۵۳ ﴾

بازده اجتماعی دانسته‌اند و به عقیده شیعه در این زمینه تاخت و تاز کرده‌اند که وجود چنین امامی چه نفعی در مقام رهبری و امامت خلق می‌تواند داشته باشد ، آن‌چنان که آنها گفته‌اند نیست و آثار وجودی او در این حال نیز فراوان است .

چگونگی قیام حضرت مهدی علیه السلام

می‌دانیم شرط مهم پیروزی بر دشمن برتری نیروهاست؛ این نیروها تنها شامل نیروهای نظامی نمی‌شود؛ بلکه برتری از نظر قدرت روحی و ایمان به هدف و استحکام پایه‌های اقتصادی و اجتماعی، همه در این برتری شکل می‌گیرند شکل می‌گیرند و نقش اساسی دارند. و اگر جامعه‌ای شکست خورده و در زنجیر اسارت باقیمانده، دلیلی جز غفلت از

(۵۴) «

تلاش و کوشش در زمینه فراهم ساختن این عوامل پیروزی و یا اشتباه در محاسبه نیروها ندارد. با در نظر گرفتن اصل اساسی بالا، پرسش‌هایی پیرامون قیام مصلح بزرگ جهانی پیش می‌آید:

۱- برای تحقق یافتن عدالت جهانی و پیروزی ارتش طرفداران حق و عدالت بر یغماگران و زورگویان و خودکامگان و جباران، آیا رهبر این نهضت بزرگ از سلاح‌های سنتی اعصار پیشین استفاده می‌کند (از اسلحه سرد)، در این صورت چگونه می‌تواند این روش پیکار را به دیگران بقبولاند و چنین سلاحی در برابر سلاح‌های پیشرفته و وحشتناک عصر ما که به حکم یک بازیچه کوچک است، چگونه می‌تواند ضامن پیروزی گردد؟

(۵۵) «

یا با سلاحی مدرن‌تر از آنچه امروز در اختیار پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی است دست به مبارزه می‌زند؟ این سلاح چگونه و به چه وسیله در اختیار او و طرفدارانش قرار خواهد گرفت؟

۲- از این گذشته، در روایات اسلامی می‌خوانیم:

«او با شمشیر قیام می‌کند» و این تعبیر نشان می‌دهد که احتمال اول یعنی بهره‌گیری از سلاح‌های سنتی به حقیقت نزدیک‌تر است و با این حال اشکال گذشته بازمی‌گردد که:

چگونه می‌توان سلاح‌های مدرن را به کلی از کار انداخت و به عصر سلاح سرد بازگشت؟

آیا دنیای امروز در یک جنگ اتمی - آن‌چنان که بعضی از دانشمندان پیش‌بینی

(۵۶) «

کرده‌اند - احتمالاً طوری درهم کوبیده می‌شود که چاره‌ای جز بازگشت به گذشته ندارد و سپس او قیام خواهد کرد؟

آیا این احتمال قابل قبول است؟

۳- باز سؤال دیگری پیش می‌آید که اصولاً و به طور کلی، در عصر برتری نور بر ظلمت و عدالت بر بیدادگری، آیا ماشینیزم مدرن با این همه وسائل رفاه و آسایشی که برای بشریت فراهم ساخته از میان می‌رود و انسان‌ها به چندین قرن پیش بازگشت می‌کنند؟

این ارتجاع و عقب‌گرد باور کردنی است؟

و یا به عکس، نه تنها می‌ماند، بلکه با سرعت تکامل می‌یابد، تکاملی که توأم با پیشگیری از جنبه منفی زندگی ماشینی و خطرناک ناشی از آن خواهد بود؟ و به تعبیر دیگر، ماشینیزم هم «تکامل» می‌یابد و هم «تصفیه» می‌شود!

(۵۷) «

برای یافتن پاسخ این سؤال‌ها هم از منابع حدیث می‌توان کمک گرفت و هم از دلائل عقلی چراکه به هر دو ارتباط و پیوند دارد.

عقل می گوید :

بازگشت به عقب نه ممکن است و نه منطقی و این برخلاف سنت آفرینش و اصل تکامل در زندگی انسان‌ها است ؛ بنابراین ، هیچ دلیلی وجود ندارد که با جهش جامعه انسانی به سوی حق و عدالت ، ترقی و پیشرفت جامعه متوقف گردد و یا عقب‌نشینی کند ، عقب‌گرد و گذشته‌گرایی با چنان پیشرفت و جهشی متناسب نیست .

بنابراین ، قیام یک مصلح بزرگ برای استقرار عدل و آزادی در سراسر جهان هیچ‌گاه سبب نمی‌شود که جنبش صنعتی و ماشینی در شکل سالم و مفیدش برچیده یا متوقف شود .

« (۵۸) »

صنایع کنونی نه تنها بسیاری از گره‌ها را از زندگی انسان‌ها گشوده‌اند ، بلکه یکی از پایه‌های استقرار حکومت واحد جهانی ، نزدیکی و به هم پیوستگی دنیا از نظر وسایل ارتباطی و پیوندهای اجتماعی است و این موضوع بدون تکامل صنعتی ممکن نیست .

ولی شک نیست این جنبش صنعتی و تکامل تکنولوژی الزاما باید از یک صافی دقیق بگذرد تا جنبه‌های ناسالم و زیانبخش آن حذف گردد و سرانجام در مسیر منافع انسان‌ها و صلح و عدالت بسیج شود ؛ یک حکومت طرفدار حق و عدالت این کار را حتما خواهد کرد .

این در مورد اصل پیشرفت صنعت و تکنولوژی .

اما در مورد سلاح‌ها باید گفت :

« (۵۹) »

برای استقرار چنان حکومتی باید حکومت‌های خودکامه و بیدادگر از صحنه جهان خارج شوند ؛ و برای خارج کردن آنها ، لااقل در شرایط کنونی یک «سلاح برتر» لازم است ؛ سلاحی که شاید حتی تصورش امروز برای ما ممکن نیست .

آیا این سلاح چیزی همانند یک «اشعه مجهول و مرموز» است که کاربردش ماورای همه سلاح‌های کنونی است و می‌تواند همه آنها را خنثی کند و نقشه استفاده ابرقدرت‌ها را از آن عقیم بگذارد ؟

یا یک نوع تأثیر مرموز روانی و از کار انداختن دستگاه‌های فکری آنها حتی از راه‌های دور است که نتوانند هیچ‌گونه فکری برای استفاده از سلاح‌های مخرب کنونی بکنند ؟

و یا چیزی از قبیل احساس یک نوع ترس و وحشت فوق‌العاده که مانع هرگونه

« (۶۰) »

تصمیم‌گیری در این زمینه شود ؟

و یا چیز دیگر ...

نمی‌دانیم و نمی‌توانیم نوع این سلاح را نه از نظر مادی یا روانی بودن و نه از جهات دیگر تعیین کنیم ؛ همین اندازه اجمالاً می‌توانیم بگوئیم یک سلاح برتر خواهد بود .

و نیز می‌دانیم آن سلاح ، سلاحی نیست که گناهکار و بیگناه را با هم نابود کند و پایه‌های عدالت آینده ، بر ظلم و ستم امروز بگذارد .

این از نظر تجزیه و تحلیل عقلی .

و اما از نظر منابع حدیث

(۶۱) (۱)

در منابع حدیث تعبیرات جالبی دیده می‌شود که به طور ضمنی پاسخ رسا و روشنی برای سؤالات فوق دربردارد؛ از جمله:

۱- از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ مِنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ؛ (۱) هنگامی که قائم ماقیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی‌نیاز می‌شوند!».

از این تعبیر چنین برمی‌آید که مسأله نور و انرژی آن‌چنان حل می‌شود که در روز و شب از پرقدرت‌ترین نورها که می‌تواند جانشین نور آفتاب گردد، بهره‌گیری می‌کنند.

۱- بحار الانوار، جلد ۱۳، چاپ قدیم، صفحه ۱۷۶.

(۶۲) (۱)

آیا باز باید به این موضوع شکل اعجاز دهیم در حالی که برنامه زندگی روزمره - آن هم به طور مستمر - باید بر سنن طبیعی دور بزند، نه بر اعجاز؛ که اعجاز یک امر استثنایی و برای موارد ضروری و فوق‌العاده است آن هم در مسیر اثبات حقایق دعوت نبوت یا امامت.

و به هر حال، در عصر هیچ پیامبری زندگی عادی مردم بر اساس اعجاز جریان نداشته است؛ بنابراین، تکامل علوم و صنایع به حدی خواهد رسید که مردم با رهبری آن رهبر بزرگ قادر به کشف منبع نور و انرژی فوق‌العاده‌ای که حتی می‌تواند جانشین نور خورشید گردد، می‌شوند.

و آیا در چنین اوضاع و شرایطی سلاح مردم برای تأمین صلح و آزادی و عدالت می‌تواند از نوع سلاح‌های قرون پیشین باشد و اصولاً تناسبی در میان این دو وجود دارد؟

(۶۳) (۱)

۲- در حدیث دیگری از ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل شده:

«إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلُّ مُنْحَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفَضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ، فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يَبْصُرْهَا (۱)؛ هنگامی که کارها به صاحب اصلی ولایت (مهدی علیه‌السلام) برسد خداوند هر نقطه فرو رفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد آن‌چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود! کدامیک از شما اگر در کف دستش مویی باشد آن را نمی‌بیند!».

امروز با نصب وسائل فرستنده بر فراز کوه‌ها، کمک به انتقال تصویرها به نقاط مختلفی از جهان می‌کنند و حتی از ماهواره‌ها نیز استفاده کرده مناطق وسیع تری را

۱- بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۲۸.

(۶۴) (۱)

زیر پوشش انتقال تصویر قرار می‌دهند؛ تا همه کسانی که دستگاه‌های گیرنده در اختیار دارند بتوانند از آن استفاده کنند.

ولی عکس این موضوع لاقبل در حال حاضر عملی نیست؛ یعنی، تصویرها را از یک نقطه به نقاط مختلف جهان می‌توان منتقل ساخت ولی از همه نقاط نمی‌توان به یک نقطه انتقال داد مگر اینکه در هر شهر بلکه در هر خانه و در هر بیابان و کوه و صحرا و در هر گوشه‌ای از دنیا دستگاه‌های مجهز فرستنده نصب گردد، تا بتوان از همه جهان آگاه شد و چنین چیزی با وسائل کنونی غیرممکن است.

امّا از حدیث فوق چنین برمی آید که در عصر قیام مهدی علیه‌السلام یک سیستم نیرومند و مجهز برای انتقال تصویرها به وجود می آید که شاید تصوّر آن هم امروز برای ما مشکل باشد، آن‌چنان که تمام جهان به منزله کف دست خواهد بود؛ نه موانع مرتفع و

﴿ (۶۵) ﴾

نه گودی زمین‌ها؛ مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد شد! بدیهی است بدون یک چنین سلطه اطلاعاتی بر تمام کره زمین، حکومت واحد جهانی و صلح و امتیّت و عدالت، به گونه همه‌جانبه و سریع و جدّی، امکان‌پذیر نخواهد بود؛ و خداوند این وسیله را در اختیار او و تشکیلات حکومتش قرار می‌دهد. باز تکرار و تأکید می‌کنم که این گونه امور که با زندگی روزمره مردم سر و کار دارد بسیار بعید است که بر پایه اعجاز صورت گیرد بلکه باید از طرق اسباب عادی و طبعاً بر اساس پیشرفت علم و صنعت باشد. این نیز روشن است که این واحد اطلاعاتی پیشرفته، نمی‌تواند در یک جامعه ظاهراً عقب‌افتاده بود باشد بلکه به موازات آن باید سایر بخش‌های زندگی نیز به همان نسبت پیشرفته باشد، در همه زمینه‌ها و در همه شؤون و حتّی نوع سلاح‌ها.

﴿ (۶۶) ﴾

۳- از امام باقر علیه‌السلام نقل شده که فرمود:

« دُخِرَ لِصَاحِبِكُمْ الصَّعْبُ !

قُلْتُ : وَ مَا الصَّعْبُ ؟

قَالَ : مَا كَانَ مِنْ سَحَابٍ فِيهِ رَعْدٌ وَ صَاعِقَةٌ أَوْ بَرْقٌ ، فَصَاحِبِكُمْ يَرْكَبُهُ ، أَمَا أَنَّهُ سَيَرْكَبُ السَّحَابَ وَ يَرْقَى فِي الْأَسْبَابِ ؛ أَسْبَابِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَالْأَرْضِينَ ! (۱) برای صاحب و دوست شما (مهدی علیه‌السلام) آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی این حدیث می‌گوید: گفتم منظور از وسیله سرکش چیست؟

۱- بحارالانوار، جلد ۱۲، صفحه ۱۸۲.

﴿ (۶۷) ﴾

امام علیه‌السلام فرمود:

ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است؛ او بر این وسیله سوار می‌شود؛ آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌گردد و صعود به آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه می‌کند.

مسلماً منظور از ابر، این ابر معمولی نیست؛ زیرا ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد؛ آنها در جو نزدیک زمین در حرکتند و با زمین فاصله ناچیزی دارند و نمی‌توانند از آن بالاتر بروند؛ بلکه اشاره به وسیله فوق‌العاده سریع‌السیری است که در آسمان به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد، غرّشی همانند رعد و قدرت و شدّتی همچون صاعقه و برق دارد؛ و به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق‌العاده خود می‌شکافد؛ و همچنان به

﴿ (۶۸) ﴾

پیش می‌رود و می‌تواند به هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند.

و به ترتیب، یک وسیله مافوق مدرن است که شبیه آن‌را در وسایل کنونی نداریم؛ تنها در میان بشقابهای پرنده و وسایل سریع و سرسام آور فضایی که امروز داستانهایی از آنها بر سر زبانهاست و نمی‌دانیم تا چه حد جنبه واقعی و علمی دارد، شاید شباهت داشته باشد؛ ولی به هر صورت بشقاب پرنده هم نیست. به هر حال از حدیث بالا بطور اجمال می‌توان دریافت که موضوع عقب‌گرد صنعتی در کار نیست، بلکه بعکس سخن از پیشرفت خارق‌العاده‌ای در میان است که به موازات آن باید تکامل در همه زمینه‌ها

صورت گیرد .

۴ - حدیث عجیب دیگری که از جابر از امام باقر علیه‌السلام نقل شده چنین می‌گوید: «إِنَّمَا سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ خَفِيِّ؛ حَتَّى أَنَّهُ يَبْعَثُ إِلَى رَجُلٍ لَا» (۶۹) (۱)

یَعْلَمُ النَّاسُ لَهُ ذَنْبًا فَيَقْتُلُهُ حَتَّى أَنْ أَحَدِكُمْ يَتَكَلَّمُ فِي بَيْتِهِ فَيَخَافُ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْهِ الْجِدَارُ؛ به این جهت او مهدی نامیده شده است که به امور مخفی و پنهان هدایت می‌گردد؛ تا آنجا که گاه به سراغ کسی می‌فرستد که مردم او را بی‌گناه می‌دانند و او را به قتل می‌رساند (زیرا از گناه نهایی او همانند قتل نفس که موجب قصاص می‌شود آگاه است!) و تا آنجا که بعضی از مردم هنگامی که درون خانه خود سخن می‌گویند می‌ترسند دیوار بر ضد آنها شهادت دهد (و از خلافت‌کاریها و توطئه آنان، حکومت مهدی را با خبر سازد!) این حدیث نیز گواه بر آن است که در دوران حکومت او در حالی که نیکان و پاکان در نهایت آزادی به سر می‌برند، خلافت‌کاران چنان تحت کنترل هستند که ممکن است با وسایل پیشرفته‌ای امواج صوتی آنها از دیوار خانه‌هایشان باز گرفته شود و به هنگام لزوم می‌توان فهمید که آنها در درون (۷۰) (۱)

خانه چه گفته‌اند! این سخن شاید در یکصد سال پیش جز به عنوان یک معجزه قابل تصور نبود، اما امروز که می‌بینیم در بسیاری از کشورها چگونگی حرکت اتومبیلها را در جاده‌ها با دستگاه رادار از راه دور و بدون حضور پلیس کنترل می‌کنند؛ و یا می‌شنویم دانشمندان توانسته‌اند از امواجی که بر بدنه کوزه‌هایی که در پاره‌ای از کوزه‌های مصر وجود دارد صدای کوزه گران دو هزار سال پیش را زنده کنند و یا می‌شنویم که دستگاه‌هایی وجود دارند که از طریق امواج حرارتی (امواج مادون قرمز) که از یک دزد یا یک قاتل در محلی باقیمانده و خودش تازه از آنجا گریخته عکسبرداری کنند و او را از روی آن بشناسند؛ زیاد شگفت آور نیست. از مجموع آنچه در بالا آوردیم پاسخ‌سؤالات گذشته روشن می‌گردد که در عصر انقلاب جهانی مهدی علیه‌السلام نه فقط مسئله عقب‌گرد صنعتی وجود ندارد بلکه صنایع و تکنولوژی (۷۱) (۱)

به طرز بی‌سابقه‌ای گسترش می‌یابد ولی تنها در مسیر منافع انسانها و تحقق بخشیدن به آرمان حق‌طلبان و آزادی‌خواهان و تشنگان حق و عدالت .

مفهوم شمشیر

تنها این سؤال باقی می‌ماند که پس از این همه تعبیرات مربوط به «قیام به شمشیر» در مورد مهدی علیه‌السلام چه مفهومی دارد؟ حتی در دعا‌هایی که درس آمادگی برای شرکت در این جهاد آزادی بخش بزرگ می‌دهد انتظار آن روز را می‌کشیم که با شمشیر کشیده «شاهرا سیفه» در صفوف این مجاهدین قرار گیریم .
امّا حقیقت این است که «شمشیر» همیشه کنایه از قدرت و نیروی نظامی بوده و هست همانگونه که «قلم» کنایه از علم و فرهنگ است . شک نیست که حتی در (۷۲) (۱)

میدان جنگ‌های سنتی پیشین سلاحهای مختلفی جز شمشیر به کار می‌رفته ، همچون تیرونیزه و خنجر، ولی همواره می‌گویند اگر در برابر فلان موضوع سر تسلیم فرود نیارید «حواله شما با شمشیر است» یا گفته می‌شد «به زور شمشیر حق خود را می‌گیریم» .
یا از قدیم معروف بوده «کشور با دو چیز اداره می‌شود، قلم و شمشیر» و همه اینها جنبه سمبولیک دارد و مفهوم آن تکیه بر قدرت

و استفاده از نیروی نظامی است. ضرب المثل‌های زیادی امروز در این زمینه در دست است؛ می‌گویند: «فلان کس شمشیر را از روی بسته! یعنی، آشکارا قدرت‌نمایی می‌کند.» «شمشیر میان ما و شما حکومت خواهد کرد!» اشاره به این که جز از راه جنگ مسأله حل نمی‌شود. «شمشیرها را غلاف نمی‌کنیم تا به هدفمان برسیم!» کنایه از اینکه مبارزه را تا آخر ادامه خواهیم داد.

« (۷۳) »

«فلان کس شمشیرش را غلاف کرده!» یعنی، از دو سو مبارزه می‌کند. در تمام این تعبیرات شمشیر کنایه از قدرت و مبارزه است؛ در روایات اسلامی نیز می‌خوانیم: *الْجَنَّةُ تَحْتَ ظِلَالِ السُّيُوفِ*؛ بهشت در سایه شمشیرهاست. *السُّيُوفُ مَقَالِيدُ الْجَنَّةِ*؛ شمشیرها کلیدهای بهشتند! همه اینها اشاره از جهاد و جانبازی و استفاده از قدرت است؛ و این تعبیرات سمبولیک از «شمشیر» یا «قلم» در زبانهای مختلف فراوان است.

از اینجا روشن می‌شود که منظور از قیام مهدی علیه‌السلام به سیف، همان اتکای بر قدرت است؛ برای اینکه چنین گمان نشود که این مصلح بزرگ آسمانی به شکل یک معلم، یا یک واعظ، و یا راهنمای مسائل اجتماعی ظاهر می‌شود و رسالت او تنها اندرز دادن مردم است.

« (۷۴) »

بلکه او یک رهبر دورنگر و دور اندیشی است که نخست حربه منطق بهره‌گیری می‌کند، و آنجا که گفتار حق سودی نبخشد که در مورد بسیاری از زور گویان و جباران سودی هم نخواهد داد، دست به شمشیر می‌کند؛ یعنی، متوسل به قدرت می‌شود و ستمکاران را بر سر جای خودشان می‌نشانند؛ یا در صورت لزوم، وجود کثیفشان را از سر راه برمی‌دارد؛ و شک نیست که برای اصلاح گروهی از مردم جز این راهی نیست که گفته‌اند:

«الْإِنْسَانُ لَا يُقِيمُهُمْ إِلَّا السَّيْفُ»؛ کار مردم جز با شمشیر راست نشود!

و به تعبیر دیگر، او تنها وظیفه‌اش روشنگری و ارائه راه نیست بلکه وظیفه مهمترش - علاوه بر این - اجرای قوانین الهی و به ثمر رساندن انقلاب تکاملی اسلام و رساندن به مقصد و ایصال به مطلوب است.

« (۷۵) »

گر چه از گفتار بالا- این نکته نیز روشن شد، ولی تصریح به آن لازم به نظر می‌رسد که بر خلاف پندار بعضی کوتاه فکران که چنین می‌پندارند او به هنگام قیامش بی‌مقدمه دست به سلاح می‌برد و طبق آن افسانه دروغین «آنقدر خون می‌ریزد که خون به رکابش می‌رسد!» نخست از طریق رهبری فکری و روشنگری در همه زمینه‌ها، می‌پردازد.

به تعبیر رسای مذهبی «اتمام حجّت» می‌کند آنچنان که هر کس کمترین آمادگی برای پذیرا شدن منطقی آئین حق داشته باشد روشن شود و تنها کسانی باقی بمانند که جز از طریق توسل به زور و خشونت اصلاح‌پذیر نیستند.

از قرائن روشن بر این موضوع - گذشته از این که دلیلش با خود آن است - اینکه می‌دانیم روش او روش پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله است؛ او سیزده سال تمام در مکه به دعوت

« (۷۶) »

پنهان و آشکار مشغول بود و آنها که پذیرای حق بودند گرد او را گرفتند؛ ولی گردنکشان یاغی و زورمند که اکثریت توده نادان را به دنبال خود می‌کشاندند در برابرش بیاخاستند و او بناچار به مدینه آمد و با تشکیل حکومت اسلامی و فراهم ساختن قدرت، در برابر آنها ایستاد و راه خود به سوی یک دعوت عمومی گشود. گرچه در زمینه دعوت اسلام نیز سمپاشی زیاد شده که آئین شمشیر است ولی بهترین سندی که امروز در برابر آنها در دست است و خوشبختانه نتوانسته‌اند آن را پوشانند یا از میان ببرند همین قرآن است. اگر چهره اسلام یک چهره توسل به خشونت و زور بود در قرآن برای اثبات حقایق اینهمه استدلال نمی‌باشد؛ اینهمه

در موضوع خدانشناسی و معاد دو اصل اساسی تکیه روی دلایل گوناگون نمی‌شد؛ اینهمه متفکران و صاحبان عقل و اندیشه را به داوری نمی‌طلبید؛ اینهمه سخن از علم و

« (۷۷) »

دانش نمی‌گفت؛ یک رژیم خشن نظامی استدلال نمی‌فهمد. و حتی به هنگام توسل به زور نیز موضوع خود را با دلایل منطقی به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر مشخص می‌سازد. به هر حال او در این روش همانند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله عمل می‌کند، به اضافه این در عصر او سطح افکار عمومی بالاتر آمده و توسل به منطق ضرورت بیشتری دارد همان گونه که در برابر خشونت روز افزون گردنکشان زورگو، خشونت لازم است.

مسئله انقلاب او در پاره‌ای از قسمت‌ها یک انقلاب خونین خواهد بود، و خونهای کثیف کالبد جامعه بشری با تیغ او بیرون خواهد ریخت و در هیچ جامعه فاسدی جز از این راه اصلاحات بنیادی مایه نخواهد گرفت؛ ولی مفهوم این سخن آن نیست که او بی حساب خون می‌ریزد و بی دلیل می‌کشد؛ درست همانند طبیعی است که در خون گرفتن از کالبد بیمار نهایت دقت را به عمل می‌آورد!

« (۷۸) »

سه دوران

سه دوران مشخص در مورد انقلابی بزرگ تاریخ بشر، مهدی علیه‌السلام وجود دارد:

۱- دوران آمادگی و انتظار و نشانه‌های ظهور

۲- دوران تحقق انقلاب و مبارزه با ظلم و فساد

۳- دوران حکومت حق و عدالت

درباره دوران اول و دوم تاکنون سخن بسیار گفته‌ایم؛ و اکنون نوبت بحث پیرامون دوران سوم است که نتیجه این انقلاب وسیع و همه جانبه است و علی‌رغم اهمیتی که این موضوع دارد کمتر روی آن بحث شده است.

به هر حال تصوّر این‌گونه:

« (۷۹) »

جهانی به وجود آید خالی از تبعیض‌ها و اختلاف‌های طبقاتی و صف‌بندی‌های مفسده‌آفرین؛
 خالی از جدائی‌ها و پراکندگی‌ها؛
 خالی از جنگ و خونریزی و تجاوز؛
 و خالی از خنده‌های مستانه‌استعمارگران و ناله‌های محرومان به زنجیر کشیده شده؛
 راستی چه دل‌انگیز و آرامبخش و نشاط‌آفرین است!

ولی مسلماً همانقدر که ترسیم چنین جهانی در افق خیال آسان است، از نظر عمل فوق‌العاده مشکل و طاقت فرساست، ولی به هر صورت بشریت ناگزیر است چنین راهی را بیامد و به آن واقعیت عینی دهد که در غیر این صورت راهی جز تباهی و نابودی ندارد. خطوط اصلی نظامات چنین جامعه‌ای در روایات اسلامی با اشاراتی

« (۸۰) »

کوتاه و پر معنی ترسیم شده و با این که عباراتی است که از سیزده یا دوازده قرن پیش به دست ما رسید، کاملاً زنده و تازه است. و در این جا به چند قسمت حساس آن اشاره می‌کنیم:

پیشرفت برق آسای علوم در عصر مهدی علیه السلام

هیچ برنامه انقلابی بدون یک جهش فکری و فرهنگی، پایا و پویا نخواهد بود و رشد و تکامل لازم را نخواهد یافت؛ لذا، بدون شک نخستین گام در تحقق بخشیدن به چنین هدفی، اقدام به یک انقلاب فرهنگی است که افکار را از دو سو به حرکت در آورد:

از طرفی در زمینه علوم و دانشهایی که مورد نیاز یک جامعه آباد و آزاد و سالم است
(۸۱) (۱)

(این از نظر مادی و رو بنائی).

و از سوی دیگر، در زمینه آگاهی به اصول یک زندگی صحیح انسانی آمیخته با ایمان در جهت معنوی و زیر بنائی.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین می خوانیم:

«الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ ، فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ حَرْفًا ؛ فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ ، حَتَّى يُبْثَّهَا سَبْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا ؛

علم و دانش بیست و هفت حرف (بیست و هفت شعبه و شاخه) است؛ تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف

(۸۲) (۱)

را نشناخته اند، اما هنگامی که قائم ما قیام کند بیست و پنج حرف (بیست و پنج شاخه و شعبه) دیگر را آشکار می سازد؛ و در میان مردم منتشر می سازد؛ و دو حرف را به آن ضمیمه می کند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد.»
این حدیث به روشنی جهش فوق العاده علمی عصر انقلاب مهدی علیه السلام را مشخص می سازد که تحوّل به میزان بیش از ۱۲ برابر نسبت به تمام علوم و دانشهایی که در عصر همه پیامبران راستین به بشریت اعطا شد، پیش می آید؛ و درهای همه رشته‌ها و همه شاخه‌های علوم مفید و سازنده به روی انسانها گشوده می شود و راهی را که بشر طی هزاران سال پیموده به میزان ۱۲ برابر در دوران کوتاهی می پیماید؛

چه جهشی از این بالاتر و سریعتر!

حدیث دیگری که از امام باقر علیه السلام نقل شده، معنی حدیث فوق را تکمیل
(۸۳) (۱)

می کند، آنجا که می گوید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ ، فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَخْلَاقَهُمْ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می کند.»

و به این گونه در پرتو ارشاد و هدایت و مهدی علیه السلام و در زیر دست عنایت او مغزها در مسیر کمال به حرکت درمی آیند؛ و اندیشه‌ها شکوفان می گردند و تمام کوته بینی‌ها و تنگ نظری‌ها و افکار پست و کوتاه که سرچشمه بسیاری از تضادها و تراحمها و برخوردهای خشونت آمیز اجتماعی است برطرف می گردد.

مردمی بلندنظر، با افکاری باز و سینه‌هایی گشاده و همّتی والا و بینشی وسیع، پرورش می یابند که بسیاری از مشکلات اجتماعی را در روح خود حلّ می کنند و

(۸۴) «

جهانی از صلح و صفا می‌سازند .

و امروز نیز هر گونه اصلاح اجتماعی ، در هر مقیاسی ، بستگی به این دگرگونی فکری و انقلاب روحی دارد .

پیشرفت خارق العاده صنایع در آن عصر

احادیث جالب و گویایی که تحت شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ در بحث گذشته تحت عنوان « راه پیروزی ...» آوردیم نشان می‌دهد که این جهش علمی ، صنایع و تکنولوژی را نیز در مقیاس وسیعی شامل می‌گردد. وسایل اطلاعاتی آنقدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را همچون کف دست آشکار می‌سازد ؛ و به حکومت مرکزی تسلط کامل بر اوضاع جهان می‌بخشد تا به موقع و بدون فوت وقت برای حلّ

(۸۵) «

مشکلات جهانی بکوشد؛ و هر گونه فساد را (عمدی و غیر عمد) در نطفه خفه سازد.

مسأله انرژی و نور آنچنان حل می‌شود که حتی نیاز به انرژی خورشیدی که بازگشت همه انرژی‌ها (جز انرژی اتمی) به آن است ، نیست .

و این شاید در پرتو یک سیستم تکامل یافته انرژی اتمی - با تصفیه کامل از تشعشعات زیانبار کنونی که در حال حاضر بزرگترین مشکل استفاده از این انرژی را تشکیل می‌دهد - خواهد بود .

وسایل سریع السیری که با وسایل کنونی قابل مقایسه نیست ، نه فقط برای دورزدن کره زمین در یک زمان کوتاه بلکه برای مسافرت‌های دور دست فضایی در اختیار آن حکومت قرار می‌گیرد .

و این نیز کمک به اهداف اصلاحی این حکومت می‌کند .

(۸۶) «

در حدیث دیگری از امام صادق علیه‌السلام چنین آمده است :

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّاللَّهُ بِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ ؛ هَنَاقِي مَا قِيَامُ كُنْدُ خَدَاوَنَدِ أَنْجَانِ كُوشِ وَچشم شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنها و قائم (رهبر و پیشوایشان) نامه رسان نخواهد بود ؛ با آنها سخن می‌گویند و سخنش را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که در مکان خویش است (و آنها در نقاط دیگر جهان!)» .

یعنی وسائل انتقال «صدا» و «تصویر» بطور همگانی و ساده و آسان در اختیار همه پیروان او قرار می‌گیرد آنچنان که چیزی به نام اداره‌پست در عصر حکومت او شبی زائد محسوب می‌گردد ! و مسائل جاری این حکومت ، بدون نیاز به کاغذ بازی

(۸۷) «

- آنچنان که راه و رسم دنیای امروز است و شاید نیمی از وقت و نیروی انسانی را تلف کرده و گردش همه کارها را کند می‌سازد و رسیدن حق را به حق داران به تأخیر می‌اندازد - حلّ و فصل می‌شود . همه دستورها و برنامه‌ها با سیستم «شهود و حضور» ابلاغ و اجرا می‌گردد . و چه عالی است چنین طرحی برای اداره جامعه‌های انسانی و حذف برنامه‌های زائد و دست و پا گیر و وقت تلف کن !

حدیث گویای دیگری که در این زمینه از امام صادق علیه‌السلام نقل شده این موضوع را به نحو بارزی تکمیل می‌کند ؛ آنجا که فرمود :

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ قَائِمٍ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ سَيَّرِي آحَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ ؛ وَكَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرِي آحَاهُ الَّذِي بِالْمَشْرِقِ ؛ مؤمن در

زمان قائم در حالی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می‌بیند؛ همچنین کسی که در غرب است برادرش را در شرق می‌بیند!». (۸۸)

ارتباط مستقیم نه تنها در سطح حکومت بلکه در سطح عموم عملی می‌شود؛ و پیوندهای ظاهری و جسمانی، پیوندهای معنوی دلها را استحکام می‌بخشد؛ آن گونه که جهان را به راستی به شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده خواهند بود! به این ترتیب، علم و دانش و صنعت در اختیار بهسازی وضع جهان و تحکیم پایه‌های اخوت و برادری - و نه در راه ویرانگری - قرار خواهد گرفت.

پیشرفت عظیم اقتصادی و عدالت اجتماعی

زمینی که در آن زندگی می‌کنیم امکانات فراوانی برای زندگی ما و نسلهای آینده و جمعیت‌های بسیار زیادتر از جمعیت کنونی ما دارد؛ اما عدم آگاهی کافی به منابع (۸۹)

موجود و منابع بالقوه زمین از یک سو و عدم وجود یک نظام صحیح برای تقسیم ثروت زمین از سوی دیگر، سبب احساس کمبود از جنبه‌های مختلف شده است؛ تا آنجا که در عصر ما همه روزه گروهی از انسانهای مفلوک از گرسنگی می‌میرند. نظام حاکم بر اقتصاد جهان امروز که یک نظام استعماری است در کتاب خود یک نظام جنگی ظالمانه را پرورش می‌دهد که قسمت مهمی از نیروهای فکری و انسانی را که می‌بایست بطور مداوم و پویا در جستجوی منابع جدید برای بهسازی زندگی انسانها به تلاش برخیزند؛ می‌بلعد و نابود می‌کند. اما به هنگامی که این نظام و نظام جنبی آن دگرگون شود، نیروها برای استخراج منابع بی‌شمار زمین به کار می‌رود و علم و دانش پیشرو در اختیار این برنامه قرار می‌گیرد و بسرعت منابع تازه‌ای کشف می‌گردد و شکوفائی خاصی به اقتصاد بشریت می‌بخشد. لذا در روایات مربوط به حکومت آن (۹۰)

مصلح بزرگ اشارات پر معنایی به این توسعه اقتصادی دیده می‌شود که از هر گونه توضیح بی‌نیاز است. از جمله در حدیثی چنین می‌خوانیم: «إِنَّهُ يُبَلِّغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ؛ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ؛ وَ لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا يُعَمَّرُهُ؛ حُكُومَتُ أَوْ شَرْقٍ وَ غَرْبٍ جِهَانَ رَا فَرَا خَوَاهِدْ كَرَفَتْ؛ وَ كُنْجِيْنَهَائِ زَمِيْنِ بَرَايِ أَوْ ظَاهِرِ مِيْ كَرَدَدِ وَ دَر سِرْتَا سِر جِهَانَ جَايِ وَ يِرَانِي بَا قِي نَخَوَاهِدْ مَانَد مَكْرَ اِيْنِ كِهْ اَن رَا اَبَادْ خَوَاهِدْ سَاخْت!». (۹۱)

و به راستی باید چنین شود زیرا ویرانیهای زمین نه بخاطر کمبود نیروی انسانی است و نه کمبود مالی، بلکه مولود ویرانگری انسانها و صرف بیهوده منابع مالی و انسانی و عدم احساس مسئولیت است؛ و هنگامی که اینها در پناه یک نظام صحیح اجتماعی برطرف گردد، این آبادی حتمی است؛ بخصوص که از پشتوانه منابع جدید (۹۱)

فوق العاده‌ای نیز برخوردار خواهد بود. در حدیث جالب دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ: حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ اَرْتَفَعَ الْجَوْرُ فِيْ اَيَّامِهِ وَ اَمِنَتْ بِه السُّبُلُ وَ اَخْرَجَتْ اِلَى الْاَرْضِ بَرَكَاتِهَا وَ رَدَّتْ كُلَّ حَقٍّ اِلَى اَهْلِهِ ... وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حُكْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَحَيَّنِيذٍ تَظْهَرُ الْاَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبَدِي بَرَكَاتِهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمِيذٍ مَوْضِعًا لِمُصَدَّقَتِهِ وَ لَا لِبُرِّهِ لِمُؤْمِلِ الْغِنَى جَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ...؛

هنگامی که قائم قیام کند: حکومت را بر اساس عدالت قرار می‌دهد.
و ظلم و جور در دوران او برچیده می‌شود. و جاده‌ها در پرتو وجودش
(۹۲) ﴿﴾

امن و امان می‌گردد.
زمین برکاتش را خارج می‌سازد.
و هر حقی به صاحبش می‌رسد.
در میان مردم همانند داود علیه‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله داوری می‌کند.
در این هنگام زمین گنج‌های خود را آشکار می‌سازد.
و برکات خود را ظاهر می‌کند.

و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد...!
تکیه روی ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج‌ها نشان می‌دهد که هم مسأله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می‌رسد
؛ و هم تمام منابع زیرزمینی
(۹۳) ﴿﴾

کشف و مورداستفاده قرار می‌گیرد و درآمد سرانه افراد آن قدر بالا می‌رود که در هیچ جامعه‌ای فقیری پیدا نمی‌شود و همه به
سر حدّ بی‌نیازی و خودکفایی می‌رسند.
و بی‌شک اجرای اصول عدل و داد و جذب نیروهای انسانی به مسیرهای سازنده، چنین اثری را خواهد داشت؛ زیرا همان‌گونه که
گرسنگی و فقر و نیازمندی بر اثر کمبودهای نیست بلکه نتیجه مستقیم و غیرمستقیم مظلوم و تبعیض‌ها و بیدادگری‌ها و تلف
شدن نیروها و هدر دادن سرمایه‌هاست!

در حدیث دیگری که در منابع اهل تسنن آمده است، از ابوسعید خدری چنین نقل شده:
قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

«أَبَشِّرْكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، يَرْضَى عَنْهُ سُكَّانُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحًا، فَقَالَ رَجُلٌ
مَا مَعْنَى
(۹۴) ﴿﴾

صِحَاحًا، قَالَ بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ؛ وَ يَمْلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غِنًى؛ وَ يَسِدُّهُمْ عَيْدُهُ، حَتَّى يَأْمُرَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَقُولُ مَنْ
لَهُ بِالْمَالِ حَاجَةٌ فَلْيَقُمْ فَمَا يَقُومُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا رَجُلٌ وَاحِدٌ (ثُمَّ يَأْمُرُهُ بِالْمَالِ فَيَأْخُذُ ثُمَّ يَنْدِمُ وَ يَرُدُّهُ)» (۱)؛
پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«شما را به ظهور مهدی علیه‌السلام بشارت می‌دهم؛ زمین را پر از عدالت می‌کند همان‌گونه که از جور و ستم پر شده است؛
ساکنان آسمان‌ها و ساکنان زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را به طور صحیح تقسیم می‌کند.

کسی پرسید: معنی تقسیم صحیح ثروت چیست؟

۱- نُورُ الْأَبْصَارِ فِي مَنَاقِبِ آلِ نَبِيِّ الْمُخْتَارِ، صفحه ۱۵۶ و ۱۵۷، چاپ مصر.
(۹۵) ﴿﴾

فرمود: به‌طور مساوی در میان مردم!
(سپس فرمود:)

و دل‌های پیروان محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را پر از بی‌نیازی می‌کند و عدالتش همه را فرامی‌گیرد؛ تا آنجا که دستور می‌دهد کسی با صدای بلند صدا زند هر کس نیاز مالی دارد برخیزد، هیچ کس - جز یک نفر بر نمی‌خیزد. (سپس در ذیل حدیث می‌خوانیم که امام دستور می‌دهد مال قابل ملاحظه‌ای به او بدهند، اما او به زودی بازمی‌گردد و پشیمان می‌شود که چرا آزمند و حریص بوده است). در تفسیر این حدیث به چند نکته باید توجه کرد:

۱- منظوران رضایت ساکنان آسمان از حکومت او، یا اشاره به فرشتگان آسمان و ملائکه مقرب پروردگار است؛ و یا اشاره به گسترش حکومت او بر کرات دیگر مسکونی (۹۶)»

و گشوده شدن راه آسمان‌ها و مسافرت‌های فضایی به نقاط دوردست جهان است.

۲- منظور از تقسیم عادلانه ثروت در شکل تقسیم مساوی - با توجه به این که می‌دانیم در اسلام که مهدی علیه‌السلام حافظ و مروج احکام آن است در برابر کار بیشتر و تلاش و لیاقت فزون‌تر، سرمایه بیشتری پرداخته می‌شود - یا اشاره به اموال بیت‌المال و اموال عمومی به طور کلی است که همگان در حکومت اسلامی در مقابل آن برابری دارند - چنانکه از سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام نقل شده، به عکس چیزی که درباره دوران بسیاری از خلفا همانند عثمان خوانده‌ایم که انواع تبعیض‌ها را روا می‌داشتند! و یا اشاره به این است که در شرایط مساوی، امتیازات و پاداش‌ها و اجرت‌ها مساوی به افراد داده می‌شود؛ به عکس آنچه در دنیای کنونی دیده می‌شود که یک کارگر در نقطه‌ای از جهان ممکن است ساعتی ده دلار مزد بگیرد اما کارگر (۹۷)»

دیگر با همان شرایط و کیفیت در مقابل کار ده ساعته خود حتی یک دلار هم نگیرد و این نهایت ظلم است که مزد افراد در شرایط برابر، کاملاً متفاوت باشد.

۳- نکته دیگر این که، از ذیل حدیث به خوبی استفاده می‌شود که در آن روز حتی یک نفر محتاج و نیازمند وجود ندارد، به دلیل این که آن یک نفر هم که برمی‌خیزد غنای روحی نداشته و گرفتار حرص و آز بوده و الاً از نظر مادی بی‌نیاز بوده است؛ و مهم این است که او تحت رهبری صحیح خود دل‌ها را مملو از غنای معنوی و روانی می‌کند؛ و این خلق و خوی زشت «حرص» را از سرزمین دل‌ها ریشه کن می‌سازد؛ همان حرصی که سرچشمه بسیاری از تلاش‌های بیهوده ثروت‌اندوزان تهی مغز است که با داشتن هزاران برابر سرمایه موردنیاز زندگی خود و فرزندان خویش، باز هم دست و پا بر جمع ثروت فزون‌تر می‌کند؛ گویی به بیماری استسقا گرفتارند که هر چه می‌نوشند باز هم سیراب نمی‌شوند.

(۹۸)»

یکی دیگر از عوامل، یا صحیح‌تر، از بهانه‌های جمع ثروت، که عدم اطمینان به وضع آینده است، در پرتو عدالت اجتماعی او به کلی از بین می‌رود و هیچ کس نیازی در خود به ثروت‌اندوزی نمی‌بیند؛ زیرا هم امروز و هم آینده او تأمین شده است.

باز در حدیث دیگری از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌خوانیم:

«... حَتَّى تَمْلَأَ الْأَرْضُ جَوْرًا فَلَا يَقْدِرُ أَحَدٌ يَقُولَ اللَّهُ! ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ رَجُلًا مِنِّي وَ مِنْ عِزَّتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَهَا مِنْ كَانَ قَبْلَهُ جَوْرًا وَ يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَادًا كَبِدْهَا وَ يَحْتَوِ الْمَالَ حَتَّى وَ لَا يَعُدُّهُ عَدًّا؛ (۱)

۱- امالی شیخ (طبق نقل منتخب الاثر، صفحه ۱۶۸).

(۹۹)»

زمانی فرامی‌رسد که زمین پر از ستم می‌شود و کسی نمی‌تواند (آشکارا) نام خدا را ببرد (و دم از حق و عدالت بزند)؛ سپس خداوند عز و جل مردی را از من و خاندان من، برمی‌انگیزد که زمین را پر از عدل می‌کند آن گونه که پیش از او، پر از ستمش

کرده‌اند و زمین قطعات کبک خود را برای او بیرون می‌فرستد و ثروت را بدون شماره و محاسبه در میان مردم پخش می‌کند (و هر کس به قدر نیازش از آن برمی‌گیرد...)» .

«أَفْلَاحٌ» جمع فِلْدٌ: به معنی قطعه و شعبه است؛ و أَفْلَاحٌ کَبِدٌ به اشیاء گران بها اطلاق می‌شود و در اینجا اشاره به منابع گران‌قیمت و پرارزش درون زمین است.

این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر فوق اشاره به این باشد که انسان دسترسی به هسته درونی گداخته زمین می‌یابد که یک پارچه آتش و حرارت است؛ و ممکن

(۱۰۰) ﴿﴾

است از آن به عنوان یک منبع مهم انرژی استفاده کرد؛ و نیز ممکن است منابع گران‌بهای از انواع فلزات از آن بتوان استخراج نمود؛ و با توجه به این که پوسته جامد زمین پوسته نسبتاً نازکی است و درون دل زمین جهانی از مواد گداخته و منابع گوناگون وجود دارد، دسترسی به چنین منبع عظیم و وسیعی می‌تواند فکر انسان را از جهات فراوانی راحت سازد.

رشد اخلاقی و تأمین نیازهای آینده به طور اطمینان‌بخش و فراوانی منابع درآمد و خلاصه جمع‌شدن غنای روحی و جسمی سبب می‌شود که حتی نیاز به شمارش اموال پیدانشود و هر نیازمندی نیاز خود را از بیت‌المال حکومتش بدون تشریفات زاید بگیرد. این‌ها همه از یک سو و از سوی دیگر:

اشاراتی در اخبار دیده می‌شود که نشان می‌دهد در عصر حکومت او شهرهای

(۱۰۱) ﴿﴾

بسیار وسیع و آباد، جاده‌های وسیع، مساجد بزرگ اما ساده و بدون زرق و برق و زینت ساخته خواهد شد؛ و نظارت کاملی بر طرز ساختمان خانه‌ها، به گونه‌ای که کمترین مزاحمتی برای مردم دیگر نداشته باشد، می‌کند:

۱- در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام می‌خوانیم:

«وَيَعْنِي فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ الْفُ بَابٍ وَيَتَّصِلُ بِيُوتِ الْكُوفَةِ نَهْرُ كَرْبَلَا وَبِالْحَيْرَةِ (۱)؛ در پشت کوفه مسجدی بنا می‌کند که یک‌هزار در دارد و خانه‌های کوفه به نهر کربلا و حیره می‌رسد!

و می‌دانیم فاصله میان این دو شهر هم‌اکنون بیش از ۷۰ کیلومتر است.

۲- از امام باقر علیه‌السلام می‌خوانیم:

۱- بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۰.

(۱۰۲) ﴿﴾

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ... يَكُونُ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جَمَاءً لَا شَرَفَ لَهَا كَمَا كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ يُوسِّعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ فَيَصِيرُ سِتِينَ ذِرَاعًا وَيُهْدِمُ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَيُسَدُّ كُلُّ كُوَّةٍ إِلَى الطَّرِيقِ وَ كُلُّ جَنَاحٍ وَ كَنِيفٍ وَ مِزَابٍ إِلَى الطَّرِيقِ (۱)؛ هنگامی که قائم قیام کند... مساجد در عصر او همگی دارای دیوارهای کوتاه و بدون کنگره خواهد شد همان‌گونه که در عصر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله بود.»

جاده‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد و به ۶۰ ذراع می‌رسد! و تمام مساجدی را که در مسیر قرار دارند (و مزاحم مردم هستند به فرمان او) خراب می‌شود!

و تمام دریچه‌ها و روزنه‌هایی که به راه‌ها گشوده می‌شود (و مزاحم عبور و مرور

۱- بحارالانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۳۳.

(۱۰۳) ﴿﴾

مردم است) ویران می‌سازد .

و بالکن‌ها(ی مزاحم) و فاضلاب‌ها و ناودان‌هایی که در راه (عبور مردم) باز می‌شود می‌بندد! .

۳- و نیز در حدیثی طولانی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که فرمود :

«... وَ لَيَصِيرَنَّ الْكُوفَةُ أَرْبَعَةً وَ خَمْسِينَ مِثْلًا وَ لَيَجَاوِرَنَّ قُصُورُهَا كَرْبَلَا وَ لَيَصِيرَنَّ اللَّهُ كَرْبَلَا مَعْقِلًا وَ مُقَامًا ... (۱) ؛ او کوفه را پنجاه و

چهار میل توسعه می‌دهد تا آنجا که عمارات آن به کربلا می‌رسد و کربلا (کوی شهیدان و قهرمانان و جانبازان راه خدا)

مرکز و کانون بسیاری از فعالیت‌ها می‌گردد...» .

۱- بحارالانوار ، جلد ۵۳ ، صفحه ۱۲ .

((۱۰۴))

۴- روایات در زمینه پیشرفت کشاورزی و فزونی فراورده‌های زراعی و فزونی آب‌ها و دام‌ها و عمران و آبادی در تمام

زمینه‌ها فراوان است (۱).

پیشرفت‌های قضایی

برای مبارزه با فساد و تجاوز و ستم ، از یک سو تقویت پایه‌های ایمان و اخلاق لازم است ؛ و از سوی دیگر به وجود آمدن یک

سیستم صحیح و نیرومند قضایی با هوشیاری کامل و احاطه وسیع .

مسئله پیشرفت کامل صنایع ، وسایلی را در اختیار بشر می‌گذارد که با آن به خوبی می‌توان - در مورد لزوم - حرکات همه مردم را

تحت کنترل قرار داد و هر حرکت

۱- منتخب‌الاثار ، صفحات ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ .

((۱۰۵))

ناموزون و نابجایی را که منتهی به فساد و تجاوز و ستمی می‌شود ، زیر نظر گرفت ؛ و با علائم و آثاری که مجرمان در محلّ جرم

باقی می‌گذارند ، از آنها عکسبرداری کرد ؛ صدای آنها را ضبط نمود و آنها را به خوبی شناخت . قرارگرفتن چنین وسایلی در

اختیار یک حکومت صالح ، عامل مؤثری برای پیشگیری از فساد و ستم و در صورت وقوع چنین موضوعی ، رساندن

حق به صاحب حق است .

شک نیست که در عصر آن مصلح بزرگ جهان ، آموزش‌های اخلاقی با وسایل ارتباط جمعی فوق‌العاده پیشرفته ، آن‌چنان وسعت

می‌گیرد که اکثریت قاطع مردم جهان را برای یک‌زندگی صحیح انسانی و آمیخته با پاکی و عدالت اجتماعی آماده سازد .

ولی از آنجا که بالاخره انسان آزاد آفریده شده و در اعمال خویش از اصل جبر پیروی نمی‌کند ؛ خواه ناخواه افرادی - هرچند در

اقلیت باشند - در هر اجتماع صالحی

((۱۰۶))

ممکن است پیدا شوند که از آزادی خود سوء استفاده کنند و از آن برای وصول به مقاصد شومی بهره گیرند .

لذا باید یک دستگاه قضایی سالم و کاملاً آگاه و مسلط باشد که حقوق مردم را به آنها برساند و ستمگر را بر سر جای خود بنشانند

با مطالعه و دقت روی جرائم و جنایات و مفسدات اجتماعی و طرق پیشگیری از آنها ، روشن می‌شود که :

اولاً ، با اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت ، ریشه بسیاری از مفسدات اجتماعی که از تنازع و کشمکش بر سر انداختن

ثروت‌ها و استثمار طبقات ضعیف و حيله و تزوير و انواع تقلب‌ها و دروغ و خیانت و جنایت به خاطر درآمد بیشتر از هر راه با هر

وسيله ، سرچشمه می‌گیرد ، برچیده می‌شود ؛ و شاید رقم بزرگ فساد و ظلم

﴿ (۱۰۷) ﴾

در هر جامعه‌ای از همین رهگذر است ؛ با از میان رفتن ریشه اصلی ، شاخ و برگ‌ها خود به خود می‌خشکد .
ثانیا ، آموزش و تربیت صحیح اثر عمیقی در مبارزه با فساد و تجاوز و انحرافات اجتماعی و اخلاقی دارد ؛ و یکی از علل مهم توسعه فساد در جوامع امروز این است که نه تنها از وسایل ارتباط جمعی آن ، استفاده برای آموزش صحیح نمی‌شود ، بلکه همه آنها غالبا در خدمت کثیف‌ترین و زشت‌ترین برنامه‌های استعماری فساد است ؛ و شب و روز بطور مداوم از طریق ارائه فیلم‌های بدآموز و داستان‌ها و برنامه‌های گمراه‌کننده و حتی اخبار دروغ و نادرستی که در خدمت مصالح استعمار جهانی است ، به ظلم و تبعیض و فساد خدمت می‌کنند .

البته این‌ها نیز از جهتی ریشه اقتصادی دارد و در جهت تخدیر مغزها و به ابتدال

﴿ (۱۰۸) ﴾

کشیدن مفاهیم سازنده و نابود کردن نیروهای فعّال و بیدار هر جامعه ، برای بهره‌گیری بیشترِ غول‌های استعمار اقتصادی حرکت می‌کند بی‌آن‌که به مانع مهمی روبه‌رو شوند .

هرگاه این وضع دگرگون گردد ، در مدت کوتاهی بطور قطع قسمت مهمی از مفاسد اجتماعی فرو خواهد نشست ؛ و این کار جز از یک حکومت صالح و سالم جهانی که در مسیر منافع توده‌های جهان - و نه استثمارگران - برای ساختن جهانی آباد و آزاد و مملوّ از صلح و عدالت و ایمان ، ساخته نیست .

ثالثا ، وجود یک دستگاه قضایی بیدار و آگاه با وسیله مراقبت دقیق که نه مجرمان از چنگ آن فرار کنند و نه از عدالت سرباز زنند ، نیز عامل مؤثری در کاهش از میزان فساد و گناه و تخلف از قانون است .
و اگر این سه جنبه دست‌به‌دست هم بدهد ، ابعاد تأثیر آن فوق‌العاده زیاد خواهد بود .

﴿ (۱۰۹) ﴾

از مجموع احادیث مربوط به دوران حکومت مهدی علیه‌السلام استفاده می‌شود که او از تمام این سه عامل بازدارنده ، در عصر انقلابش بهره می‌گیرد آن‌چنان که جمله معروفی که حکم ضرب‌المثل را دارد جامه عمل به خود می‌پوشد ؛ همان جمله که می‌گوید :

«زمانی فرا می‌رسد که گرگ و میش در کنار هم آب می‌خورند!» .

مسئله گرگان بیابان تغییر ماهیت نمی‌دهند ، لزومی هم ندارد که چنین شود و نه میش‌ها از حالت کنونی درمی‌آیند ؛ این اشاره به برقراری عدالت در جهان و تغییر روش گرگ‌صفتان خونخوار که با سازش با حکومت جناب قرن‌ها به خوردن خون قشرهای مستضعف جامعه انسانی ادامه می‌دادند ، می‌باشد .

آن‌ها در پناه نظام جدید یا به کلی تغییر روحیه می‌دهند ، چراکه گرگ صفتی هرگز جزء سرشت بشر نبوده و نیست و از نهادهای عَرَضی و قابل تغییر است و یا حدّ اقلّ بر

﴿ (۱۱۰) ﴾

سرجای خود می‌نشینند و به جای خوردن منافع دگران در کنار آنها از مواهب الهی به‌طور عادلانه بهره می‌گیرند ، همان‌گونه که «گرگ» در کنار «میش» و بر سر «چشمه» !

در غیر این دو صورت مشمول تصفیه شده و وجودشان از میان برداشته خواهد شد!

از جمله اشارات قابل توجه در این زمینه ، همان است که در مورد تقسیم صحیح مال در حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که

آن قدر مردم غنای جسمی و روحی پیدا می‌کنند که اموال اضافی می‌ماند و طالبی ندارد؛ یعنی مردم در یک نظام صحیح حکومت آن‌چنان تربیت می‌شوند که اموال زائد بر نیاز خود را در دسری برای خویش می‌بینند! و تمام شور و شرها و قال و غوغایی که از این رهگذر پیدا می‌شود، فرومی‌نشیند!

زندگی همه تأمین و از آینده نیز هیچ گونه نگرانی نخواهند داشت تا به خاطر تأمین آن تن به آلودگی‌ها و مسابقه جمع ثروت بدهند.

« (۱۱۱) »

و نیز در حدیث دیگری خواندیم که سطح افکار مردم در عصر حکومت او چنان بالا می‌رود که به هیچ وجه با امروز قابل قیاس نیست و طبعاً تضادها و کشمکش‌هایی که مولود کوه نظری‌ها و تنگ چشمی‌ها و پایین بودن سطح افکار و خلاصه کردن شخصیت در میزان مال و ثروت است؛ برچیده خواهد شد.

به خاطر مراقبت شدیدی که در عصر حکومت او طبق روایاتی که گذشت، اعمال می‌گردد؛ حتی مجرمان در محیط خانه خود در امان نیستند، چراکه ممکن است با وسایل پیشرفته‌ای تحت کنترل باشند و حتی مثلاً امواج صوتی آنها بر روی دیوار قابل کنترل گردد؛ این خود اشاره دیگری به وسعت ابعاد مبارزه با فساد در عصر حکومت او است.

داوری کردن او بر طبق قانون دادرسی محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و قانون دادرسی داوود علیه‌السلام

« (۱۱۲) »

گویا اشاره به این نکته لطیف است که او هم به موازین ظاهری دادرسی اسلامی همچون اقرار و گواهی گواهان و مانند آن استفاده می‌کند؛ و هم از طرق روانی و علمی برای کشف مجرمان اصلی، آن‌چنان که پاره‌ای از نمونه‌های آن از عصر داوود علیه‌السلام نقل شده است.

به علاوه، در عصر او به موازات پیشرفت علوم و دانش‌ها و تکنیک و صنعت، آن قدر وسایل کشف جرم تکامل می‌یابد که کمتر مجرمی می‌تواند ردپایی که با آن شناخته شود از خود به جا نگذارد.

در یکی از مطبوعات خبری پیرامون شگفتی‌های مغز آدمی خواندم که مغز انسان امواجی برابر با اعتقادات درونی بیرون می‌فرستد که با اندازه‌گیری آن می‌توان به راست گویی و دروغ‌گویی افراد در اظهاراتشان پی برد!

« (۱۱۳) »

مسئله این وسایل تکامل می‌یابد و وسایل دیگری نیز اختراع می‌گردد. و با استفاده از روش‌های پیشرفته روانی، مجرمان کاملاً مهار می‌شوند، هر چند مجرم در چنین جامعه‌ای اصولاً کم است (ولی همان کم نیز کاملاً مهم است).

برای چندمین بار تکرار می‌کنیم:

این اشتباه است اگر ما تصور کنیم که در عصر حکومت او همه این مسائل از طریق اعجاز حل می‌شود، چراکه اعجاز حکم یک استثناء را دارد و برای مواقع ضروری و مخصوصاً اثبات حقیقت دعوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا امام علیه‌السلام است، نه برای تنظیم زندگی روزمره و جریان عادی زندگی؛ که هیچ پیامبری برای این مقصد از معجزه استفاده نکرده است.

بنابراین، مسیر حکومت جهانی او از همان نمونه است که اشاره کردیم نه از نمونه اعجاز!

« (۱۱۴) »

به هر حال، آن‌چنان امیبتی در سایه حکومت او جهان را فرامی‌گیرد که طبق روایتی یک زن تنها می‌تواند از شرق جهان به غرب عالم برود بدون این که کسی مزاحم او شود!

اگر مسأله سادگی زندگی مهدی علیه‌السلام را - طبق آنچه در روایات آمده به آن بیفزاییم باز مسأله از این هم روشتر می‌شود؛

چراکه عمل او سرمشق و الگویی است برای مردمی که تحت پوشش حکومت او قرار دارند، یعنی برای همه مردم جهان. و با در نظر گرفتن این موضوع که قسمت مهمی از جرائم و جنایات و مفساد اجتماعی از تجمل پرستی و پرزرق و برق شدن زندگی و تشریفات بیهوده و پرخرج و کمرشکن سرچشمه می‌گیرد، یکی دیگر از دلایل برجیده شدن مفساد در دوران حکومت او روشن می‌گردد.

« (۱۱۵) »

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام چنین آمده است:

«وَمَا لِبَاسِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا الْغَيْظُ وَمَا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشْبُ (۱)؛ لباس قائم علیه السلام چیزی جز پارچه خشن نیست و غذای او نیز تنها غذای ساده و کم‌اهمیت است!». (۲)

آینده جهان (۳)

اصل اندیشه مهدویت و وجود موعودی برای اصلاح جهان تنها توسط آیین

۱- منتخب‌الاثار، صفحه ۳۰۷.

۲- این مطالب از کتاب حکومت جهانی مهدی (عج)، تألیف حضرت آیه الله مکارم شیرازی، استفاده شده است.

۳- این مطالب از کتاب آینده جهان، تألیف جلال برنجیان، استفاده شده است.

« (۱۱۶) »

اسلام طرح نشده است؛ بلکه این بشارتی است که خدای متعال به همه انبیاء داده و تمامی ادیان توحید منادی این اندیشه بوده‌اند و آینده جهان را از آن صالحان خوانده‌اند و حاکمیت عدالت را بر سراسر گیتی حتمی قلمداد کرده‌اند و این اندیشه آن‌قدر در ادیان توحیدی مهم و پر رونق بوده که به ادیان غیر توحیدی نیز رنگ داده‌اند و ادیانی که به ظاهر منشأ الهی نداشته‌اند، آنان نیز اعتراف به وجود مصلح جهانی کرده‌اند.

۱- آیین یهودیت

«تورات»، سفر پیدایش، باب هفدهم:

۱۸- و ابراهیم به خدا گفت کاش که اسماعیل در حضور تو زیست کند...

« (۱۱۷) »

۲۰- و اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم اینک او را برکت داده، بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم، دوازده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی به وجود آورم.

در این بیان، اشاره به ۱۲ امام از نسل اسماعیل علیه السلام دارد که امتی عظیم از او به وجود می‌آید.

و این همان بشارتی است که خداوند در قرآن می‌فرماید؛ و با تمام تحریف‌ها و تغییرهایی که در تورات راه یافته، اما هنوز این بشارت باقی است. خداوند می‌فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۱)

« (۱۱۸) »

و به تحقیق در زبور پس از ذکر (در کتب پیشین) نوشتیم که همانان زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.

۲- آیین مسیحیت

«انجیل مرقس»، باب ۱۳:

۳۰- هر آینه به شما می‌گویم تا جمیع این حوادث واقع نشود این فرقه نخواهند گذشت. ۳۱- آسمان و زمین زایل می‌شود لیکن کلمات من هرگز زایل نشود. ۳۲- ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد نه فرشتگان در آسمان و ۱- قرآن کریم، ۱۰۵ / انبیاء .

« (۱۱۹) »

نه پس هم. ۳۳- پس بر حذر و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. ۳۴- مثل کسی که عازم سفر شده خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده هریکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. ۳۵- پس بیدار باشید زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح. ۳۶- مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. ۳۷- اما آنچه به شما می‌گویم به همه می‌گویم بیدار باشید.

در این بشارت به سان مطالب پیشین اشاراتی بر ظهور موعود دارد. تنها در این جا چند فراز اضافه دارد: یکی امر بر دعای فرج است که حضرت عیسی علیه‌السلام هم نمی‌دانند. در روایات اسلامی وارد شده که زمان ظهور را جز خدای متعال کسی نمی‌داند و امر ظهور در یک شب اصلاح می‌شود.

« (۱۲۰) »

«انجیل لوقا» باب ۱۲:

۳۵- کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید. ۳۶- و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی‌درنگ برای او باز کنند. ۳۷- خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد هر آینه به شما می‌گویم که کمر خود را بسته ایشان را خواهد نشانید و پیش آمده ایشان را خدمت خواهد کرد. ۳۸- و اگر در پاس دوم یا سیم از شب بیاید و ایشان را چنین یابد خوشا به حال آن غلامان. ۳۹- اما این را بدانید که اگر صاحب خانه می‌دانست که دزد در چه ساعت می‌آید بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نقب زنند. ۴۰- پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید. ۴۱- پطرس به وی گفت ای خداوند آیا

« (۱۲۱) »

این مثل را برای ما زدی یا به جهت همه. ۴۲- خداوند گفت پس کیست آن ناظر امین و دانا که مولای او وی را بر سایر خدام خود گماشته باشد تا آذوقه را در وقتش به ایشان تقسیم کند. ۴۳- خوشا به حال آن غلام که آقایش چون آید او را در چنین کار مشغول یابد. ۴۴- هر آینه به شما می‌گویم که او را بر همه مایملک خود خواهد گماشت. ۴۵- لیکن اگر آن غلام در خاطر خود گوید آمدن آقایم به طول می‌انجامد و به زدن غلامان و کنیزان و به خوردن و نوشیدن و میگساریدن شروع کند. ۴۶- هر آینه مولای آن غلام آید در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتی که او نداند و او را دوپاره کرده نصیبتش را با خیانتکاران قرار دهد. ۴۷- اما آن غلامی که اراده مولای خویش را دانست و خود را مهیا نساخت تا به اراده او عمل نماید تازیانه بسیار خواهد خورد. ۴۸- اما آن که نادانسته کارهای شایسته‌ای ضرب کند، تازیانه کم خواهد خورد و به هر کسی که عطا

« (۱۲۲) »

زیاده شود از وی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر خواهند کرد.

اینجا نیز بسان فرازهای پیشین بشاراتی بر حضرتش دارد و مطلب افزون در اینجا دو گونه بودن کار گزاران حضرتش می‌باشند که برخی از دوران غیبت ایشان سوءاستفاده کرده و به جان و مال دیگران می‌تازند و با این گمان که نه شاید که حضرتش به زودی نیاید به کارهای ناشایست دست می‌یازند که در بشارت اسلامی رسیده است: حضرتش چون ظاهر شوند هزار فقیه را در مسجد

مدینه که جملگی با حضرتش مخالفت می‌کنند، نابود می‌نماید. و گروهی به پاسداری از مرزهای دین می‌پردازند و خود را مهیا برای دوران قیام سرور بخش آن حضرت می‌کنند و در ایام غیبت به اهداف و آرمان‌های حضرتش جامه عمل می‌پوشانند و در این راه مرتکب

﴿ (۱۲۳) ﴾

کوچک‌ترین کوتاهی و خطا نمی‌شوند که «به هر کسی که عطا زیاد شود از وی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر خواهند کرد».

۳- آیین زرتشت

آیین زرتشت

در آسمانی بودن آیین زرتشت اختلاف وجود دارد، ولی گروهی از محققین اسلامی آن آیین را در زمره ادیان آسمانی، بر شمرده‌اند. (۱) در آن آیین نیز موضوع

۱- ولی حتی اگر آن آیین آسمانی هم باشد، مسلماً کتاب «اوستا» دستخوش تحریف قرار گرفته است و امروزه این کتاب را نمی‌توان در زمره کتاب‌های آسمانی دعوتگر به یکتاپرستی دانست و برخی محققین بیان می‌کنند که این آیین از دستبرد فلسفه میترانی (دوگانه‌پرستی) که در آن روزگار رواج داشته در امان نمانده است و حقایق توحیدی آن آیین توسط فلسفه میترانی که در ایران زمین رواج داشته است دستخوش تحریف شده است.

﴿ (۱۲۴) ﴾

منجی جهان طرح شده است و افراد زرتشتی را به آمدن او بشارت داده‌اند. ما به یک مورد اشاره می‌کنیم:

در آیین زرتشت «سُوشِیائْت» به عنوان منجی جهان یاد شده است. کلمه سوشیانت که در کتاب «اوستا» از او یاد شده است به معنای «سود رساننده» و «سودبخش» است. سوشیانت‌ها یاوران و نگاهبانان آیین مَرْدِیْسِنَا هستند که هدفشان رستگاری و نجات مردم از جهل و نادانی و ظلم و ستم است و سوشیانت بزرگ به عنوان منجی کلّ جهان می‌باشد. در متون زرتشتی آمده است:

﴿ (۱۲۵) ﴾

کی ای مزاد! سپیده‌دم درآید و جنبش بشر به سوی راستی روی کند. کی نجات دهنده (سوشیانت) بزرگ با گفتار پر از حکمت خویش به مراد رسد. کدامند کسانی که «وهومن» به یاری آنان آید. (۱)

اصل مهدویت از جمله مباحثی است که تمامی فرق اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند و از اصول مسلم در آیین اسلام می‌باشد. ما در این جا به عنوان نگرشی بسیار گذرا ابتدا به کتب عامّه نگاه می‌کنیم و سپس اشارتی اجمالی به منابع شیعی می‌نماییم.

الف - آرمان مهدویت در کتب عامّه

۱- «سوشیانت یا سیراندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان»، علی اصغر مصطفوی / ۵۴ و ۵۵ نقل از «سیمای انسان کامل»، عبدالله نصری / ۱۸.

﴿ (۱۲۶) ﴾

عبدالرحمن سیوطی عالم بزرگ اهل سنت در کتاب «عَرَفُ الْوَرْدِیِّ فی اخبارِ الْمَهْدِیِّ» از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمودند:

هر که خروج مهدی را انکار کند، کافر شده است. (۱)

و نیز حَمَوِئِنی در کتاب «فَرَاءِئِد السَّمُطِیْن» به نقل از ابن عباس بیان می‌کند که گوید: پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

همانا علی بن ابیطالب پیشوای امت من و جانشین پس از من بر ایشان است، و از فرزندان او قائم منتظر می‌باشد که خداوند به او زمین را از داد آکنده می‌کند همان گونه که از ستم پر شده باشد و سوگند به آن کسی که مرا به حقّ به پیامبری
۱- «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ» .
(۱۲۷) (۱)

برانگیخت ثابت پیمانان بر امانتش در دوران غیبت او نایاب‌تر از گوگرد سرخ می‌باشند. (۱)
و نیز ابو داود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم که از بزرگان اهل سنت هستند از ام سلمه نقل کرده‌اند که گوید:
رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

مهدی از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه علیها السلام خواهد بود. (۲)
۱- «فرائد السمطين»، حافظ حمونى، انتهای ج ۲، نقل از کتاب «الْمَهْدِيُّ الْمَوْعُودُ الْمُنتَظَرُ عِنْدَ عُلَمَاءِ أَهْلِ السُّنَّةِ»، شیخ نجم‌الدین
عسکری، ج ۲ / ۲۹۷ .

۲- «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِزَّتِي مِنْ وَوَلِدِ فَاطِمَةَ»، کتاب «الحوای للفتاوی» جزء دوم ۳۵۵، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام
ترجمه آقای لطیف راشدی .
(۱۲۸) (۱)

شیخ محی‌الدین عربی:

بدانید که قیام مهدی علیه‌السلام حتما رخ می‌دهد. اما او قیام نمی‌کند تا آن که زمین از ستم آکنده گردد و او آن را از داد و برابری
انباشته می‌کند و اگر از عمر دنیا جز یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا این خلیفه الهی
به حکومت برسد. او از خاندان رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و از فرزندان فاطمه رضی‌الله‌عنها می‌باشد و جدش حسین بن علی بن ابیطالب
علیهم‌السلام و پدرش حسن عسکری فرزند امام علی نقی فرزند امام محمد تقی فرزند امام علی‌الرضا فرزند امام زین‌العابدین علی
فرزند امام حسین بن علی فرزند امام علی بن ابیطالب رضی‌الله‌عنه می‌باشد... اسلام را پس از خواریش عزت می‌بخشد و پس از
مردنش زنده می‌نماید... هر که با او بستیزد خواری می‌گردد. از آیین آنچه واقعی است، آشکار می‌سازد به طوری که اگر پیامبر
صلی‌الله‌علیه‌وآله
(۱۲۹) (۱)

زنده می‌بود، بدان فرمان می‌داد. در دورانش چیزی جز آیین خالص و پاک از رأی و پندارها باقی نخواهد ماند. در احکامی که
آشکار می‌نماید با اکثر فتوای علمای مذاهب که نسبت به احکام دینی حُکم می‌کنند، مخالفت خواهد داشت، زیرا آنان گمان
می‌کنند که خداوند پس از پیشوایان پیشین آنان مجتهدی را آشکار نخواهد ساخت. (۱)

ب - آرمان مهدویت در آینه کتب شیعی

ترسیم مهدویت در میان شیعیان روشن‌تر از آن است که بخواهیم دلایل زیادی

۱- «فتوحات مکّیة»، محی‌الدین، فصل ۳۶۶ نقل از ترجمه «کشف الاستار» اثر محدث نوری ترجمه جلال برنجیان، مخطوط .

(۱۳۰) (۱)

اقامه کنیم و این موضوع آن قدر قطعی بوده است که دانشمندان شیعی کتاب‌هایی در غیبت حضرتش قبل از ولادت ایشان نوشته‌اند که از آن جمله کتاب «الغیبه» اثر فضل بن شاذان نیشابوری از اصحاب امام هادی و حضرت عسکری علیهم السلام را می‌توان نام برد و از عصر ولادت آن حضرت تا کنون، قرن به قرن محدثان بزرگوار شیعه در کنار آثار مهم خود کتابی نیز در پیرامون حضرت مهدی علیه السلام نگاشته‌اند که از آن جمله است «کمال الدین و تمام النعمه» اثر شیخ صدوق (متوفی سال ۳۸۰ هـ)، کتاب «الغیبه» اثر ابن ابی زینب نَعْمَانی (متوفی سال ۴۰۰ هـ).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

هر کس قائم از اولاد من را در دوران غیبتش انکار کند، به مرگ دوران جاهلیت مرده است. (۱)

« (۱۳۱) »

و نیز امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: پس از حسین نه تن از صلب او خلیفه خدا در روی زمین هستند و حجت خدا بر بندگان و امین خدا بر وحی او می‌باشند. آن‌ها پیشوای مسلمین و رهبر مؤمنین و سرور پرهیزگاران می‌باشند و نهمی آن‌ها قائم است. (۱)

خدای عز و جل دین را رها و یله قرار نداده است و در هر زمان نگاهبانی معصوم را قرارداده تا با دیده نافذ خود نظاره گر جوامع شیعی باشد و دین را از گزند روزگار و

۱- «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِي اثْنَاءَ غَيْبَتِهِ، مَاتَ مِثْلَ جَاهِلِيَّةٍ». «الاختصاص»، شیخ مفید / ۲۶۸، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- «وَمِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِهِ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَبُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَمَنَؤُهُ عَلَى وَحْيِهِ وَ هُمْ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَ قَادَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَادَةُ الْمُتَّقِينَ وَ تَسَبَّحُهُمُ الْقَائِمُ»، کتاب «اعلام الوری»، اثر طبرسی / ۳۷۸، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

« (۱۳۲) »

انحراف آفرینی منحرفان حفظ کند و این چند سده عصر غیبت در فراز و نشیب‌های خطرناک و طوفان‌های هولناک حضرت بقیه الله امام زمان علیه السلام مذهب شیعه را پاس داشته‌اند و شیعیان را از چپاولگری چپاولگران اعتقادی حفظ فرموده‌اند. حضرتش در فرازی از توفیق صادره به شیخ مفید فرمودند:

ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را به فراموشی نمی‌سپاریم که اگر این چنین نبود بلاها بر شما بارش می‌رفت و دشمنان شما را خورد می‌کردند. (۱)

تمدن آینده جهان در لوای حکومت مهدی علیه السلام

۱- وارستگی‌ها و صلاحیت‌های رهبری:

۱- «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۳ باب توفیعات .

« (۱۳۳) »

رهبری حکومت واحد جهانی را خدای متعال بر عهده بنده صالح خود حضرت حجه بن الحسن علیهم السلام قرارداده است و او یگانه انسان است که امروز خدای متعال، معصوم بودن او را امضاء فرموده است و اوست که از هر پستی و آلودگی، اشتباه کاری و خطا برکنار است و هیچ پلیدی و ناپاکی در او یافت نمی‌شود. خدای متعال درباره او و پدران گرامی‌اش و ناموس کبریا، صدیقه کبری، فاطمه زهرا علیها السلام فرموده است:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (۱)

همانا خدای چنین خواسته است که تمامی ناپاکی‌ها را از شما اهل بیت بزدايد و شما را از همه

پلیدی‌های پاک نماید.

۱- قرآن کریم، ۳۳ / احزاب .

« (۱۳۴) »

۲- نیروهای کارآموده و بی‌آلایش :

یاران حضرت مهدی علیه‌السلام - همانانی که حکومت جهانی حضرتش را به دوش خواهد کشید - بزرگوارانی هستند که بسان آنان در تاریخ بشر کم پیدا شده است. آنان افراد والاگه‌ری می‌باشند که از همه ویژگی‌های نیکو بهره‌ای دارند .
امیر مؤمنان علیه‌السلام درباره یاران امام زمان علیه‌السلام می‌فرماید:

آن‌ها قومی هستند که با صبر و شکیبایی خود بر خدا منت نمی‌نهند و جانبازی خود را در راه حقّ بزرگ نمی‌شمارند، هنگامی که حادثه‌ای روی دهد و زمینه یأس پیش آید دیده‌هایشان را از برق شمشیر جلوه می‌دهند و به فرمان امامشان به پروردگار خود تقرب می‌جویند. آن‌ها همگی شیرهای ژبانی هستند که از جنگل‌های خود بیرون آمده‌اند. اگر اراده کنند که کوه‌ها را از جای خود برکنند، بی‌تردید انجام

« (۱۳۵) »

می‌دهند. آن‌ها به حقیقت توحید خدا راه یافته‌اند. برای آن‌ها در دل شب از ترس خدا ناله‌هایی است چون ناله مادران داغ پسر دیده، شب زنده‌داران در دل شب و روزه‌داران در طول روز هستند. گویی اخلاق و آداب آن‌ها یکی است. دل‌های آن‌ها بر محبت و شفقت و خیرخواهی گرد آمده است. (۱)

حضرت صادق علیه‌السلام در توصیف ایشان می‌فرماید:

... مردانی هستند که دل‌های آن‌ها چون قطعه‌های آهن است که هرگز شک و تردید در آن‌ها راه ندارد. آن‌ها در اعتقاد خود نسبت به خدا از سنگ سخت‌تر هستند. اگر به کوه‌ها هجوم ببرند. آن‌ها را از پای درمی‌آورند، با پرچم‌های خود به هیچ
۱- «ترجمه یَوْمُ الْخَلَاصِ»، کامل سلیمان، ج ۱ / ۴۱۴ .

« (۱۳۶) »

کشوری روی نمی‌آورند، مگر این که آن را فتح می‌کنند. بر فراز اسب‌های نجیب خود دست بر زین امام علیه‌السلام می‌کشند و تبرک می‌جویند. آن‌ها به هنگام نبرد پروانه‌وار شمع وجود امام علیه‌السلام را در میان گرفته، محافظت می‌کنند و هرچه حضرتش اراده کند آن را برمی‌آورند. مردان شب زنده‌داری هستند که شب‌ها نمی‌خوابند و زمزمه نمازشان چون نغمه زنبوران از کندو به گوش می‌رسد. شب‌ها را با شب‌زنده‌داری سپری می‌کنند و بر فراز اسب‌ها خدا را تسبیح می‌گویند. آن‌ها در برابر فرمان امامشان، از بنده مطیع نسبت به مولایش، مطیع‌تر هستند. گویی دل‌های آن‌ها مشعلی نورانی است و آن‌ها از ترس پروردگار خود نگران هستند...

شعار آن‌ها «یا لثاراتِ الْحُسَيْنِ» (ای خونخواهان حسینی است). رعب و وحشت آن‌ها مسافت یک‌ماه جلوتر از خودشان پیش می‌رود و آن‌ها فوج فوج به سوی مولای

« (۱۳۷) »

(خود) حرکت می‌کنند. خداوند به وسیله آن‌ها امام حقّ را یاری می‌فرماید. (۱)

و نیز امیر مؤمنان علیه‌السلام در ضمن حدیث طولانی در وصف بیعت یاران حضرت مهدی علیه‌السلام چنین می‌فرماید :
... با او بیعت می‌کنند که هرگز :

دزدی نکنند،

زنا نکنند،

مسلمانی را دشنام ندهند،

خون کسی را به ناحق نریزند،

۱- «ترجمه یَوْمُ الْخَلَاصِ»، کامل سلیمان، ج ۱ / ۴۲۸ .

﴿ (۱۳۸) ﴾

به آبروی کسی لطمه نزنند،

به خانه کسی هجوم نبرند،

کسی را به ناحق نزنند،

طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند،

مال یتیم را نخورند،

در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند،

مسجیدی را خراب نکنند،

مشروب (الکلی) نخورند،

حریر و خز نپوشند،

در برابر سیم و زر سرفروود نیاورند،

﴿ (۱۳۹) ﴾

راه را بر کسی نبندند،

راه را ناامن نکنند،

گرد همجنس‌بازی نگردند،

خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند،

به کم قناعت کنند،

طرفدار پاک‌باشند،

از پلیدی گریزان باشند،

به نیکی فرمان دهند،

از زشتی‌ها بازدارند،

جامه‌های خشن نپوشند،

﴿ (۱۴۰) ﴾

خاک را متکای خود سازند،

در راه خدا حق جهاد را ادا کنند و...

امام مهدی علیه‌السلام نیز در حق خود تعهد می‌کند که:

از راه آن‌ها برود،

جامه‌ای مثل جامه آن‌ها پوشد،

مرکبی همانند مرکب آن‌ها سوار شود،

آن چنان که آن‌ها می‌خواهند باشد،
به کم راضی و قانع شود،
زمین را به یاری خدا پر از عدالت کند آن چنان که از پر از ستم شده است،
خدا را آن چنان که شایسته است پرستد،
(۱۴۱) ﴿

برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند... (۱)

ویژگی‌های انحصاری نهضت امام زمان علیه‌السلام

برای پیشبرد اهداف معنوی و تحقق بخشی حکومت عدل الهی دست غیبی لازم است. تمام انبیا در کنار همه واجدیت‌های انسانی، قدرت‌های الهی نیز داشته‌اند و بابر خورداری از آن قدرت‌ها بر اهریمنیان پیروز شده‌اند. چیرگی حضرت نوح بر کافران، غلبه حضرت ابراهیم بر آتش نمرودیان، نجات بنی اسرائیل به دست حضرت موسی از ستم فرعونیان و... جملگی به مدد‌های غیبی و توانایی‌های الهی آنان

۱- «منتخب الاثر»، لطف الله صافی / ۴۶۹ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .
(۱۴۲) ﴿

بوده است.

امام مهدی علیه‌السلام نیز واجد تمام توانایی‌ها و معجزات و بیّنات انبیا است. دامنه توانایی او به گستره همه تاریخ است. زیرا کار آن حضرت نیز به بزرگی همه تاریخ بشریت می‌باشد و آنچه را که انبیای الهی در دوران عمر خویش برپایی آن موفق نشده‌اند، حضرتش یک تنه باید بیادارد. لذا تمامی نیروهای غیبی در اختیار حضرتش می‌باشد.

در این مورد تنها به دو روایت اشاره می‌کنیم :

امام صادق علیه‌السلام فرمودند :

هیچ معجزه‌ای از معجزات انبیا و اوصیانست، مگر این که خداوند تبارک و تعالی مانند آن را به دست قائم علیه‌السلام ظاهر می‌گرداند تا بر دشمنان اتمام حجت کند. (۱)

۱- «اثبات الهداه»، شیخ حرّ عاملی، ج ۷ / ۳۵۷ نقل از «ترجمه مکیال المکارم» محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ / ۱۹۴ .

(۱۴۳) ﴿

و نیز حضرت صادق علیه‌السلام در ترسیم زمان ظهور حضرتش می‌فرمایند:

در آن هنگام آقای ما قائم علیه‌السلام به خانه خدا تکیه می‌کند و می‌فرماید:

ای مردم! هر که می‌خواهد «آدم» و «شَیْث» (۱) را ببیند، بداند من «آدم» و «شَیْث» هستم (و تجسّم آنان می‌باشم).

و هر که می‌خواهد «نوح» و فرزندش «سام» را ببیند، بداند من همان «نوح» و «سام» هستم.

و هر که می‌خواهد «ابراهیم» و «اسماعیل» را ببیند، بداند من همان «ابراهیم» و

۱- «شَیْث» وصیّ حضرت «آدم» است و «سام» وصیّ حضرت «نوح» می‌باشد و «یُوشَع» وصیّ حضرت «موسی» است و «شَمْعُون» وصیّ حضرت «عیسی» می‌باشد.

(۱۴۴) ﴿

«اسماعیل» هستم.

و هر که می‌خواهد «موسی» و «یُوشَع» را ببیند، بداند من همان «موسی» و «یُوشَع» هستم.

و هر که می‌خواهد «عیسی» و «شَمْعُون» را ببیند، بداند من همان «عیسی» و «شَمْعُون» هستم.

و هر که می‌خواهد «محمّد» صلی‌الله‌علیه‌وآله و «امیرالمؤمنین» علیه‌السلام را ببیند، بداند من همان «محمّد» صلی‌الله‌علیه‌وآله و «امیرالمؤمنین» علیه‌السلام هستم.

و هر که می‌خواهد «حسن» و «حسین» علیه‌السلام را ببیند، بداند من همان «حسن» و «حسین» علیه‌السلام هستم.

و هر که می‌خواهد امامان از ذریه حسین علیه‌السلام را ببیند، بداند که من همان

((۱۴۵))

ائمہ اطهار هستم.

دعوتم را بپذیرید و نزد من جمع شوید و هر چه (آنان) گفته و هر چه را نگفته‌اند، به شما خبر می‌دهم. (۱)

برتری مالی و اقتصادی امام زمان علیه‌السلام

یکی از مشکلات مهم هر نظام اجتماعی ناتوانی‌های مالی آن است. اما خدای متعال گنجینه‌های پنهانی خویش را در اختیار حجت خود حضرت بقیه‌الله‌الاعظم علیه‌السلام

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، جلد ۵۳ / ۹ نقل از «ترجمه مکیال المکارم»، محمدتقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱ / ۱۹۵.

((۱۴۶))

قرار می‌دهد و در دوران آن حکومت این امام علیه‌السلام مشکلی به نام مشکل اقتصادی مطرح نخواهد بود. ما در این جا اجمالی را در این مورد بیان می‌کنیم و گسترده آن را در بخش تصویر جهان پس از ظهور خواهیم آورد.

امام صادق علیه‌السلام در ترسیم اوضاع مالی آن دوران در ضمن حدیثی می‌فرماید:

چون قائم ما به پاخیزد... زمین گنج‌های خود را آشکار می‌سازد، به گونه‌ای که بر سطح آن دیده می‌شود. چون فردی از شما برای ادای زکات خود درصدد یافتن شخصی (نیازمند) برمی‌آید، کسی را نمی‌یابد که آن (مال) را بپذیرد. مردم به فضل الهی از آنچه به ایشان روزی می‌فرماید، بی‌نیاز می‌شوند. (۱)

۱- «ترجمه اعیان الشیعه» (آشنایی با امام زمان علیه‌السلام)، سید محسن امین / ۳۴۹.

((۱۴۷))

جهان در عصر پس از ظهور امام زمان (عج)

آنچه از دانش در عصر همه پیامبران حتی در عصر اسلام توسط پیغمبر اسلام و اوصیای گرامی‌اش علیه‌السلام آشکار شده، تنها دو حرف از دانش است و در دوران حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام ۲۵ حرف دیگر از دانش آشکار خواهد شد که اصلاً در گذشته همه جهان سابقه نداشته است و حضرتش از نوامیس طبیعی چیزهایی را ظاهر می‌فرماید که اصلاً در اندیشه بشر امروز جای ندارد. چنان که معصوم می‌فرماید:

((۱۴۸))

علم ۲۷ حرف است، آنچه پیامبران آوردند و برای مردم آشکار ساختند تنها دو حرف بوده است و مردم تا به امروز جز آن دو

حرف رانشناخته‌اند. هنگامی که قائم ما علیه‌السلام قیام کند ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌کند و آن‌ها را در میان مردم بسط می‌دهد و آن دو حرف گذشته را هم به آن می‌افزاید تا ۲۷ حرف (دانش را در میان مردمان) می‌پراکند. (۱)

فن آوری ارتباطات در عصر مهدی علیه‌السلام

۱- «الزام الناصب»، ج ۲ / ۳۰۷ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی. (۱۴۹)

ارتباطات در دوران حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام به شکوفایی فاحش خود می‌رسد، اما آن شکوفایی که در کنارش مشکلی برای دیگران مطرح نباشد. مسافت‌های طولانی در مدتی اندک طی می‌شود، اما نه به همراه رنج صدای مهیب جت‌ها برای مردمان مسیر پرواز. راه‌ها به سرعت درنوردیده می‌شود، اما نه همراه مشکل برای مردمان کنار «خط آهن». وسایل مسافرت فراوان می‌شود، اما نه همراه دود و آلودگی محیط زیست برای جانوران دریایی و ساحل‌نشینان. اما از کیفیت این مسافرت‌ها آگاهی کافی نداریم. در برخی روایات حتی به مسافرت‌های بدون وسایل ظاهری اشاره شده است. در برخی روایات به مسافرت‌هایی چون سفرهای سلیمان گوشزد شده است و به برخی وسایل بالاتر از وسایل سفرهای فضایی در دوران ذوالقرنین اشاره دارد. (۱۵۰)

ولی آنچه مسلم است آن وسایل هرچه باشد، مشکل و ستم و ناراحتی را برای دیگران به همراه نخواهد داشت که دوران ظهور آن حضرت دوران اتمام همه ستم‌ها و آزارها است.

اما از نظر ارتباطات صوتی و تصویری جهانی، دوران حضرتش باز ویژگی‌های خاصی دارد. در برخی روایات چنین می‌خوانیم: در هنگام ظهور آن حضرت، تنها یک چشم او را نمی‌بیند، بلکه در یک آن واحد همگان همزمان آن حضرت را خواهند دید. (۱)

و نیز روایات دیگر بدین مطلب اشاره می‌کنند که ارتباطات خواهد بود، اما بدون نیاز به وسایل خارجی. چنان که امام علیه‌السلام می‌فرماید:

۱- نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی. (۱۵۱)

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما نیرویی عنایت می‌فرماید که میان آنان و حضرت قائم علیه‌السلام بیک و پست نخواهد بود که ارتباط برقرار کند. پس آن حضرت هر جا که باشد با ایشان سخن می‌گوید و آنان سخن حضرتش را می‌شنوند و او را می‌بینند در حالی که حضرتش در مکان خود می‌باشد. (۱)

این حدیث اشاره به ارتباطاتی و رای ارتباطات از راه تلویزیون، تلفن، رادیو، بی‌سیم و رادار دارد. ارتباطی از راه دیدن و شنیدن مستقیم.

خداوند تمامی وسایل این جهان را در تسخیر حضرتش قرار خواهد داد و حتی این مطلب منحصر در ارتباطات بین قاره‌ای نخواهد بود، بلکه در دوران آن حضرت

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۳۶. (۱۵۲)

مسافرت‌ها کیهانی بر همگان ممکن می‌شود و حتی در روایات ما اشاره‌ای به مسافرت هشت ساعتی به کره خورشید دارد. اما آن حضرت برابرها سوار خواهد شد و به وسیله وسایلی، وسایل آسمان‌های هفتگانه بالا خواهد رفت (وبه آن آسمان‌ها دست خواهد یافت). (۱)

باید گفت که عصر امام مهدی علیه السلام، تنها عصر اتحاد و یکپارچگی ملت‌های زمینی نیست، بلکه عصر هماهنگی و یکپارچگی همه عوالم هستی با یکدیگر است و مهدی علیه السلام نه تنها دستی بر زمین خواهد داشت که همه گیتی با همه موجوداتش در

۱- «بحارالانوار»، ج ۵۲ / ۳۳۵: «أما أَنَّهُ سَيُزَكِّي السَّحَابَ وَيُزِقِي فِي الْأَشْبَابِ أَشْبَابَ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ» .
(۱۵۳)»

تحت فرمان نافذ او قرار خواهد گرفت و او تمامی اقالیم هفت گانه وجود را تسخیر خواهد کرد. نه تنها هفت قاره زمین که همه سرپرده‌های گیتی و همه کرات آسمانی در زیر فرمان او سرتسلیم فرود خواهند آورد.

سلامتی و بهداشت همگانی در زمان حضور حضرت مهدی علیه السلام

یکی از آرزوی دانشمندان کنونی، افزایش عمر طبیعی انسان است و حتی در آمال همه انسان‌های جهان عمری در حدود یکصد سال به عنوان یک آرزوی قلبی است. مراکز تحقیقاتی فراوانی در سرتاسر جهان به این مهم پرداخته‌اند که با ایجاد وسایل، داروها و... عمر طبیعی انسان را بالا-برند، امّا هنوز به نتیجه‌ای مطلوب نرسیده‌اند و هرچه تمدن فسادزای امروزی پیش می‌رود و صنایع شیمیایی گسترش می‌یابد، ضایعات ناشی از آن‌ها بر محیط زیست، سایه مرگبار خود را می‌گستراند و حتی

(۱۵۴)»

حیات اندک انسان و جهان جانوران را تهدید می‌کند. پیدایش بیماری‌های نو به نو، گسترش آلودگی‌های محیط زیست، تقلیل اکسیژن و گازهای ضروری زندگی موجودات، باقی ماندن ضایعات رادیو اکتیو و تشعشعات مضر زباله‌های اورانیوم و فضولات مضر حیات حتی حیات محدود را برای انسان‌ها در معرض جدی قرار داده است .

امّا دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام دوران زدوده شدن همه آلودگی‌ها و فسادها است، چه فسادهای شخصی، چه تباهی‌های اجتماعی و چه آلودگی‌های محیط زیست. خدای متعال به برکت آن حضرت و دم مسیحایی او بیماران را شفا می‌بخشد و مرض‌های صعب‌العلاج را درمان می‌کند.

خدای متعال در شب معراج به پیامبرش فرمود:

همانا من به وسیله او (مهدی حجه‌بن الحسن) نابینایان را شفا می‌بخشم و
(۱۵۵)»

به وسیله او مریض‌ها را درمان می‌کنم. (۱)

آن حضرت نه تنها مرض‌های ساده را شفا می‌دهد، بلکه معلول‌هایی را که امروزه بشر از درمان آن‌ها عاجز هستند، بهبودی می‌بخشد، که او را دمی مسیحایی است.

امام سجاد علیه السلام در ترسیم آن دوران می‌فرماید:

آن‌گاه که قائم ما قیام کند، خداوند تمام بیماری‌ها را از شیعیان ما دور می‌کند و ایشان را توان می‌بخشد. (۲)
حضرت باقر علیه السلام فرمودند:

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۱ / ۷۰ به نقل از «کمال‌الدین».

۲- «الغیبه»، ابن ابی زینب نعمانی / ۱۷۱ و «الزام الناصب» / ۱۳۹ و ۲۳۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی .

(۱۵۶)»

هر کس قائم اهل بیت مرا درک کند، اگر بیمار باشد بهبودی می‌یابد و اگر ناتوان باشد، نیرومند می‌شود. (۱)

عمر مردان در عصر حضرتش چندین برابر عمر کنونی خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

در دوران حکومت او آنقدر مردمان عمر می‌کنند که برای هریک از ایشان هزار فرزند پسر به دنیا خواهد آمد. (۲)

۱- «مِنْ أَدْرَكَ قَائِمٍ أَهْلِيلِ بَيْتِي مِنْ ذِي عَاهِرَةٍ بَرِيءٍ وَمِنْ ذِي ضَعْفٍ قَبْوِي» کتاب «المهدی» / ۱۹۷، «بشارة الاسلام» / ۲۴۳ و «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۳۵ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- «الغیبة»، شیخ طوسی / ۲۸۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

((۱۵۷))

حتی در روایات اسلامی اشاره به تغییرات کیهانی دارد که طول سال از یک سال به مدت ۱۰ سال افزایش می‌یابد، یعنی هر سال در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام به اندازه ۱۰ سال در دوران قبل از ظهور است.

امام باقر علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

هر سال در آن دوران برابر ۱۰ سال شماست.

ابوسعید از حضرتش می‌پرسد:

سال‌ها چگونه طولانی می‌شود؟

حضرتش فرمود:

خداوند به فلک دستور می‌دهد که آرام‌تر بچرخد و بدین گونه روزها و

((۱۵۸))

سال‌ها طولانی می‌شود. (۱)

از این روایت برمی‌آید که حتی در وضعیت کهکشان‌ها نیز تغییراتی رخ خواهد داد و زمان در گیتی طولانی‌تر خواهد شد. در عصر حکومت حضرت مهدی علیه السلام دانش به اوج خود خواهد رسید و مشکل ارتباطات به کلی حل می‌شود، عمر طبیعی انسان‌ها چندین برابر می‌گردد، به بیماری‌ها و معلولیت‌ها خاتمه داده خواهد شد، به سوی دیگر سیاره‌ها همگان سفر خواهند کرد. آیا این سعادت حقیقی نیست؟

۱- «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۳۹ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی.

((۱۵۹))

امنیّت جهان در سایه تمدّن حضرت مهدی علیه السلام

اگر بخواهیم درباره امنیّت سخن گوئیم باید بیان کنیم که در یک جامعه چندگونه امنیّت را می‌توان تصور کرد:

۱- امنیّت فردی

۲- امنیّت اجتماعی

۳- امنیّت منطقه‌ای

قطعا برای تأمین سعادت و آسایش انسان در این جهان به همه گونه امنیّت نیاز است و به مجرد از بین رفتن یکی از آن‌ها حیات انسان در معرض خطر جدی می‌افتد.

تحقق امنیّت آرمان همه امت‌هایی است که خواستار پی‌ریزی یک تمدّن انسانی می‌باشند و اگر امنیّت و آسایش سیاسی یک کشور دچار مشکل شود برپایی هر نوع

((۱۶۰))

تمدن و بدست آمدن هرگونه پیشرفت اگر نگوییم محال است لاقلاً بسیار دشوار خواهد شد.

امنیت جهانی در عصر طلایی ظهور

امنیت جهانی در عصر طلایی ظهور

قیام حضرت مهدی علیه السلام یعنی اتمام حیات همه فرعونان و فاسدان تاریخ. قیامت بقیة الله الاعظم علیه السلام یعنی پایان زندگی همه بیدادگران و ستم پیشه گان جهان و قیام حجة بن الحسن علیه السلام یعنی برچیده شدن تمام کاخ‌های بیداد در سراسر گیتی . امام علیه السلام فرمودند :

بر هر ستمگر و ستمگرزاده‌ای پیروز می‌شود و آنقدر عدالت در جهان آشکار می‌سازد که مردگان‌شان آرزوی زندگی - مجدد در دنیا - می‌نمایند. (۱)

« (۱۶۱) »

حتی در کتب اهل سنت نیز تصویر آن دوره به روشنی بیان شده است. مثلاً در کتاب «عقد الدرر» می‌خوانیم :

حضرت مهدی علیه السلام امیرانش را به تمام کشورها می‌فرستد تا عدالت را پیاده کنند.

گرگ و گوسفند در یک مکان به چرا مشغول می‌شوند.

کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند و هیچ آسیبی به آنها نمی‌رسد.

شتر و بدی برداشته می‌شود و خیر باقی می‌ماند.

انسان یک مُد (۱) (بذر) می‌کارد و ۷۰۰ مُد حاصل برداشت می‌کند. چنان‌که

۱- «الحاوی للفتاوی» ج ۲ / ۶۱ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- هر مُد در حدود ۷۵۰ گرم می‌باشد.

« (۱۶۲) »

قرآن کریم می‌فرماید: «كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (۱) (همانند یک دانه که از آن هفت سنبل بروید و هر سنبل صد دانه باشد و خداوند برای هر کس بخواهد بیشتر هم عطا می‌فرماید).

ربا برداشته می‌شود.

زنا برداشته می‌شود.

شرب خمر از بین می‌رود.

مردم به اطاعت و عبادت روی می‌آورند.

دین رونق می‌یابد .

۱- قرآن کریم، ۲۶۱ / بقره .

« (۱۶۳) »

نمازها به جماعت خوانده می‌شود.

عمرها طولانی می‌گردد.

امانت‌ها رعایت می‌شود .

درختان پرثمر می‌گردند.

برکت‌ها بسیار افزون می‌شود.

بدها و شروران هلاک می‌شوند.

نیکان می‌مانند و از دشمنان اهل بیت پیامبر کسی باقی نمی‌ماند. (۱)

۱- «عَفْدُ الدُّرِّ»، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی/ ۱۵۹ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی. (۱۶۴)»

اگر بخواهیم براساس آنچه از روایات بدست می‌آید آن دوران را از بُعد اقتصادی ترسیم کنیم باید بگوییم:

الف - نابودی نظام فقرمداری

در دوران حکومت مهدی علیه‌السلام از فقر نشانه‌ای نخواهد بود، نه که عده‌ای سیر بخوابند و در کنارشان انسان‌هایی فراوان به گرسنگی شب و روز را سپری کنند و پایه‌های اقتصادی را عده‌ای محدود در اختیار خویش گیرند و با تمام ترفندهای حيله‌گرانه تازه کاران را به زمین زنند و از قدرت خویش بهره‌گیرند و تولید کالاهایی را در انحصار خویش قرار دهند. بلکه در دوران طلایی حضرت مهدی علیه‌السلام هر که

(۱۶۵)»

بخواهد تلاش کند به آزادی زمینه تلاش برایش فراهم خواهد شد. نه زورگویی اقتصادی خواهد بود و نه انحصار تولید که همگان در بهره‌وری از نعم الهی برابرند.

چون حکومت آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله آشکار شود مهدی علیه‌السلام - به عنوان فرمانروای آن حکومت - در حد پایین‌ترین فرد جامعه اسلامی از نعمت‌های مادی بهره‌ور خواهد شد و تمامی یاران حضرتش نیز در این کار با او همراه خواهند بود.

مُعَلَّى بن حُنَيْس گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرضه داشتیم:

اگر حکومت به دست شما افتد ما در کنار شما در عیش و رفاه خواهیم بود.

حضرتش فرمود:

به خدا سوگند اگر این امر به دست ما افتد جز نان سبوسین نخواهیم خورد و جز لباس خشن به تن نخواهیم کرد. (۱)

(۱۶۶)»

ب - رفاه اقتصادی

در دوران حاکمیت حضرت مهدی علیه‌السلام رفاه، همگانی می‌شود و تمام آحاد مردم در زیر چتر حکومت آن حضرت از مواهب طبیعی یکسان بهره‌مند خواهد شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

اُمّت من در دوران مهدی علیه‌السلام چنان متنعم شود که بسان آن بهره‌وری را (در تمام زمان‌ها) ندیده باشد. آسمان پیوسته باران (رحمت) خود را بر ایشان فرومی‌فرستد و زمین چیزی از رویدنی‌اش باقی نمی‌ماند مگر آن که برویاند. ثروت در آن روز بر

۱- «بحارالانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۲ / ۳۴۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی.

(۱۶۷)»

روی هم انباشته می‌شود. (چون) مردی به پاخیزد و بگوید: ای مهدی بر من عطا فرما. گوید: بگیری. (۱)

در جای دیگر حضرتش فرمودند:

در پایان اُمّت من مهدی علیه‌السلام خروج خواهد کرد. خداوند با باران رحمتش او را سیراب می‌کند. زمین گیاهش را می‌رویاند.

او ثروت را به مساوات تقسیم می‌کند. دام (چهارپایان بهره ده) در جهان فراوان می‌شوند و امت (اسلامی) بسیار بلندی خواهند گرفت. (۲)

۱- «عقد الدرر» یوسف بن یحیی مقدسی شافعی / ۱۷۰ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی . (۱۶۸) (۱)

و نیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

زمین بار محصول خویش را می‌دهد و در دل خود چیزی برجای نمی‌گذارد. در آن روزگار مال و ثروت خرمن شود. هر کس در برابر مهدی بایستد و بگوید: ای مهدی به من مالی بده! مهدی بی‌درنگ گوید: بگیر. (۱)
امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

هر گاه قائم ما قیام کند (دارایی‌ها) را به مساوات تقسیم می‌کند و در میان آفریدگان خدای رحمان به عدالت رفتار می‌کند، خواه نیکوکاران باشند و خواه

۱- «تاریخ ما بعدالظهور»، محمد صدر / ۷۷۴ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه آقای لطیف راشدی .

۲- «بحار الانوار»، علامه مجلسی، ج ۵۱ / ۸۸ نقل از «در فجر ساحل» محمد حکیمی / ۴۰ . (۱۶۹) (۱)

زشت کرداران... و تمام اموال دنیا آنچه در روی زمین است و آنچه در درون آن، برای او گرد هم می‌آید. پس به مردمان می‌گوید: بیاید آنچه را که به خاطرش با ارحام خود قطع رابطه کردید و به خاطر آن خون‌ها ریختید و به خاطرش مرتکب حرام‌های الهی شدید، (آن‌ها را برگزید) پس به گونه‌ای (از اموال) ارزانی می‌کند که پیش از او احدی چنین عطا و بخشش نکرده است. (۱)
امام موسی کاظم علیه‌السلام در اوصاف حضرت مهدی علیه‌السلام می‌فرمایند:
او دوازدهمین ماست، خداوند هر سختی را برایش آسان و هر امر مشکلی را سهل می‌گرداند. برایش گنج‌های زمین را آشکار و هر مقصد دور را نزدیک می‌نماید.

۱- «عَلَلُ الشَّرَائِعِ»، شیخ صدوق نقل از «منتخب الاثر»، لطف‌الله صافی / ۳۱۰ . (۱۷۰) (۱)

طومار زندگی ظالمان را توسط او درهم می‌پیچد و بالاخره هر شیطان پلید را به دست او نابود می‌سازد. (۱)

در بیانات امامان علیهم‌السلام چنین رسیده است:

اگر مردی از مهدی درخواست مال و مکنت کند، به او خطاب می‌کند که از خزانه‌دار حضرتش مقدار مورد نیاز را بگیرد و خزانه‌دار آن حضرت بدان فرد می‌گوید به مقداری که توان حمل آن را داری از این مال‌ها بردار .

و یا در جای دیگر امام مهدی علیه‌السلام در خطاب به مردمان می‌فرماید:

این‌ها اموالی است که به خاطر آن برهم ستم می‌کردید. پس هر چه می‌خواهید از

۱- «کمال الدین»، شیخ صدوق، ج ۲ / ۳۶۸ و ۳۶۹ .

(۱۷۱) (۱)

این اموال برگردد .

در منابع عامه به نقل از کتاب «بشارة المصطفی» آمده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

مهدی علیه‌السلام نسبت به اموال، بخشنده‌ای جواد است و نسبت به مستمندان با مهر و عطوفت و نسبت به کارگزاران خویش بسیار با شدت می‌باشد. (۱)

شکوفایی اقتصادی در دوران حکومت امام مهدی علیه‌السلام به گونه‌ای است که در گذشته تاریخ بی‌سابقه بوده است. گویی تمام قوای زمینی و آسمانی دست بردست هم داده‌اند تا تمامی ذخایر هستی را آشکار کنند و قدرت لایزال الهی را در گستردگی

۱- «منتخب الاثر»، لطف‌الله صافی / ۳۱۱ .

(۱۷۲) (۰)

نعمت و بخشش بر همگان بنمایاند، تا بشر به زبان فطرت در بارگاه قدس او اعتراف کند که مُلک هستی از آن اوست و هرچه فرمان دهد وقوعش قطعی است، که خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (۱)

آیا ندیدید آنچه را که در زمین کشتید آیا شما آن (دانه) را رویانیدید یا این که ما آن را رویانیدیم؟! و خداوند چنین مقدر داشته است که آن بهشت زمینی را در دوران مسرت‌آفرین آخرین خلیفه‌اش حضرت مهدی علیه‌السلام آشکار فرماید تا بوی گل و سنبل تمام فضا را عطر آگین کند و درختان سربر فلک کشیده سایه خویش را بر زمین بگسترانند و

آهوان

۱- قرآن کریم، ۶۳ و ۶۴ / واقعه .

(۱۷۳) (۰)

و پرندگان در بیشه‌زارانش به جست و خیز و پرواز پردازند، تا همگان توان خلیفه الهی را در زمین مشاهده کنند. (۱)

در ذکر اعمال و آداب مخصوص، جهت ملاقات آن حضرت علیه‌السلام (۲)

آدابی که به برکت آن‌ها می‌توان حضرت را زیارت کرد:

در ذکر اعمال و آدابی که شاید بتوان به برکت آن‌ها به سعادت ملاقات حضرت حجت علیه‌السلام رسید؛ شناسد یا نشناسد؛ در خواب یا بیداری و بردن بهره و فیضی از آن

۱- این مطالب از کتاب آینده جهان، تألیف جلال برنجیان، استفاده شده است .

۲- این مطالب از کتاب خورشید غایب مختصر نجم‌الثاقب، تألیف رضا استادی، استفاده شده است .

(۱۷۴) (۰)

حضرت؛ هرچند که نباشد مگر زیادتی نور یقین و معرفت وجدانی به آن وجود معظم، که از اهمّ مقاصد است. رسیدن به این مقصود و بلوغ این مرام، در غیبت کبری ممکن و میسر (است)، بلکه مکشوف می‌شود که می‌توان به وسیله علم و عمل و تقوای تام و معرفت و تضرّع و انابت و تهذیب نفس از هر غلّ و غشّ و ریبه و شکّ و شبهه و صفات مذمومه، قابل تلقی اسرار و دخول در سلک خاصان و خواصّ، شد و از کلمات علمای اعلام، در باب یازدهم، شواهدی ذکر می‌شود.

مقصود در این جا، نه بیان دست آوردن راه آن است؛ که زیاده برای ادای تمام فرایض و سنن و آداب و ترک تمام محرّمات و مکروهات و مبغوضات، به نحوی که از او خواسته‌اند، سایر مقدمات آن، مستور و مخفی است (است) و جز بر اهلش

(۱۷۵) (۰)

مکشوف و مبین ندارند؛ بلکه غرض، به دست آوردن راهی است که شاید به وسیله آن، در عمر خویش، نوبتی به این نعمت برسد؛ هرچند در خواب باشد.

از تأمل در برخی از قصص و حکایات معلوم می‌شود که مداومت بر عمل نیک و عبادتی مشروعه و کوشش در انابه و تضرّع، در مدت چهل روز، به جهت این مقصد، از اسباب قریبه و وسیله‌های عظیمه است؛ چنان که رفتن چهل شب چهارشنبه در مسجد سهله،

یا چهل شب جمعه در کوفه، با اشتغال به عبادت، از عمل‌های متداوله معروفه است که بسیار از علما و صلحا دعوی تجربه کرده‌اند.

و نیز زیارت سید الشهداء علیه‌السلام، در چهل شب جمعه و امثال آن.

و ظاهراً مستندی مخصوص در دست ایشان نباشد - نه برای عدد مذکور و نه برای عمل - جز آنچه از کتاب و سنت ظاهر می‌شود؛ که مداومت بر دعا

(۱۷۶) ﴿﴾

در چهل روز، در اجابت و قبول، مؤثر است.

در کافی روایت است که محمد بن مسلم گفت: گفتم به جناب باقر، یا صادق علیه‌السلام که: «ما می‌بینیم مرد را که برای اوست عبادت و کوشش و خشوع، و لیکن قائل نیست به حق - یعنی به امامت ائمه علیهم‌السلام - پس آیا او را هیچ منفعت می‌دهد؟

فرمود: ای محمد! به درستی که مثل کسانی که به امامت ائمه قائل نیستند و عبادت می‌کنند. مثل اهل بیته بود که در بنی اسرائیل بودند، که هیچ کدام از ایشان، چهل شب کوشش نمی‌کرد، مگر آن که چون دعا می‌کرد، به اجابت می‌رسید. مردی از ایشان، چهل شب سعی و کوشش کرد، آن‌گاه دعا کرد، پس مستجاب نشد.

دعاهایی که به واسطه خواندن آن می‌توان حضرت حجت علیه‌السلام را در خواب یا بیداری دید

(۱۷۷) ﴿﴾

و اما اعمال مخصوصه برای حاجت مذکوره؛ چه آن که مختص به امام زمان علیه‌السلام باشد، یا به مشارکت سایر ائمه، بلکه انبیاء علیهم‌السلام؛ پس چند چیز از آن‌ها مذکور می‌شود:

اول: سید جلیل، ابن باقی در «اختیار مصباح» روایت کرده از حضرت صادق علیه‌السلام که فرمود: «هر کس بخواند بعد از هر نماز فریضه این دعا را، پس به درستی که او خواهد دید امام م ح م د بن الحسن علیه‌السلام را در بیداری یا در خواب:

بسم الله الرحمن الرحيم

(۱۷۸) ﴿﴾

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيُّمًا كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا سَهْلَهَا وَ جَبَلَهَا عَنِّي وَ عَنِ الْإِثْمِ وَ إِخْوَانِي التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ
اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْيَيْتَهُ لِي فِي صَبِيحِهِ هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أُزُولُ أَبَدًا .

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّائِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ .

اللَّهُمَّ فَإِنَّ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرًّا كَفَنِي شَاهِرًا سَيْفِي مُجَرَّدًا قَنَاتِي مُلَبِّيًّا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَ الْبَادِي .

(۱۷۹) ﴿﴾

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ أَكْحُلْ بَصْرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ .

اللَّهُمَّ اشْدُدْ أَرْزَهُ وَ قَوِّ ظَهْرَهُ وَ طَوِّلْ عُمُرَهُ اللَّهُمَّ عَمَّرْ بِهِ بِلَادَكَ وَ أَخِي بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادَ فِي الْبِرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيكَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنْ

الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ وَيُحَقِّقُ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقُهُ .

اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَطْهُورِهِمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرِيهِ قَرِيبًا وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . (۱)

۱- بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۶۱ .

((۱۸۰))

«بار خدایا برسان به صاحب الزمان هرچاکه باشد و هر زمان که باشد در مشارق زمین و مغارب زمین، هموار زمین و کوهستانی زمین، از من و از پدر و مادرم و برادران من درود و سلام را به شمارش. بار خدایا قرار ده من را از یاران او و کمک‌های او و پاسداران او و از کسانی که فرمان‌های او را جامه عمل می‌پوشانند و به نواهی او تارک هستم در تمامی روزهای زندگیم و از کسانی مرا قرار ده که جلوی روی ایشان شهید شوم. بار خدایا اگر بین من و او مرگ فاصله شود آن مرگی که برای بندگانت حتم و فرمان داده شده قرار داده‌ای پس مرا از قبرم بیرون آور در حالی که کفنم را به دوش اندازم شمشیرم را بکشم نیزه‌ام را بیرون آورم لبیک گوین جواب کسی از طرف او ندا می‌کند بدهم چه در شهرها و چه در بیابان‌ها. بار خدایا به من

((۱۸۱))

نشان ده آن شکوفای رشید و آن نورانی ستوده شده و چشم من را سرمه بکش به نگاه او و فرجش را تعجیل فرما و محل بیرون آمدن او را آسان فرما. با آفرینش خدا و به وزن عرش خدا و به آن مقدار که کتاب خدا آن را می‌شمارد و علم خدا به آن احاطه دارد. خداوندا به درستی که من تجدید می‌کنم برای او در بامداد امروز و هرچه من زندگی کنم از ایام زندگیم عهد را و قرارداد را برای او در گردنم که از آن برنگردم و به آن پایان ندهم هرگز و پسر دختر پیامبرت را آن کسی که نامگذاری شده به اسم رسول تو. درود تو بر او و آل او تا اینکه به هر باطلی دست پیدا کند آن را درهم ریزد و آنچه حق است برپا کند به واسطه کلماتی که می‌فرماید و حقایقی که روشن می‌کند. بار خدایا برطرف ساز این گرفتاری را از این امت به ظهور او به درستی که آنها (دشمنان تو) آنرا دور می‌پندارند و ما آن را نزدیک می‌دانیم و درود فرست بر محمد

((۱۸۲))

و آل او. بار خدایا توانش را زیاد کن و پشت او را قوی کن و عمرش را طولانی فرما. بار خدایا شهرهایت را به وجود او آبادان فرما و بندگانت را با او احیاء فرما. به درستی که تو گفته‌ای و گفتارت حق است که معلوم شده تباهی در خشکی و دریا به سبب آنچه دست‌های مردمان تحصیل کرده. پس ظاهر ساز بار خدایا ولایت را» .

دوم: شیخ ابراهیم کفعمی در «الْجُنَّةُ الْوَأَقِيه» فرموده که: «دیدم در بعضی از کتب اصحاب خود که هر کس اراده کرده دیدن یکی از انبیاء و ائمه علیهم السلام را یا سایر مردم یا فرزندان خود را در خواب، پس بخواند سوره شمس، قدر، کافرون، توحید و معوذتین (۱)، آن‌گاه بخواند سوره توحید را صد مرتبه و صلوات بفرستد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله

۱- یعنی سوره ناس و فلق .

((۱۸۳))

صد مرتبه و بخوابد بر طرف راست؛ پس به درستی که خواهد دید آن را که قصد کرده - ان شاء الله تعالی - و سخن خواهد گفت با آنها به آنچه می‌خواهد از سؤال و جواب.

و دیدم در نسخه دیگر، همین را به عینه، جز آن که گفته: به جامی آورد این را هفت شب، بعد از دعایی که اولش این است: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي...».

مخفی نماند که این دعا را سید علی بن طاووس روایت کرده در کتاب «فلاح السائل» به اسناد خود از بعضی از ائمه علیهم السلام که فرمود: «هرگاه اراده کردی که ببینی میت خود را، پس بخواب با طهارت و بخواب بر طرف راست خود، و بخوان تسبیح فاطمه زهرا

علیها السلام را و بگو: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ...» .

شیخ طوسی در مصباح خود فرموده: کسی که اراده کرده دیدن میتی را در

(۱۸۴) ۰۰

خواب خود، پس بگوید در وقت خواب:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يُوصَفُ وَالْإِيمَانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بِيَدَاتِ الْأَشْيَاءِ وَالْيَكَّ تَعُودُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتُ مُلْجَأَهُ وَمَنْجَاهُ وَمَا أَذْبَرَ مِنْهَا يَكُنْ لَهُ مُلْجِئًا وَلَا مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ وَأَسْئَلُكَ بِإِلَهِ الْإِلَهِ أَنْتَ وَأَسْئَلُكَ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَبِحَقِّ عَلِيِّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَقِّ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمَا سَيِّدَيَّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُرِينِي مَيِّتِي فِي الْحَالِ الَّتِي هُوَ فِيهَا» (۱)

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۹. بار خدایا تویی زنده‌ای که به وصف درنیاید و ایمان شناخته می‌شود وجودش از توت. ابتداء کردی به خلق اشیاء و به سوی تو است بازگشت آنها پس هرچه از اشیاء که آفریده شده تو پناه آن و محل نجات آن هستی و آنچه از آنها رفته است پس پناهی و محل نجاتی از تو جز سوی تو نیست و از تو می‌خواهم به لاله آن (این که نیست معبودی جز تو) و از تو می‌خواهم به بسم‌الله الرحمن الرحیم (به نام خداوند بخشاینده مهربان) و به حق حبیب تو محمدصلی الله علیه و اله سید انبیاء و به حق علی بهترین اوصیاء و به حق فاطمه سیده زنان جهانیان و به حق حسن و حسین، آن دو نفری که قرارشان دادی دو آقای جوانان بهشت همگی این که درود بفرستی بر محمد و آل او و اهل بیتش و این که به من نشان دهی میت مرا در این شب که در آن هستم .

(۱۸۵) ۰۰

پس، به درستی که تو خواهی دید او را - ان شاء الله تعالی - و مقتضای عموم اول خبر، این دعا را برای میت، حتی انبیاء و ائمه علیهم السلام - چه زنده و چه متوفی - می‌شود خواند.

باید آن کسی که عامل به این نسخه می‌کند، تبدیل کند آخر دعا را به آنچه مناسب مقام امام زنده و پیغمبر زنده است! بلکه ظاهر آن است که اگر برای نبی یا امام - چه

(۱۸۶) ۰۰

زنده و چه متوفی - باشد، باید تغییر دهد.

و مؤید این مطلب آن که در کتاب «تسهیل الدّواء» بعد از ذکر دعای مذکور، گفته که: ذکر کرده بعضی از مشایخ ما رحمه الله که هر کس اراده کرده که ببیند یکی از انبیا یا ائمه هدی علیهم السلام را، پس بخواند دعای مذکور را تا آن جا که «أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»، آن گاه بگوید: «أَنْ تُرِينِي فُلَانًا» (۱) یعنی نام آن را که خواسته، ببرد و بخواند بعد از آن، سوره شمس، لیل، قدر، کافرون، توحید و معوذتین را، آن گاه صدمرتبه سوره توحید را بخواند، پس، هر که را اراده کرده، خواهد دید و سؤال می‌کند از او، آنچه را قصد کرده و جواب خواهد داد او را - ان شاء الله تعالی -

۱- یعنی در این نقل به جای «میت»، «فلان» گفته شده که مخصوص به میت نباشد.

(۱۸۷) ۰۰

سوم: شیخ مفید رحمه الله در کتاب اختصاص روایت کرده از یکی از راویان، از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که گفت: شنیدم از آن حضرت که می‌فرماید: «هر کس که برای او حاجتی است به سوی خداوند تبارک و تعالی و اراده کرده که ما را ببیند و مقام و مرتبه خود را بداند، پس غسل نماید سرش و مناجات کند به ما (یعنی - والله العالم - که که با خدای تعالی مناجات کند به توسط ما، به این که قسم دهد او را به حق ما و متوسل شود به حضرت او به وسیله ما، که ما را به او بنمایاند و مقام او را در نزد ما به

او نشان دهد) پس به درستی که او خواهد دید ما را و می‌آمزد او را خداوند به سبب ما و پوشیده نمی‌شود بر او موضع و محلّ او (یعنی مقام او)».

و بعضی گفته‌اند: مراد از «مناجات کردن به ما»، این [است] که دیدن «ما» را از هم خود قرار دهد و دیدن و محبت «ما» را ذکر نفس خود گرداند، که خواهد دید ایشان را.

((۱۸۸))

استغاثه به حضرت علیه‌السلام

سید فضل‌الله راوندی در کتاب «دَعَوَات» و علامه مجلسی در «بحار» از کتاب «مجموع الدَعَوَات» تلعکبری و سید علی خان در «کَلِم الطَّيِّب» از «قبس المصباح» روایت کرده‌اند از ابوالوفای شیرازی که گفت: «من اسیر بودم در حبس الیاس، با ضیق حال؛ پس چنین معلوم شد بر من که او قصد قتل من کرده؛ پس شکایت کردم به سوی خداوند تبارک و تعالی و شفیع قراردادام مولای خود، ابی‌محمد، علی بن‌الحسین، زین‌العابدین علیه‌السلام را؛ پس خواب مرا ربود. (۱)

۱- و به روایت «قبس»: - پس موکلین به من گفتند که: «قصد بدی به تو کرده». پس من مضطرب شدم و بنا کردم به مناجات کردن با خداوند به توسل پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام و چون شب جمعه شد و فارغ شدم از نماز، خوابیدم.

((۱۸۹))

در خواب دیدم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله [را] که آن جناب می‌فرماید که: متوسل نشو به من و نه به دختر من و نه به دو پسر من از برای چیزی از متاع دنیا، بلکه از برای آخرت و آنچه را آرزو داری از فضل‌الهی تعالی.

و اما برادرم، ابوالحسن علیه‌السلام، پس او انتقام می‌کشد از کسی که ظلم کرده تو را. پس گفتم: یا رسول‌الله آیا نبود که فاطمه علیها‌السلام را ظلم کردند، پس صبر کرد و میراث تو را غصب کردند، صبر نمود؛ پس چگونه انتقام می‌کشد از کسی که مرا ظلم نموده؟

پس حضرت نظر کرد به من از روی تعجب و فرمود: آن عهدی بود که به او کرده

((۱۹۰))

بودم و امری بود که به او، امر نموده بودم و جایز نبود برای او مگر به پاداشتن آن و به تحقیق که ادا کرد حقّ را. و الان، پس وای بر کسی که متعزّض شود موالی او را.

اما علی بن‌الحسین علیه‌السلام، پس، از برای نجات از سلاطین و از شرور شیاطین.

و اما محمد بن علی و جعفر بن محمد علیه‌السلام، پس، از برای آخرت و - به روایتی - آنچه خواهی از طاعت خداوند و رضوان او. و اما موسی بن جعفر علیه‌السلام، پس بخواه به او عافیت. و اما علی بن موسی علیه‌السلام، از برای نجات و - به روایتی - بطلب از او سلامتی را در سفرها در بحر و برّ.

و اما محمد بن علی علیه‌السلام، بطلب به سبب او نزول رزق را از خدای تعالی.

و اما علی بن محمد علیه‌السلام، از برای قضای نوافل و نیکی اخوان و آنچه خواهی از طاعت خداوند عزّ و جلّ. و اما حسن بن علی علیه‌السلام، از برای آخرت.

((۱۹۱))

و اما حجّت علیه‌السلام، پس هر گاه رسید شمشیر به محلّ ذبح تو - و حضرت اشاره فرمود به دست خود به سوی حلق - پس استغاثه بکن به او!؛ به درستی که درمی‌یابد تو را و او فریادرس است و پناه است از برای هر کس که استغاثه کند؛ بگو: «یا مَوْلای یا

صاحب الزمان! اَنَا مُسْتَغِيثٌ بِكَ» .

در جمع بین حکایات و قصه‌های گذشته و بین روایتی که در تکذیب مدعی مشاهده آن جناب علیه‌السلام، در غیبت کبری رسیده است

شیخ صدوق رحمه‌الله در «کمال‌الدین» و شیخ طبرسی رحمه‌الله در «احتجاج» روایت کرده‌اند که: بیرون آمدن توقیع به سوی ابی‌الحسن سمری که:

«ای علی بن محمد سمری! بشنو! خداوند، اجر برادران تو را در تو بزرگ گرداند،
 (۱۹۲)»

پس به درستی که تو فوت خواهی شد، از حال تا شش روز؛ پس جمع کن امر خود را و وصیت مکن به احدی که قائم مقام تو باشد بعد از وفات تو؛ پس به تحقیق که واقع شد غیبت تا مه؛ پس ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی و این بعد از طول زمان و قساوت قلوب و پرشدن زمین است از جور و زود است که می‌آید از شیعه من کسی که مدعی مشاهده است؛ آگاه باشید که هر کس مدعی شود مشاهده را پیش از خروج سفیانی و صیحه (۱)، پس او کذاب و مُفْتَری است؛ «وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ».

و نیز در چند خبر دیگر اشاره به این مطلب فرموده‌اند.

۱- خروج سفیانی و صیحه و صدای آسمانی از علامات‌های ظهور امام عصر علیه‌السلام است.
 (۱۹۳)»

و جواب از این خبر به چند وجه است:

جواب اول آن که: این خبر که سندش ضعیف است و غیر آن، خبر واحد است که جز ظن و گمان از حاصل نشود و موجب جزم و یقین نباشد؛ پس قابلیت ندارد که معارضه کند با وجدان قطعی، که از مجموع قصص و حکایات مربوط به کرامات امام زمان «عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ» نقل شده است. بلکه برخی از آن حکایات دارابود کرامات و خارق‌عاداتی را که ممکن نباشد صدور آن‌ها از غیر آن جناب علیه‌السلام.

و علمای اعلام - از قدیم تا حال - امثال آن حکایات را قبول دارند و در کتب ضبط فرموده‌اند و به آن استدلال کرده‌اند و از یکدیگر گرفته‌اند و از هر کس که اطمینان به صدق کلام او داشته‌اند، تصدیق کرده‌اند.

جواب دوم آن که: شاید مراد از این خبر، تکذیب کسانی باشد که مدعی
 (۱۹۴)»

مشاهده‌اند با ادعای نیابت و رساندن اخبار از جانب آن جناب علیه‌السلام به سوی شیعه؛ چنان که سفرای خاص آن حضرت در غیبت صغری داشتند و این جواب از علامه مجلسی در کتاب «بحار» است.

جواب سوم آن که: زین‌الدین علی بن فاضل، به سیدالدین عرض کرد که: «ای سیدمن! ما روایت کردیم احادیثی از مشایخ خود، از صاحب‌الامر علیه‌السلام که آن حضرت فرمود: هر که در غیبت کبری گوید که مرا دیده، به تحقیق که دروغ گفته، پس چگونه در میان شما کسی است که می‌گوید من آن حضرت را دیده‌ام؟

سید شمس‌الدین گفت: راست می‌گویی؛ آن حضرت این سخن را فرمود در آن زمان، به سبب بسیاری دشمنان، از اهل بیت خود و غیر ایشان از فراعنه زمان از خلفای بنی‌عباس؛ حتی آن که شیعیان در آن زمان، یکدیگر را منع می‌کردند از ذکر کردن

(۱۹۵)»

احوال آن جناب و اکنون زمان طول کشیده و دشمنان از او مأیوس گردیدند.

و سید مرتضی در «تنزیه الانبیاء» در جواب آن کسی که گفته: «هرگاه امام غایب باشد به نحوی که نرسد به خدمت او احدی از خلق و منتفع نشود به او، پس چه فرق است میان وجود او و عدم او؟» فرموده: «اول چیزی که در جواب او می‌گوییم، این که: ما قطع نداریم که نمی‌رسد خدمت او احدی و ملاقات نمی‌کند او را بشری و این امری است که معلوم نشده و راهی نیست به سوی یقین کردن به آن...» (۱).

۱- این مطالب از کتاب خورشیدغایب مختصرنجم‌الثاقب، تألیف رضااستادی، استفاده شده است.
(۱۹۶) «»

«کتابنامه»

- ۱- بیستونی، محمد، تفسیر جوان (۵ جلدی)، اول، قم، انتشارات بیان جوان.
- ۲- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر جوان، اول، قم، انتشارات بیان جوان.
- ۳- بیستونی، محمد، تفسیر بیان (۳۰ جلدی)، اول، تهران، انتشارات فراهانی.
- ۴- بیستونی، محمد، فهرستواره موضوعی تفسیر بیان، اول، تهران، انتشارات فراهانی.
- ۵- نوری، میرزا حسین، خورشید غائب (مختصر نجم‌الثاقب)، اول، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۶- برنجیان، جلال، آینده جهان، سوم، تهران، انتشاراتی طور تهران.
- ۷- بحارالانوار، ج ۸۶.
(۱۹۷) «»
- ۸- بحارالانوار، ج ۵۳.
- ۹- مصطفوی، علی اصغر، «سوشیانت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان»، نقل از نصری، عبدالله «سیمای انسان کامل».
- ۱۰- حموی، حافظ، «فرائد السمطين»، نقل از کتاب «الْمَهْدِيُّ الْمَوْعُودُ الْمُتَنْتَرُّ عِنْدَ عُلَمَاءِ أَهْلِ السُّنَّةِ»، شیخ نجم‌الدین عسکری، ج ۲.
- ۱۱- راشدی، لطیف، «الحاوی للفتاوی» جزء دوم، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام.
- ۱۲- محی‌الدین، «فتوحات مکیه»، نقل از ترجمه «کشف الأستار» اثر محدث نوری ترجمه جلال برنجیان، مخطوط.
- ۱۳- شیخ مفید، «الاختصاص»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام
(۱۹۸) «»
- ترجمه لطیف راشدی.
- ۱۴- طبرسی، «اعلام‌الوری»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۱۵- علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۳ باب توقیعات.
- ۱۶- سلیمان، کامل، «ترجمه یوم‌الخلاص»، ج ۱.
- ۱۷- سلیمان، کامل، «ترجمه یوم‌الخلاص»، ج ۱.
- ۱۸- صافی، لطف‌الله «منتخب الاثر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه‌السلام ترجمه لطیف راشدی.

- ۱۹ - عاملی، شیخ حرّ، «اثبات الهداء»، ج ۷ نقل از «ترجمه مکیال المکارم» محمد تقی اصفهانی، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱. (۱۹۹) (۱)
- ۲۰ - علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۳ نقل از اصفهانی، محمد تقی، «ترجمه مکیال المکارم»، ترجمه حائری قزوینی، ج ۱.
- ۲۱ - امین، سید محسن، «ترجمه اعیان الشیعه» (آشنایی با امام زمان علیه السلام).
- ۲۲ - «الزام الناصب»، ج ۲، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۲۳ - نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۲۴ - علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۲.
- ۲۵ - «بحارالانوار»، ج ۵۲.
- ۲۶ - علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۱ به نقل از «کمال الدین».
- ۲۷ - نعمانی، ابن ابی زینب، «الغیبه»، «الزام الناصب» نقل از کتاب مخطوط (۲۰۰) (۱)
- درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۲۸ - «المهدی»، «بشارة الاسلام» و علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۲۹ - شیخ طوسی، «الغیبه»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۳۰ - «الحاوی للفتاوی»، ج ۲ نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۳۱ - مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عقد الدرر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۳۲ - علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۲، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام (۲۰۱) (۱)
- ترجمه لطیف راشدی.
- ۳۳ - مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، «عقد الدرر»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۳۴ - صدر، محمد، «تاریخ مابعد الظهور»، نقل از کتاب مخطوط درباره امام زمان علیه السلام ترجمه لطیف راشدی.
- ۳۵ - علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۵۱، نقل از حکیمی، محمد، «درفجر ساحل».
- ۳۶ - شیخ صدوق، «علل الشرایع»، نقل از صافی، لطف الله «منتخب الاثر».
- ۳۷ - شیخ صدوق، «کمال الدین»، ج ۲.
- ۳۸ - صافی، لطف الله «منتخب الاثر».
- ۳۹ - مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی «عج»، یازدهم، قم، انتشارات (۲۰۲) (۱)
- نسل جوان
- ۴۰ - آیات اعظام صافی گلپایگانی، سبحانی، کورانی، در جستجوی نور، دوم، قم، انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- ۴۱ - امینی، ابراهیم - داد گستر جهان - ۲۵ - قم - انتشارات شفق
- ۴۲ - مجمع البیان، ذیل آیه ۹، تفسیر سوره صف.

- ۴۳- بحارالانوار، جلد ۵۲.
- ۴۴- صحیح ترمذی، باب ما جاء فی الدجال.
- ۴۵- «هدیه الاجاب».
- ۴۶- تفسیر برهان.
- ۴۷- نهج البلاغه، کلمات قصار.
(۲۰۳) (۱۱)
- ۴۸- بحار الانوار، جلد ۱۳، چاپ قدیم.
- ۴۹- بحارالانوار، جلد ۱۲.
- ۵۰- نورالابصار فی مناقب آل بیت النبى المختار.
- ۵۱- منتخب الاثر.
- ۵۲- مولوی نیا، محمد جواد، سیمای مهدویت در قرآن، چاپ اول، قم، انتشارات امام عصر علیه السلام.
- ۵۳- طباطبایی، سید محمد، ملاقات علماء بزرگ اسلام با امام زمان علیه السلام، دوم، قم، انتشارات شمیم گل نرگس.
- ۵۴- علی پور، حسین، جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام، اول، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
(۲۰۴) (۱۱)
- ۵۵- رجالی تهرانی، علیرضا، یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام، دهم، قم، انتشارات نبوغ.
- ۵۶- موسی الصفار، حسن، امام مهدی علیه السلام امید ملت‌ها، پنجم، تهران، انتشارات آفاق.
- ۵۷- علامه مہری، سید مصطفی، مهدی موعود علیه السلام یارانی این گونه دارد، اول، قم، انتشارات علامه بحرانی.
- ۵۸- فلسفی، محمّد تقی، حکومت جهانی امام عصر علیه السلام، اول، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
- ۵۹- حسینی، سید حسین، یاد محبوب، دوم، تهران، انتشارات نشر آفاق.
- ۶۰- حکیمی، مهدی، منتظر، چشم به راهی فریادگر!!!! - اول - مشهد - انتشارات به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
(۲۰۵) (۱۱)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن

خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

